

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی

رشته معماری معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری

طراحی کوی مسکونی با رویکرد منطقه گرایی در معماری

نگارنده: فائزه سمسار ایزدی

اساتید راهنما

دکتر مسعود طاهری شهرآئینی

دکتر حمیدرضا اطلس باف

۱۳۹۶-۶

شهریور ۱۳۹۶

- سپاس از همه عزیزانی که در طول انجام این پروژه مرا یاری کرده اند.

تعهد نامه

اینجانب فایزه سمسار ایزدی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته معماری دانشکده معماری دانشگاه صنعتی شاهرود نویسنده پایان نامه طراحی کوی مسکونی با رویکرد منطقه گرایی در معماری تحت راهنمایی دکتر اطلسباف و دکتر طاهری متعهد می شوم.

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه شاهرود می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه شاهرود » و یا « **Shahrood University** » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده اند در مقالات مستخرج از پایان نامه رعایت می گردد.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه ، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است اصل رازداری ، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است .

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزار ها و تجهیزات ساخته شده است) متعلق به دانشگاه شاهرود می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

چکیده

در سال های اخیر به دنبال پیامدهای ناشی از رشد روزافزون جمعیت و ساخت مجموعه های مسکونی بی ارتباط با محیط، موضوع چگونگی سازگار نمودن طرح های مسکونی با زمینه قرارگیری شان همراه با در نظر گرفتن تمامی جوانب نیازهای انسان، در کانون توجه متخصصین قرار گرفته است. از این رو شناسایی اصول و الگوهای برآمده از زمینه و بهره گیری منطقی از آنها برای برقراری ارتباط بین فضای مسکونی و انسان، اهمیت ویژه ای پیدا می کند. این پژوهش، در جستجوی استفاده از این اصول در طراحی مجموعه های مسکونی می باشد. بر این اساس، پس از شناسایی مسکن، مجموعه های مسکونی و اصول حاکم بر طراحی آنها به مطالعات مربوط به منطقه گرایی و چگونگی بهره گیری از این نظریه پرداخته شده است. بر اساس این رویکرد، بناها هنگامی مقبولیت می یابند که از معیارهای برخاسته از ویژگی های سرزمینی و انسانی پیروی و با گذشت زمان هم چنان توان پاسخگویی خود را حفظ نمایند. از آنجا که معماری گذشته ایران بر اساس معیارها و اصول معینی شکل گرفته و الگوهای متناسب با زندگی مردم را ارائه کرده اند، شناخت و تحلیل ساختار و الگوهای به کار رفته در این حوزه زمینه برنامه ریزی و طراحی کوی مسکونی موضوع این طرح را فراهم ساخته است. هم چنین به منظور استفاده از تجربیات مشابه، به بررسی تطبیقی دو نمونه مجموعه مسکونی با رویکرد منطقه گرایی در ایران و هند و استخراج مبانی طراحی آنها پرداخته شده است. در نهایت با استناد به اصول به دست آمده و شناخت عوامل اثرگذار بر شکل گیری مسکن در شهر مشهد به طراحی کوی مسکونی اقدام گردیده است.

واژه های کلیدی: مسکن، کوی مسکونی، منطقه گرایی، الگوهای طراحی

فهرست مطالب

۱	فصل اول، کلیات پژوهش
۱-۱-۱	مقدمه
۱-۱-۲	تشریح و بیان مسأله
۱-۱-۳	پیشینه پژوهش
۱-۱-۴	اهداف پژوهش
۱-۱-۵	روش و فرآیند انجام پژوهش
۱-۱-۶	ساختار پژوهش
۱۱	فصل دوم، مبانی نظری
۲-۱-۱-۱	مقدمه
۲-۱-۱-۲	مسکن و مجموعه های مسکونی
۲-۱-۲-۱-۱	تعریف
۲-۱-۲-۲-۱	مسکن گذشته و حال
۲-۱-۲-۳-۱	دسته بندی انواع متداول مسکن امروز
۲-۱-۲-۳-۱-۱	خانه های دارای حیاط مرکزی
۲-۱-۲-۳-۲	خانه های تک واحدی مستقل
۲-۱-۲-۴-۱	دسته بندی انواع متداول مسکن گروهی
۲-۱-۲-۴-۱-۱	مجموعه مسکونی اشتراکی
۲-۱-۲-۴-۲	مجموعه های بلند مرتبه آپارتمانی
۲-۱-۲-۴-۳	آپارتمان های مسکونی با ارتفاع متوسط
۲-۱-۲-۴-۴	کوی مسکونی
۲-۲-۱	اصول طراحی کوی مسکونی
۲-۲-۱-۱	مقدمه

۲۱	۲-۲-۱-۲- اصول سازمان دهنده فضاهای مسکونی
۲۵	۲-۳-۱- منطقه گرایی
۲۵	۲-۳-۱-۱- مقدمه
۲۵	۲-۳-۱-۲- تعریف منطقه گرایی
۲۶	۲-۳-۱-۳- معنای لغوی منطقه گرایی
۲۷	۲-۳-۲- منطقه گرایی در معماری
۲۷	۲-۳-۳- انواع منطقه گرایی
۲۹	۲-۳-۳-۱- معماری بومی
۲۹	۲-۳-۳-۱-۱- احیاء معماری بومی
۳۰	۲-۳-۳-۱-۲- بوم گرایی محافظه کارانه
۳۱	۲-۳-۳-۱-۳- بوم گرایی تعبیری (بوم گرایی جدید)
۳۴	۲-۳-۳-۲- منطقه گرایی مدرن
۳۴	۲-۳-۳-۲-۱- معماری تقلیدی
۳۵	۲-۳-۳-۲-۲- معماری پست مدرن با تعبیر مجدد
۳۶	۲-۳-۳-۲-۳- معماری پاسخگو به اقلیم
۳۷	۲-۳-۳-۲-۴- معماری منطقه گرا با الگوی فرهنگی
۳۹	۲-۳-۳-۲-۵- تندیس گرایی
۴۰	۲-۳-۴- نتیجه گیری
۴۱	فصل سوم، مطالعات تطبیقی
۴۲	۳-۱-۱- مقدمه
۴۲	۳-۱-۲- شهرک مسکونی شوشتر نو
۴۲	۳-۱-۲-۱- مقدمه
۴۳	۳-۱-۲-۲- گرایش های نظری و فکری کامران دیبا

- ۴۳ ۳-۱-۲-۳- شوستر نو
- ۴۴ ۳-۱-۲-۴- معماری سنتی شوستر قدیم
- ۴۵ ۳-۱-۲-۵- اصول سازمان دهی فضاهای شهری
- ۴۵ ۳-۱-۲-۵-۱- فضای خارجی، فضای داخلی
- ۴۷ ۳-۱-۲-۵-۲- اصل هم پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی
- ۴۸ ۳-۱-۲-۵-۳- اصل محصور کردن فضا
- ۴۹ ۳-۱-۲-۵-۳-۱- خصوصیت ایستایی و پویایی فضاهای محصور
- ۵۰ ۳-۱-۲-۵-۴- اصل مقیاس و تناسب
- ۵۱ ۳-۱-۲-۵-۵- اصل فضاهای متباین
- ۵۳ ۳-۱-۲-۵-۶- اصل قلمرو فضایی
- ۵۳ ۳-۱-۲-۵-۶-۱- قلمرو یک واحد همسایگی
- ۵۴ ۳-۱-۲-۵-۶-۲- قلمرو چند واحد مسکونی
- ۵۵ ۳-۱-۲-۵-۶-۳- قلمرو یک واحد مسکونی
- ۵۵ ۳-۱-۲-۵-۷- اصل ترکیب (کمپوزیسیون)
- ۵۷ ۳-۱-۲-۵-۸- آگاهی از فضا
- ۵۸ ۳-۱-۲-۵-۹- نظام دسترسی
- ۶۰ ۳-۱-۲-۶- ترکیب واحد های مسکونی
- ۶۱ ۳-۱-۲-۷- نتیجه گیری
- ۶۲ ۳-۲- مجموعه مسکونی آرانیا
- ۶۲ ۳-۲-۱- مقدمه
- ۶۳ ۳-۲-۲- گرایش های نظری و فکری بالکریشنا دوشی
- ۶۳ ۳-۲-۳- مجموعه مسکونی آرانیا
- ۶۴ ۳-۲-۳-۱- معماری بومی

۶۵	۳-۲-۳-۲	تحلیل مجموعه مسکونی آرانیا
۶۶	۳-۲-۳-۳	اصول سازمان دهی فضاهای شهری
۶۶	۳-۲-۳-۳-۱	فضای خارجی، فضای داخلی
۶۷	۳-۲-۳-۳-۲	اصل هم پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی
۶۸	۳-۲-۳-۳-۳	اصل محصور کردن فضا
۶۹	۳-۲-۳-۳-۳-۱	خصوصیت ایستایی و پویایی فضاهای محصور
۷۰	۳-۲-۳-۳-۴	اصل مقیاس و تناسب
۷۰	۳-۲-۳-۳-۵	اصل فضاهای متباین
۷۱	۳-۲-۳-۳-۶	اصل قلمرو فضایی
۷۱	۳-۲-۳-۳-۶-۱	قلمرو یک واحد محله ای
۷۲	۳-۲-۳-۳-۶-۲	قلمرو چند واحد مسکونی
۷۲	۳-۲-۳-۳-۶-۳	قلمرو یک واحد مسکونی
۷۳	۳-۲-۳-۳-۶	اصل ترکیب (کمپوزیسیون)
۷۳	۳-۲-۳-۳-۷	آگاهی از فضا
۷۴	۳-۲-۳-۳-۸	دسترسی
۷۶	۳-۲-۳-۴	ترکیب واحدهای مسکونی
۷۷	۳-۲-۳-۵	اقلیم
۷۷	۳-۲-۴	نتیجه گیری
۷۸	۳-۳	مقایسه دو مجموعه مسکونی شوشتر نو و آرانیا
۸۵	۳-۳-۱	نتیجه گیری
۸۷		فصل چهارم، مطالعات زمینه
۸۸	۴-۱-۱	مقدمه
۸۸	۴-۱-۲	تحلیل و شناخت بستر طراحی

- ۸۸ شهر مشهد ۴-۱-۲-۱
- ۸۹ نحوه شکل گیری و توسعه شهر مشهد ۴-۱-۲-۲
- ۹۱ ویژگی های فرهنگی و اجتماعی مردم مشهد ۴-۱-۲-۳
- ۹۲ ویژگی های اقلیمی مشهد ۴-۱-۲-۴
- ۹۲ دما ۴-۱-۲-۴-۱
- ۹۳ باد ۴-۱-۲-۴-۲
- ۹۴ تابش و سایه ۴-۱-۲-۴-۳
- ۹۵ بارش ۴-۱-۲-۴-۴
- ۹۶ معرفی گونه های گیاهی سازگار با مشهد ۴-۱-۲-۴-۵
- ۹۶ بررسی انواع جهت گیری در خانه های سنتی مشهد ۴-۱-۲-۵
- ۹۸ بررسی الگوی حیاط و توده و فضا در خانه های سنتی مشهد ۴-۱-۲-۶
- ۱۰۰ بررسی دو نمونه از خانه های سنتی مشهد ۴-۱-۲-۷
- ۱۰۰ خانه امیری ۴-۱-۲-۷-۱
- ۱۰۲ خانه مستوفی ۴-۱-۲-۷-۲
- ۱۰۴ بررسی عناصر کالبدی و ویژگی های فضایی خانه های سنتی مشهد ۴-۱-۲-۸
- ۱۰۶ نتیجه گیری ۴-۱-۳
- ۱۰۷ تحلیل و شناخت محدوده طرح ۴-۲-۱
- ۱۰۷ معرفی محدوده طرح ۴-۲-۲
- ۱۰۸ دسترسی های اطراف زمین ۴-۲-۳
- ۱۰۹ کاربری های هم جوار طرح ۴-۲-۴
- ۱۱۱ نظام ارتفاعی موجود در اطراف طرح ۴-۲-۵
- ۱۱۱ مبانی برنامه ریزی ۴-۳-۱
- ۱۱۱ ضوابط و مقررات طراحی در منطقه ۴-۳-۲

فصل پنجم، طراحی	۱۱۳
۵-۱- مقدمه	۱۱۴
۵-۲- روند طراحی	۱۱۴
۵-۳- مدارک و نقشه ها	۱۲۰
منابع	۱۲۲

فهرست تصاویر

۲-۱- انواع خانه های تک واحدی مستقل: خانه های ردیفی، نیمه مجزا و کاملاً مجزا	۱۷
۲-۲- مجموعه مسکونی هابیتات، مونترال	۱۹
۲-۳- مجموعه مسکونی مونت تیماه، سنگاپور	۲۰
۲-۴- مجموعه مسکونی تو کریسنت، سنگاپور	۲۰
۲-۵- مجموعه مسکونی دانی بروک، لندن	۲۰
۲-۶- نمونه ای از احیاء معماری بومی در روستای یاما، آفریقا	۳۰
۲-۷- نمونه ای از احیاء معماری بومی، روستای ابیانه، اصفهان، ایران	۳۱
۲-۸- نمونه هایی از آثار عبدالواحد الوکیل	۳۱
۲-۹- تصاویری از خانه سازی نادر خلیلی به روش سیستم ابرخشت	۳۲
۲-۱۰- تصاویری از روستا گورنای نو، مصر	۳۳
۲-۱۱- نمونه هایی از آثار معماری تقلیدی	۳۵
۲-۱۲- نمونه هایی از معماری پست مدرن با تعبیر جدید	۳۶
۲-۱۳- نمونه هایی از آسمان خراش های سبز، اثر کن یینگ	۳۷
۲-۱۴- نمونه ای از آثار نادر اردلان، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران	۳۸

- ۲-۱۵- نمونه هایی از آثار کامران دیبا، مسجد دانشگاه جندی شاپور و شهرک شوشتر نو..... ۳۹
- ۲-۱۶- نمونه هایی از آثار تندیس گرایی در ایران، موزه هنرهای معاصر و برج آزادی..... ۳۹
- ۳-۱- نمونه ای از خانه های سنتی شهر شوشتر..... ۴۴
- ۳-۲- معماری سنتی اقلیم گرم و خشک..... ۴۵
- ۳-۳- محور اصلی شوشتر نو (حیات شهری)..... ۴۶
- ۳-۴- گذر پیاده رو شرقی- غربی شوشتر نو (حیات اجتماعی)..... ۴۶
- ۳-۵- حیات شخصی ساختمان های شوشتر نو..... ۴۷
- ۳-۶- قسمتی از مجموعه بخش مرکزی شهر شوشتر نو به مثابه یک کل..... ۴۸
- ۷-۳- محصور شدن فضا با سرپوشیده کردن بخشی از معبر..... ۴۹
- ۳-۸- محصور شدن فضا با استفاده از بدنه کوچه..... ۴۹
- ۳-۹- محصور کردن فضا با استفاده از بدنه های دور میدان..... ۴۹
- ۳-۱۰- نمونه ای از ترکیب فضاهای محصور پویا و ایستا در شوشتر نو..... ۵۰
- ۳-۱۱- نمای داخلی یکی از خیابان های شوشتر نو..... ۵۱
- ۳-۱۲- یکی از گذر های شوشتر نو، با نسبت ۱ به ۱/۵، فضایی با مقیاس انسانی..... ۵۱
- ۳-۱۳- اتصال چند فضای متباین در بلوار اصلی پیاده رو شوشتر نو..... ۵۲
- ۳-۱۴- نمونه ای از گذرهای پیاده رو شوشتر نو..... ۵۲
- ۳-۱۵- نمونه هایی از فضاهای متباین در مجموعه شوشتر نو..... ۵۲
- ۳-۱۶- نحوه دسترسی محور اصلی شهر به یک واحد همسایگی..... ۵۳
- ۳-۱۷- نحوه شکل گیری فضاهای شهری، خانه مسکونی، واحد همسایگی و محله مسکونی..... ۵۴
- ۳-۱۸- استفاده از عناصر بصری خاص برای تعریف قلمرو فضایی واحدهای مسکونی، شوشتر نو..... ۵۴

- ۳-۱۹- استفاده از پل برای تعریف قلمرو فضایی..... ۵۴
- ۳-۲۰- ایجاد اختلاف سطح برای تعریف قلمرو فضایی..... ۵۴
- ۳-۲۱- ورودی خانه های مسکونی در شوشتر نو..... ۵۵
- ۳-۲۲- یکی از نماهای مشرف به گذر اصلی، شوشتر نو..... ۵۶
- ۳-۲۳- نمایی از بدنه میدان مرکزی شوشتر نو..... ۵۷
- ۳-۲۴- نمایی از بام بناهای شوشتر نو..... ۵۷
- ۳-۲۵- ترکیب توده و فضا در بخش های مختلف شوشتر نو..... ۵۷
- ۳-۲۶- ترکیب توده و فضا در میدان مرکزی شوشتر نو..... ۵۸
- ۳-۲۷- نحوه شکل گیری فضای چند منظوره مرکزی..... ۵۹
- ۳-۲۸- جانمایی فضاهای پارکینگ در نقاط خاصی از شهرک..... ۵۹
- ۳-۲۹- سطوح مختلف دسترسی و تفکیک دسترسی سواره از پیاده در شوشتر نو..... ۵۹
- ۳-۳۰- نحوه شکل گیری واحد های همسایگی مشترک در شهرهای سنتی ایران..... ۶۱
- ۳-۳۱- تیپولوژی خانه های مسکونی، شوشتر نو..... ۶۱
- ۳-۳۲- نمونه ای از نقشه های واحدهای مسکونی، شوشتر..... ۶۴
- ۳-۳۳- نمایی از مجموعه مسکونی آرانیا..... ۶۵
- ۳-۳۴- نمونه ای از بسط فضایی خانه های مسکونی در بافت سنتی شهر های هند..... ۶۵
- ۳-۳۵- طرح جامع شهرک آرانیا..... ۶۷

- ۳-۳۶- بخشی از نمای طراحی شده برای مدل های نمونه..... ۶۸
- ۳-۳۷- نمونه ای از ناهماهنگی در طراحی ناشی از سلیقه شخصی در ساختمان های آرانیا..... ۶۸
- ۳-۳۸- نمونه ای از بدنه های محصور کننده شهری طراحی شده در شهرک آرانیا..... ۶۹
- ۳-۳۹- نمایش درجه های مختلف محصوریت در یکی از گذرهای محله های شش گانه..... ۶۹
- ۳-۴۰- محصور شدن فضا با استفاده از بدنه کوچه ها..... ۶۹
- ۳-۴۱- محصور شدن فضا با سرپوشیده شدن بخشی از معبر..... ۶۹
- ۳-۴۲- نمونه ای از فضاهای پویا و ایستا در شهرک آرانیا..... ۷۰
- ۳-۴۳- نمونه هایی از فضاهای ایستا در محله های شهرک آرانیا..... ۷۰
- ۳-۴۴- نمونه ای از گذرهای پیاده رو شهرک آرانیا، فضایی با مقیاس انسانی..... ۷۰
- ۳-۴۵- نمونه ای از فضاهای متباین در شهرک آرانیا..... ۷۱
- ۳-۴۶- محلات مسکونی شش گانه در بافت شهری آرانیا..... ۷۱
- ۳-۴۷- نمونه ای از قلمرو چندین واحد مسکونی همراه با فضای بن بست انتهای آن..... ۷۲
- ۳-۴۸- نمونه ای از چگونگی تعریف قلمرو واحدهای مسکونی در شهرک آرانیا..... ۷۳
- ۳-۴۹- نمونه ای از تراس های واحدهای مسکونی در شهرک آرانیا..... ۷۳
- ۳-۵۰- ترکیب بدنه محصور کننده یکی از گذرهای شهرک آرانیا..... ۷۳
- ۳-۵۱- تداوم فضایی در بافت شهری پروژه آرانیا..... ۷۳
- ۳-۵۲- ترکیب توده و فضا در بخش های مختلف شهرک آرانیا..... ۷۴
- ۳-۵۳- دسترسی های سواره در شهرک آرانیا..... ۷۴
- ۳-۵۴- دسترسی های پیاده در شهرک آرانیا..... ۷۵
- ۳-۵۵- سازماندهی دسترسی سواره و پیاده در شهرک آرانیا..... ۷۵
- ۳-۵۶- انعطاف پذیری نقشه واحدهای مسکونی..... ۷۷

- ۳-۵۷- تنوع طرح واحد های مسکونی..... ۷۷
- ۳-۵۸- پلان همکف نمونه ای از الگوهای مسکونی، مجموعه مسکونی آرانیا..... ۷۸
- ۳-۵۹- پلان طبقه اول نمونه ای از الگوهای مسکونی، مجموعه مسکونی آرانیا..... ۷۸
- ۳-۶۰- ترکیب محله های مسکونی حول یک محور مرکزی در مجموعه شوشتر نو و آرانیا..... ۷۹
- ۳-۶۱- ساختار کالبدی عناصر شهری و واحدهای مسکونی در شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)..... ۸۰
- ۳-۶۲- درجه های مختلف محصوریت فضایی در گذرهای محلات مسکونی شوشتر نو و آرانیا..... ۸۰
- ۳-۶۳- ایستایی و پویایی فضاهای محصور در دو مجموعه شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)..... ۸۱
- ۳-۶۴- رعایت مقیاس و تناسبات انسانی در گذرهای محلات مسکونی شوشتر نو و آرانیا..... ۸۲
- ۳-۶۵- به کارگیری روشهای مختلف ایجاد فضاهای متباین در دو مجموعه شوشتر نو و آرانیا..... ۸۲
- ۳-۶۶- قلمرو فضایی در شوشتر نو (۱ حیاط های خصوصی ۲) بن بست اختصاصی چند واحد (۳) گذر عمومی..... ۸۳
- ۳-۶۷- قلمرو فضایی در مجموعه آرانیا (۱ حیاط های خصوصی مجموعه ۲) بن بست اختصاصی چند واحد مسکونی (۳ فضای نیمه عمومی محلات مسکونی ۴) گذر عمومی..... ۸۴
- ۳-۶۸- فضای نیمه خصوصی بین خانه ها و گذرها در محلات مسکونی آرانیا..... ۸۹
- ۳-۶۹- بدنه گذر محلات مسکونی در دو مجموعه شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)..... ۸۷
- ۴-۱- قرار گیری استان خراسان رضوی در کشور ایران و شهر مشهد در خراسان رضوی..... ۸۹
- ۴-۲- نقشه توسعه شهر مشهد..... ۹۱
- ۴-۳- جهت گیری مطلوب استقرار ساختمان در مشهد با توجه به نور و بادهای غالب..... ۹۶
- ۴-۴- انواع جهت گیری (رون)..... ۹۶
- ۴-۵- قرار گیری خانه های مشهد با رون رو به حضرت در بافت پیرامون حرم مطهر..... ۹۷
- ۴-۶- خانه امیری، دوره قاجار، الگوی دو توده مقابل..... ۹۸

- ۹۸ ۷-۴- خانه داروغه، دوره قاجار، الگوی سه طرف ساخت.....
- ۹۹ ۸-۴- خانه پیشه وران، دوره قاجار، الگوی یک طرف ساخت.....
- ۹۹ ۹-۴- خانه قندی، دوره قاجار، الگوی دو توده عمود بر هم
- ۱۰۱ ۱۰-۴- خانه امیری، دوره قاجار، نقشه طبقه همکف (راست) و طبقه اول (چپ)
- ۱۰۲ ۱۱-۴- خانه امیری، دوره قاجار، نمای اصلی و جزئیات آن.....
- ۱۰۳ ۱۲-۴- خانه مستوفی، دوره قاجار، نقشه طبقه همکف (راست) و طبقه اول (چپ)
- ۱۰۳ ۱۳-۴- خانه مستوفی، دوره قاجار، نمای اصلی و جزئیات آن.....
- ۱۰۴ ۱۴-۴- الگوی فضای ورودی در خانه های داروغه (راست) و امیری (چپ)
- ۱۰۵ ۱۵-۴- فضاهای بینابینی و نحوه بسط فضایی در خانه های داروغه (راست) و امیری (چپ)
- ۱۰۵ ۱۶-۴- بسط چشم اندازی و نوری در خانه های داروغه (راست) و امیری (چپ)
- ۱۰۶ ۱۷-۴- توالی فضایی باز، سرپوشیده و بسته در خانه های داروغه (راست) و براتی (چپ)
- ۱۰۸ ۱۸-۴- محدوده زمین انتخابی در محله دانشجو، مشهد.....
- ۱۰۹ ۱۹-۴- محدوده طرح و دسترسی های اطراف آن.....
- ۱۰۹ ۲۰-۴- دسترسی شرقی زمین (بلوار دانشجو)
- ۱۰۹ ۲۱-۴- دسترسی جنوبی زمین (بلوار آموزگار)
- ۲۲-۴- کاربری های موجود در اطراف طرح (۱ زمین خالی (۲ کانال آب (۳ فضای سبز (۴ صنعتی (۵
- ۱۱۰ مسکونی (۶ میدان میوه و تره بار (۷ ورزشی.....
- ۱۱۰ ۲۳-۴- فضای سبز واقع در جبهه شمالی طرح.....
- ۱۱۰ ۲۴-۴- کانال آب واقع در جبهه شمالی طرح.....
- ۱۱۱ ۲۵-۴- نظام ارتفاعی موجود در اطراف طرح (۱ زمین خالی (۲ چهار طبقه ۳ و ۴) یک طبقه.....
- ۱۱۲ ۲۶-۴- نقشه حوزه تفکیکی تراکم مناطق منطقه ۱۱ مشهد

- ۱۱۴ ۵-۱- عناصر شاخص پیرامون زمین
- ۱۱۵ ۵-۲- نیروهای موثر بر طراحی
- ۱۱۶ ۵-۳- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه ۱)
- ۱۱۶ ۵-۴- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه ۲)
- ۱۱۷ ۵-۵- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه ۳)
- ۱۱۷ ۵-۶- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه نهایی)
- ۱۱۸ ۵-۷- افزایش ارتفاع خانه های مجاور میدان مرکزی
- ۱۱۹ ۵-۸- روند حجمی واحدهای مسکونی
- ۱۱۹ ۵-۹- روند سازمان دهی واحدهای مسکونی در یک مجموعه همسایگی
- ۱۲۰ ۵-۱۰- نمایی از طراحی کلی مجموعه
- ۱۲۰ ۵-۱۱- نمایی از مرکز محله مجموعه
- ۱۲۱ ۵-۱۲- نمایی از یکی از واحدهای همسایگی مجموعه
- ۱۲۱ ۵-۱۳- نمایی کلی از واحدهای همسایگی مجموعه

فهرست جداول

- جدول ۱-۲- تقسیم بندی رویکردهای معماری منطقه گرا از دیدگاه سوها اوزکان ۲۸
- جدول ۱-۳- مبانی برنامه ریزی معماری ۸۶
- جدول ۱-۴- مشخصات بادها بر حسب سمت و سرعت بر حسب درصد ۹۳
- جدول ۲-۴- مشخصات برخی عناصر اقلیمی مشهد ۹۵
- جدول ۳-۴- برنامه فیزیکی ۱۱۲

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

پرداختن به موضوع کیفیت بخشی به محیط های مسکونی و تاثیر آن بر زندگی انسان، امری نیست که اهمیت آن بر کسی پوشیده باشد. این مهم در نمونه های امروزی که بر پایه سلیقه شخصی و بدون پیروی از اصولی واحد شکل گرفته اند، نمود بیشتری می یابد. اگر نظام کهن شهرهای ایرانی و مناطق مسکونی را که بر مبنای مفهوم محله شکل گرفته بودند مورد نظر قرار دهیم، در می یابیم که این محله ها به عنوان نخستین بنیان اجتماعی شهرها با مفاهیمی چون احساس تعلق و حس مشارکت همراه اند. در واقع محله به صورت جامع، پاسخگوی نیازها و ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و رفتاری انسان دیروز بود. اما آنچه که امروز از آن با عنوان الزامات زندگی شهری یاد می شود، کیفیت چنین فضای مهمی را به مخاطره انداخته و انسان امروز را از آن بی بهره ساخته است. پژوهش حاضر در تلاش است تا با بهره گیری از اصول و قواعد طراحی فضاهای مسکونی در ایران، در جهت بهبود کیفیت محیط زندگی گام بردارد. ساماندهی مسائل کالبدی از یک طرف و توجه به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی منطقه از طرف دیگر، از جمله نکات اساسی مورد توجه در فرآیند شکل گیری این طرح بوده است.

۱-۲- تشریح و بیان مسأله

از مهم ترین و تاریخی ترین نیازهای بشر مقوله سکنا بوده است. اگرچه فراگیری این مقوله تنها مختص به انسان ها نبوده و در مورد دیگر موجودات زنده نیز اهمیت زیادی دارد، اما در میان انسان ها با توجه به توانایی کسب تجربه و دانش، این نیاز اولیه مدام در حال شکل گیری و تکامل بوده و از عوامل محیطی، فرهنگی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و آیینی تاثیر پذیرفته است. چنانچه پاسخگویی به این نیاز با شناخت کافی از فرهنگ و آداب و رسوم استفاده کنندگان آن همراه نباشد، الزاماً باعث بروز تضاد و دوگانگی می شود. نگرش نوگرایانه و مصرف گرایانه حاکم بر دوران معاصر، ظهور مدرنیته و ورود مصادیق غربی به کشور در دوران اخیر در همه عرصه های زندگی مردم از جمله معماری تاثیر گذاشته است. امروزه معماری کشور تحت تاثیر نفوذ

فرهنگ بیگانه، شتاب زدگی و تحولاتی که در زمینه‌های مختلف آن رخ داده دچار نوعی سردرگمی و فاصله از فرهنگ و ارزشهای خود گردیده است. تحولاتی چون افزایش جمعیت، کمبود فضاهای زندگی، پیشرفت فن آوری و اقتصاد مزید بر علت شده تا به ناچار به در دسترس ترین راه حلها یعنی برداشت و تقلید از نسخه های غربی روی آوریم و از پرداختن به حل مسأله با توجه به الگوهای معماری ایرانی بپرهیزیم. ناهماهنگی ها و آشفتگی های امروز معماری مسکونی ما نیز نتیجه همین کج روی ها و تقلید صرف است که اکنون سبب فراموش شدن هویت بعنوان وجه مهم معماری در جامعه ما گردیده است. با توجه به کمبود مسکن و فضای زندگی و افزایش سطح توقعات مردم در دسترس ترین پاسخ، شکل گیری فضاهای سکونتی بشکل متراکم تر بوده تا بتواند نیاز عده بیشتری از مردم را فراهم آورد. اما در این بین معماری خانه ها بشکلی تجلی گر نوعی تفکر شتابزده و کمی گشته و کیفیت زندگی انسانها را فدای اقتصاد و تامین فضای سکونت بیشتر کرده است. نگرش نوگرایانه و مصرف گرایانه به ساخت و سازهای جدید، تلاش برای دستیابی به سود اقتصادی بیشتر در ساخت مجتمع های مسکونی و نادیده گرفتن زمینه های فرهنگی و بومی معماری، باعث شده تا به تدریج هویت و معنا از فضاهای معماری خانه های امروز رخت بربندد. به گفته محمد رضا حائری، "معماری امروز ما حتی مبتنی بر معماری مدرن نیز نیست، بلکه تبدیل به ساختمان سازی شده است که عبارتست از ساختن بدون معماری و بحران و مساله اساسی امروزه همین ساختمان سازی و تبدیل شدن خانه به واحدهای مسکونی می باشد". (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸، ۹)

بنابراین موضوع مهم، از دست رفتن هویت منطقه ای در معماری فضاهای مسکونی است. یکی از مقوله های هویت بخش که تجلی و تاثیر آن در معماری امروز ما بسیار کمرنگ گشته توجه به بستر معماری و بوم هر منطقه است. با ادامه این روند چه بسا در آینده نشانه ها و عناصر هویت بخش زندگی هر منطقه را تنها در موزه ها و کتابخانه ها بتوان یافت. بی توجهی به بافت و ارزشهای محیط بستر، بی احترامی به کالبد بناهای گذشته، عدم پاسخگویی به الگوهای رفتاری، اجتماعی و فرهنگی مردم یک منطقه، که بتدریج سبب تغییر

الگوهای رفتاری و عدم تحقق ارتباطات اجتماعی در سطح جامعه گشته و پیروی از الگوهای توسعه شهری که نسبت به مسائل بومی و محیطی بی اعتناست، از جمله مسایلی هستند که نباید آنها را در قوت بخشیدن به این روند نادیده گرفت. بهره گیری از هویت بومی و منطقه ای هر محیطی یک نقطه قوت اساسی در جهت اعتلای هر جامعه می باشد که می تواند علاوه بر معماری به زمینه های اقتصادی زندگی مردم، مسائل مربوط به توسعه پایدار و کیفیت بخشی به زندگی مردم کمک شایانی نماید. نیاز به رفع این مشکلات ما را بر آن می دارد تا به بستر هر منطقه و اصول و مفاهیم و الگوهای بومی معماری آن که قرن‌ها پاسخگوی نیازهای معماری و زندگی مردم بوده بیشتر توجه کنیم و از مزایا و امتیازات آن بهره بگیریم. در نتیجه لزوم تلاش در جهت رسیدن به معماری ای که از یک سو پاسخگوی نیازهای جدید باشد و از سوی دیگر سازگاری و تداوم خود را با ویژگی های اقلیمی، فرهنگی، و اجتماعی بستر خود حفظ کند بیش از پیش احساس می شود. تکامل معماری ایران بر اصول، مفاهیم و الگوهای جدید در جریان نوعی فعالیت هوشمندانه و ماهرانه معماری استوار بوده است. با پذیرش این امر، می توان در معماری فضاهای مسکونی نیز به همان اصول و مفاهیم و الگوهای گذشته حاکم بر معماری خانه ها و شهرسازی پرداخت و آنها را در جریان یک فعالیت خلاق باز تعریف و تکامل بخشید و به پیش برد. اما پیش از آن، موفقیت در این امر مستلزم شناخت نقاط ضعف و گم شده ی اصول و مفاهیمی است که سبب شده چنین شرایطی بر معماری فضاهای مسکونی و در این مورد خاص مجموعه های مسکونی حاکم گردد. بنابراین با توجه به شرایط امروز معماری چنین مجموعه هایی، نیازمند تغییر در نگرش هایمان نسبت به محیط های مسکونی هستیم. موضوع اصلی در این زمینه شناخت تفاوت میان محیطی برای زندگی و یا فضایی برای سکونت صرف است. در واقع همه راه حل های ارائه شده در معماری مسکونی در جهت تحقق این هدف اصلی یعنی دستیابی به محیطی برای زندگی می باشند. موضوع مهم دیگر شناخت بستر محیط طرح و اصول و مفاهیم بومی آن منطقه در زمینه معماری آن منطقه می باشد. بر اساس تجارب به دست آمده این رویکرد بهترین پاسخی است که می توان در جهت تحقق این هدف با توجه به مشکلات موجود داد.

نگرش بومی شامل مجموعه اصول کالبدی معماری و فرهنگ و آداب و رسوم هر منطقه می باشد که در قالب یک معماری پاسخگو به نیازهای ساکنین می تواند به عنوان یک معماری مطلوب تعریف شود. از جمله مواردی که ضرورت طراحی فضاهای مسکونی با این رویکرد را روشن می سازند می توان به نکات زیر اشاره نمود.

- احیای مفهوم خانه برای زندگی بجای تولید صرف واحدهای سکونتی
 - احیای اصول و مفاهیم حاکم بر معماری و شهرسازی سنتی با توجه به مسائل و نیازهای بومی ، فرهنگی، رفتاری و اجتماعی هر منطقه
 - توجه به الگوهای شکلی و فرمی و ساختاری معماری فضاهای مسکونی گذشته خود و سعی در تداوم آنها با در نظر گرفتن نیازهای روز
 - ایجاد حس تعلق و هویت بخشی به فضاهای مسکونی و محلات
 - بهره گیری از فضاهای سبز طبیعی بیشتر در مجتمع های مسکونی و همنشینی محیط زندگی مصنوع با محیط طبیعت
 - توجه به مصادیق فن آوری های جدید از جمله اتومبیل و نقش آن در زندگی امروز
 - توجه بیشتر به ایجاد محلات و فضاهایی برای شکل گیری روابط اجتماعی میان ساکنان
 - توجه به حریم ها و الگوهای محرمیت با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم هر منطقه
 - توجه به اقلیم به عنوان یکی از بارزترین موارد بوم گرایی در ساخت فضاهای مسکونی
 - توجه به حیاط و فضاهای طبیعی خصوصی
- به این ترتیب، اهمیت تلاش در راستای ایجاد مجموعه های مسکونی که علاوه بر برآورده کردن نیاز اولیه سکونت، به استفاده از اصول، مفاهیم و الگوهای به کار رفته در معماری ایرانی با توجه به نیازهای روز می پردازند، بیش از پیش احساس می شود.

۳-۱- پیشینه پژوهش

مجموعه های سکونتی دارای ارزش های مختص به خود می باشند. در مناطق مسکونی، مردم با محیط انس می گیرند و خصلت های اجتماعی و فرهنگی آنها تحت تأثیر ویژگی های معماری قرار می گیرد. به بیان دیگر، عناصر ساخته دست انسان یا به عبارتی محیط مصنوع، یکی از عناصر اصلی محیطی است که در یک رابطه دو سویه با انسان و فرهنگ و شیوه زندگی او قرار دارد. در دوران مدرن و با وقوع انقلاب صنعتی و شکل گیری جهان بینی جدید، نوعی معماری صورت گرفت که مدعی بود می تواند در تمامی نقاط دنیا به صورتی هماهنگ و هم شکل اجرا شود. این گرایش با فاصله گرفتن از ارزش های فرهنگی و اجتماعی و ویژگی های منطقه ای، نوعی معماری عملکردگرایانه را رایج کرد که با هنجارهای فرهنگی و سنتی فاصله زیادی داشت. این معضل در کشورهای جهان سوم به موضوعی حیاتی جهت حفظ و بقاء هویت فرهنگی ساکنان این کشورها مبدل شد و تحت عنوان "جستجوی هویت" مطرح گردید. (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۱۴) به این ترتیب نظریه منطقه گرایی و توجه به شاخصه های منطقه در معماری کشورهای جهان به عنوان راهکاری برای مقابله با پیامد های این مسأله مورد توجه قرار گرفت. این نظریه در رابطه با طراحی مسکن و مجموعه های مسکونی، در دوره های مختلف، با گرایش های فکری متعدد و شیوه های برخورد گوناگون به کار گرفته شد. راپاپورت یکی از معدود اندیشمندانی است که پژوهش های خود را در حوزه تأثیر فرهنگ بر محیط زیست و به خصوص در نحوه شکل گیری مسکن به انجام رسانده است. او در کتاب "فرم مسکن و فرهنگ"، به طور ویژه به عوامل اثرگذار بر شکل گیری مسکن می پردازد. (Rapaport, 1969, 4) سوها اوزکان، یکی دیگر از صاحب نظران در این حوزه می باشد که تحقیقات گسترده ای را در زمینه تاریخ معماری، طراحی فرم های بومی و مسکن سازی اضطراری به انجام رسانده است. اوزکان معتقد است اگرچه منطقه گرایی طیف وسیعی از گرایش ها را شامل می شود، اما در هسته اصلی خود به فرهنگ های بومی، اقلیم منطقه و فن آوری زمانه احترام می گذارد. (Ozkan, 1985, 8)

از میان تجربیاتی که در دوره معاصر و در حیطه طراحی مجموعه های مسکونی با این رویکرد صورت گرفته می توان به آثار معمارانی نظیر "حسن فتحی"، "کامران دیبا"، "راج روال"، "بالکریشنا دوشی" و "چارلز کورا" اشاره کرد. حسن فتحی معتقد بود که معماری هر مکان، ویژه مردم خود آنجاست. (فتحی، ۱۳۸۲، ۱۰۰) زیرا هر منطقه ای مصالح، آب و هوا و میراث فرهنگی و روان شناختی خاص خود را دارد که بر بیان معماری ویژه آن منطقه تاثیر می گذارد. از دید او، معماری یک هنر گروهی و عمومی است. احیاء آجرهای گلی با طاق های مورب، قوس ها و گنبدهای گوشه دار و شاه نشین های نیم گنبددار از جمله نکاتی است که در طراحی روستاها برای فقرا توسط وی به کار گرفته شد. فتحی در طرح روستای "گورنای نو"^۱، مخالف خانه هایی بود که با بتن و به صورت جعبه هایی بر روی هم ساخته می شدند. چرا که آنها را خانه هایی به دور از هماهنگی با پیرامون صحرای سوزان و محیط آرام روستای گورنا می دید. خانه های طراحی شده در این روستا بر پایه سنت ها و فنون قدیمی اسلامی و ترتیب زندگی صحرائی استوار بود. این خانه ها متشکل از "کا" به معنی جایی فرو رفته در اتاق و سالن های اصلی خصوصی و عمومی بودند که بیشترین اهمیت را در ساختار خانه های اسلامی داشت. (فتحی، ۱۳۸۲، ۱۴۰) کامران دیبا را شاید بتوان تنها معمار ایرانی مطرح در زمینه تجربه طراحی مجموعه مسکونی با این رویکرد دانست. او با طراحی شهرک شوشتر نو، مجموعه ای از خانه های مسکونی با رویکرد رجوع به معماری گذشته و حفظ ارزش های آن ارایه کرد. وی در طرح این خانه ها به دنبال بهره گیری از اصول سازماندهی و گونه شناسی فضاهای معماری ایرانی به شیوه ای اصیل و منحصر به فرد می باشد. این شهرک به گونه ای طراحی شده که ساکنان آن بتوانند در ضمن کسب تجربه های تازه در فضاهای نوین، با همان آداب و سنت های شوشتر کهن زندگی کنند. قابلیت انعطاف پذیری فضاها و بزرگ شدن خانه ها، تفکیک دسترسی سواره از پیاده، تعریف قلمرو فضایی مشخص برای واحد های همسایگی و امکان برقراری تعاملات اجتماعی میان ساکنان آنها و رعایت تناسبات و مقیاس انسانی کوچه ها، میدان ها و بلوار های پیاده، همه در تداوم سنت گذشته اما پاسخگو به نیازهای حال هستند و رو به دگرگونی های آینده دارند. راج روال، بالکریشنا

^۱ New Gourna Village, Egypt

دوشی و چارلز کوراً را می توان از جمله معماران مطرح هندی در این زمینه معرفی کرد. روال، از ابتدایی ترین دوران زندگی حرفه ای خود، مطالعات بسیاری بر روی گونه های مسکن سنتی هند و بافت شهری آن دوره انجام داد و در جهت استفاده از الگوهای تاریخی در طراحی، به ویژه در طرح مجموعه های مسکونی تلاش کرد. وی رویکرد محیطی منحصر به فردی به هویت منطقه ای هند دارد. ترکیب فضایی در اطراف حیاط های مرکزی و ارجاع به منابع تاریخی بدوی و استفاده از مصالح محلی در نمای ساختمان ها، تفسیری دوباره از میراث گذشته در کالبد مجموعه های مسکونی طراحی شده توسط او هستند. ساخت مکان توسط روال و رویکرد خلاقانه او به زمینه، در طراحی مجموعه هایی همچون "خانه های کارکنان سفارت فرانسه"^۲، "مجموعه مسکونی شیخ سرای"^۳ و "دهکده بازی های آسیایی"^۴ به چشم می خورد. (هاشم نژاد و آقایان، ۱۳۸۸، ۳۲)

"بالکریشنا دوشی" در طراحی و ساخت مجموعه های مسکونی، به دنبال آشتی دادن معماری مدرن با معماری سنتی از طریق بازآفرینی الگوهای معماری بومی هند است. رعایت مقیاس انسانی و تلاش در جهت خلق فضاهای اجتماعی برای تعامل فرهنگی انسان ها از ویژگی های مهم آثار اوست. هدف اصلی او در طرح مجموعه مسکونی "آرانیا"^۵، ایجاد یک سازگاری اجتماعی میان گروه های مختلف اجتماعی، برای رسیدن به یک جامعه پویا بود. توزیع مناسب توده و فضا، بهره گیری از ویژگی های بومی و تاریخی در شکل ساختمان ها، رعایت سلسله مراتب فضایی و مقیاس انسانی، در طراحی و ساخت مجموعه های مسکونی وی نظیر "بوهر"^۶، "وهرا"^۷ و "آرانیا" قابل مشاهده است. حفظ اصالت های شکلی و مفهومی معماری بومی هندوستان و اعتقاد به معماری مردم وار، "چارلز کوراً" را در ردیف معمارانی نظیر "حسن فتحی" و "بالکریشنا دوشی" قرار داده است. ایده اصلی مجتمع مسکونی "کانچانجونگ"^۸ که در بمبئی توسط وی طراحی شد، سازگاری با شرایط

^۲ French Embassy Staff Housing

^۳ Sheikh Sarai

^۴ Asian Games Village

^۵ Aranya Community Housing, Indore

^۶ Bohra Houses of Gujarat

^۷ Vohra Houses In Gujarat

^۸ Kanchanjunga

سخت اقلیمی منطقه بود که منجر به طراحی پلان هایی سیال با فضاهای نیمه باز در ارتفاع شد. از دیگر مجموعه های مسکونی ساخته شده توسط او می توان به آثاری نظیر "خانه سازی بلاپور"^۹، "خانه سازی های آزمایشی در شهر پرو"^{۱۰} و "خانه سازی شرکت مسکن و توسعه هند"^{۱۱} اشاره کرد. استفاده بهینه از مصالح و الگوهای معماری بومی، امکان توسعه خانه ها، تفکیک دسترسی سواره از پیاده و ساختار کم ارتفاع و متراکم شهری، از جمله ویژگی های مشترک این آثار می باشند.

۴-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی این تحقیق، طراحی یک کوی مسکونی با رویکرد منطقه گرایی و دست یابی به الگویی مطلوب از خانه به عنوان یک فضای ماندگار و با هویت است، به طوری که ارزش های گذشته را مدنظر داشته و بدون نادیده گرفتن محیط پیرامون، نیازهای جامعه امروز را برطرف نماید.

۵-۱- روش و فرآیند انجام پژوهش

در این پژوهش از روش ترکیبی استفاده شده است. در گام نخست به کمک مطالعات کتابخانه ای و تجزیه و تحلیل این مطالعات و بررسی اندیشه های مطرح در این زمینه و نمونه های موردی در ایران و جهان، به شناخت مباحث نظری مرتبط با موضوع پرداخته می شود. در گام بعدی با توجه به مباحث نظری و این که طراحی باید متناسب با شرایط محیطی و اصول و الگوهای موجود در بستر طراحی شکل یابد، به جمع آوری اطلاعات اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی از محیط پرداخته می شود. سپس اطلاعات جمع آوری شده با روش تحلیلی مورد بررسی و پردازش قرار خواهند گرفت. در نهایت و در مرحله طراحی با استفاده از نتایج حاصل از مطالعات، راه حلی متناسب با رویکرد تحقیق ارائه خواهد شد.

^۹ Belapur Housing Bombay

^{۱۰} PREVI Housing, Peru

^{۱۱} HUDCO Housing, Jodhpur

۶-۱- ساختار پژوهش

این پژوهش در ۵ فصل تدوین شده است. فصل اول به کلیات تحقیق و ضرورت انجام آن پرداخته، سپس اهداف مورد نظر پژوهش و پیشینه تحقیق معرفی می گردند. در فصل دوم به مبانی نظری پژوهش با بررسی مفهوم سکونت، اصول و روش های طراحی فضاهای مسکونی در ایران و منطقه گرایی و انواع آن پرداخته می شود. فصل سوم به تحلیل دو نمونه موردی داخلی و خارجی اختصاص می یابد. اصول و الگوهای به کار رفته در این نمونه ها با استفاده از روش تحقیق تحلیلی- توصیفی و با توجه به اصول مطرح شده در فصل دوم مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند. در فصل چهارم به شناخت بستر طراحی و تحلیل آن پرداخته و با بررسی ضوابط و استانداردهای فضاهای مسکونی در منطقه مورد نظر، برنامه ریزی فیزیکی را ارایه می نماید. در فصل پایانی، مبانی طراحی، ایده ها و فرآیند طراحی شرح داده شده و طرح نهایی با در نظر گرفتن کلیه عوامل اساسی مورد نظر در طراحی ارایه می گردد.

فصل دوم

مبانی نظری

۱-۱-۲- مقدمه

مسکن عامل اشتراک و همبستگی معماری و اصول و فرهنگ ایرانی در تاریخ این سرزمین بوده است. تاکنون تحولات بسیاری در این زمینه در جهان و به خصوص در کشورمان رقم خورده که با بررسی این تحولات و نحوه تأثیرگذاری آن ها، می توان زمینه برای ایجاد مسکن بهتر را فراهم آورد. همچنین با شناسایی اصول و الگوهای سازمان دهنده معماری مسکونی گذشته، بهره گیری منطقی از آنها در معماری امروز و توجه به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی منطقه می توان به الگوی معماری مسکن مطلوب دست یافت. در جستجوی چگونگی انعکاس مفهوم خانه در قالب الگوهای فضایی و در فرهنگ انسانی، در بخش اول این فصل، سیر تاریخی مسکن و مجموعه های مسکونی در جهان مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش دوم به معرفی اصول حاکم بر طراحی فضاهای مسکونی پرداخته می شود و در بخش سوم، مبحث منطقه گرایی و لزوم توجه به ویژگی های محلی برای برقراری پیوند مناسب میان مسکن و محیط پیرامونش شرح داده می شوند.

۲-۱-۲- مسکن و مجموعه های مسکونی

۱-۲-۱-۲- تعریف

مسکن در لغت، به معنی "محل و فضایی است که در آن سکونت می گزینند". با توجه به این تعریف، مسکن بعد وسیعی از فضا از شهر (محل سکونت یک اجتماع) تا یک اتاق (محل سکونت یک فرد) را در بر می گیرد. علاوه بر این، تعاریف مختلفی را برای مسکن می توان ارایه کرد:

– مسکن زیر مجموعه ای از فضای مسکونی است که احتیاجات انسان را در مقیاس فرد و خانواده برآورده می کند. (اهری، ۱۳۶۷، ۷)

– مسکن، شی فیزیکی می باشد که انسان را در مقابل عوارض طبیعی و جانوران حفاظت می نماید و محیط فیزیکی لازم، جهت جریان یافتن بخش مهمی از روال زندگی روزانه، ماهانه و سالانه را در اختیارش قرار می دهد. (اهری، ۱۳۶۷، ۷)

_ مفهوم مسکن به عنوان مأمن بر ضد سرما، اختلافات هوا، سرو صدا و ... است. (اهری، ۱۳۶۷، ۷)

_ مفهوم مسکن به عنوان "طبیعت" برای تامین آفتاب، فضا و آرامش است. (اهری، ۱۳۶۷، ۷)

با توجه به تعاریف ارائه شده می توان مسکن را در شکل ظاهری آن مجموعه ای از امکانات و وسایل تامین آسایش دانست. وجه دیگر تعریف، مسکن را یک مامن ذهنی جدا از هیاهوی اجتماع بیرون و فضایی برای زندگی خصوصی می داند. در این شکل بهتر است به جای مسکن بگوییم خانه. در صورتی خانه، معنا و مفهوم واقعی خود را داراست، که هر دو کیفیت یاد شده را داشته باشد. در غیر این صورت آسایش فیزیکی با برخورداری از امکانات کامل نمی تواند تمام ویژگی های یک مسکن یا به عبارت بهتر خانه را تامین نماید. با این نگرش، مسکن امروزی با تمام ویژگی های کمی و کیفی فیزیکی، حس خانه سنتی را انتقال نمی دهد و ساکنانش را دچار نوعی سردرگمی در رفتار و سبک زندگی می کند.

۲-۱-۲-۲- مسکن گذشته و حال

از ابتدای شکل گیری تمدن بشر، خانه های نسبتاً دائمی اولین بار در نتیجه مستقر شدن انسان ها در یک مکان و به موازات پرداختن به کشاورزی ایجاد شد. این خانه ها کلبه های مخروطی یا گنبدی با پلان دایره ای شکل بودند و با گذشت زمان ایوان هایی به آن اضافه و الهام بخش معماری خانه ها در زمانهای بعدی گردید. با بهره گیری از تیرهای چوبی و مصالح گل و خشت و آجر پلانهای مستطیل شکل کارایی بیشتری یافت و دیوارها و تقسیم فضایی، بناهای چند فضایی را شکل داد (حائری، ۱۳۸۸، ۵۰). ساخت خانه های مناسب و ارتباط میان آنها و سعی در ایجاد مجموعه ای موزون و هماهنگ به شکل گیری روستاها منجر گردید. نمونه این هماهنگی در خانه های کوچک، ساده، حیاط دار و ابتدایی دهکده های بدوی را می توان در شهرهای باستانی کهن مشاهده نمود. (علی الحسابی، ۱۳۹۲، ۲۷) با شکل گیری شهر های اولیه، معماری خانه ها از پیشرفت زیادی برخوردار گردید و عناصر و ویژگی های جدیدی بر کالبد معماری آنها اضافه شد. تنوع تمدنهای مختلف، خانه ها را در هر منطقه و منحصر به آن منطقه با ویژگی های فرهنگی، آیینی و اجتماعی خاص خود

پدید آورد. خانه های موجود در مناطق مختلف دنیا در تمدن های بین النهرین، یونان، روم، چین و ژاپن، آفریقا و جهان اسلام در طول پیشرفت زمانی این تمدن ها نمودی از این تحولات می باشند. از این طریق معماری منحصر هر قومی بسته به نیازها، فرهنگ، اعتقادات و ویژگی های دیگر حاکم در آنها قابل شناخت است. هر چند نمی توان به طور کامل ویژگی های هر یک را در این مجال شناخت اما میتوان برداشتی کلی از انواع خانه ها در برخی از پیشرفته ترین تمدن ها در عصر خود را مورد بررسی قرار داد.

- از جمله بارزترین ویژگی های خانه های بین النهرین وجود حیاط های مرکزی و حیاط هایی که بوسیله اتاق ها احاطه می شدند و تقسیم فضای حیاط ها به خصوصی و عمومی می باشد. (حائری، ۱۳۸۸، ۵۰)

- خانه های یونانی دارای ورودی باریک به حیاط مرکزی بودند. فضای نهارخوری، خواب و دستشویی مورد استفاده عمومی بود و قسمت خانم ها در پشت این فضاها و یا در طبقه دوم بود. (حائری، ۱۳۸۸، ۵۱)

- خانه های رومی نیز ورودی هشتی مانند به فضای مرکزی داشتند و فضای ایوان، اتاق مرکزی را به حیاط وصل می کرد. در روم با رشد جمعیت ساختمانهای شش و هفت طبقه جایگزین خانه های افقی با حیاط های مرکزی در مناطق پر تراکم جمعیتی شهرها گردید. (حائری، ۱۳۸۸، ۵۱)

○ خانه های چینی و ژاپنی به شکل کشیده و مستطیل بر سکو بودند و الگوی اولیه آنها دو ساختمان موازی مستطیل شکل در دو طرف حیاط مرکزی مربع بود. فضای مستطیل شکل عقبی قسمت خصوصی خانه را تشکیل می داد. جهت استقرار خانه ها حالت آیینی داشته و بسته به انرژی های مثبت و منفی وارد بر محل خانه قرار می گرفت. درخت ها در اطراف خانه ها کاشته می شدند تا هدایتگر نیرو ها باشند. (حائری، ۱۳۸۸، ۵۲)

- خانه های آفریقایی کاملاً تحت تاثیر ساختارهای خانوادگی و ارزشهای مقدس استوار بود. هر واقعه اجتماعی هم جلوه نمادین و هم ویژگی عملکردی داشت و جهت استقرار آیینی خانه نمودی از طرز تفکر فرهنگی و مذهبی بود. (حائری، ۱۳۸۸، ۵۲)

- خانه های جهان اسلام بطور معمول به دو ناحیه مشخص تقسیم می شدند. ناحیه پذیرایی برای مردان و ناحیه زندگی خصوصی برای زنان و فرزندان. در برخی مناطق فضاهای خصوصی و عمومی دارای حیاط اختصاصی بودند. ایوان در معماری اسلامی برگرفته از معماری اشکانی و ساسانی می باشد. این ایوان ها با فضایی بلند و مسقف و مشرف به فضای باز حیاط امکان بهره گیری از فضای باز در یک فضای مسقف را فراهم آوردند. بعدتر نیز استقرار چهار ایوان در چهار طرف حیاط توسط ایرانیان به سراسر جهان اسلام انتقال یافت. در مناطق سردسیر که زندگی در چهار فصل در حیاط میسر نبود، حیاط مرکزی را کوچک و مسقف می ساختند اما ساختار اصلی سازمان فضایی و ایوانهای واقع در چهار طرف حیاط به همان شکل حفظ شدند. (حائری، ۱۳۸۸، ۵۲)

بررسی خانه ها در زمان ها و مکان های مختلف بر این نکته تاکید دارد که مفاهیم و الگوهای به کار رفته در خانه های کهن ایرانی تنها منحصر به این سرزمین نمی باشد بلکه از گذشته تا امروز در تمام نقاط دنیا مورد آزمون و خطا قرار گرفته است. مفاهیم انسانی و اجتماعی در مصادیق فضایی چون حیاط مرکزی (بیرونی و اندرونی) و درجات پوشیدگی فضاها، بادگیر، حوضچه و باغچه در حیاط، تفکیک حریم خصوصی و عمومی، استقرار حیاط در مرکز خانه ها، تقویت پیوستگی فضاها و ... بارها مورد تجربه قرار گرفته و به صورت الگوهای فضایی، فرهنگ معماری جهانی را شکل داده اند. همه این موارد تا قبل از دوران معاصر روند تدریجی رو به رشد خود را داشته است. با ظهور تحولات جدید در اروپا بشر در حوزه های مختلف نظیر صنعت، علوم و بهداشت تغییرات مهمی را تجربه کرده است. از جمله پیامدهای این تغییر می توان به افزایش جمعیت، افزایش مهاجرت ها، تغییر ساختار جمعیتی شهرها و نیاز به مسکن بیشتر اشاره نمود. ظهور مصالح جدید همچون

فولاد و بتون و افزایش سرعت ساخت و امکان توسعه در ارتفاع زمینه ساز ظهور شکل های جدیدی از مسکن برای طیف مختلف جوامع و در نتیجه تغییر الگوهای مسکن امروزی در دنیا گردیده است.

۳-۲-۱-۲-۳- دسته بندی انواع متداول مسکن امروز

از ابتدای قرن بیستم در اروپا و آمریکا پاسخگویی به نیازهای متنوع جوامع، معماری مسکونی جدیدی را شکل داد. در این راستا انواع روابط همچون حومه نشینی، خانه های دارای حیاط مرکزی در شهرها، خانه های تک واحدی مستقل، مجموعه های مسکونی اشتراکی، آپارتمانهای بلند، مجتمع های مسکونی با ارتفاع متوسط، مجتمع های مسکونی جمعی و ساختمانهای چند عملکردی پدید آمد که می توان آنها را در قالب گونه های مختلف مسکونی بررسی کرد. (شوئنوئر، ۱۳۸۰، ۲۴)

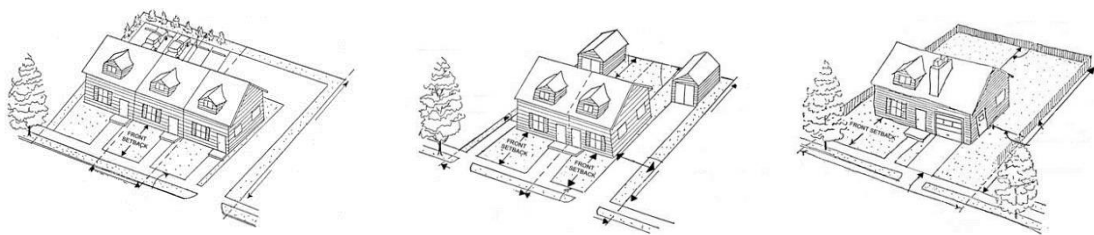
۱-۲-۳-۱-۲-۳-۱- خانه های دارای حیاط مرکزی

الگوی خانه های دارای حیاط مرکزی به زمانهای دور باز می گردد. این خانه ها نشان دهنده واحد اصلی اجتماع یعنی خانواده اند. در این الگو خانه های مجاور نمی توانند به حیاط یکدیگر اشراف داشته باشند و این موضوع آزادی واقعی ساکنان را تأمین می کند. علاوه بر این بیشتر از هر نوع دیگر خانه، در طرح خانه های حیاط مرکزی امکان ترکیب فضاها با یکدیگر و امکان عرصه بندی آنها به صورت حریم فضاهای روز و شب و هم چنین فضاهای خصوصی و عمومی وجود دارد.

۲-۲-۳-۱-۲-۳-۲- خانه های تک واحدی مستقل

الگوی خانه تک واحدی، معطوف به یک زندگی خصوصی است. جایی که در آن حریم خانواده محفوظ می ماند. امکان جهت گیری های متنوع این خانه ها و هم چنین امکان بهره گیری از تهویه طبیعی از دیگر ویژگی های الگوی مستقل است. عدم استفاده بهینه از امکانات زمین و به دنبال آن، تحمیل هزینه زیاد ساخت تاسیسات زیربنایی و عدم کارایی در مقابله با سرما و گرما را نیز می توان به عنوان نکات منفی این گونه خانه ها نام برد.

امروزه خانه های تک واحدی مستقل که دارای حیاط منحصر به خود می باشند، به عنوان خانه های حیاط دار شناخته می شوند و بسته به نوع و چینش و ارتباط با یکدیگر به اشکال مجزا، بهم چسبیده یا نیمه مجزا و خانه های ردیفی در کنار هم قرار میگیرند. (تصویر ۱-۲) عمده تفاوت میان این سه نوع، اشتراک میان واحدها با واحدهای کناری می باشد. این خانه ها، بر خلاف خانه های درون گرای دارای حیاط مرکزی، به بیرون و به سمت خیابان باز می شوند. خانه های ردیفی که طرح مشابهی دارند، حریم مالکیتشان را توسط دیوارهای مشترکی که میان آنها قرار گرفته تامین می کنند. بزرگترین مزیت خانه های ردیفی شهری در استفاده بهینه از زمین و انرژی است. (محمدی، ۱۳۸۸، ۲۷)



۱-۲- انواع خانه های تک واحدی مستقل: خانه های ردیفی، نیمه مجزا و کاملاً مجزا (محمدی، ۱۳۸۸، ۲۷)

۴-۲-۱-۲- دسته بندی انواع متداول مسکن گروهی

۱-۴-۲-۱-۲- مجموعه مسکونی اشتراکی

تفکر ایجاد مجموعه های مسکونی اشتراکی از دانمارک شروع شد و پیدایش آن در حقیقت به سه عامل بستگی داشت (شوئنوئر، ۱۳۸۰، ۷۱):

۱. جنبش ضد فرهنگی دهه ۶۰ میلادی که عامل افزایش تقاضا برای زندگی اجتماعی گردید.
۲. گرایش به مجموعه های مسکونی با مقیاس متوسط و ارتفاع کم
۳. فشارهای جدیدی که در پی تغییرات اجتماعی- اقتصادی بر خانواده ها وارد شده بود.

مجموعه های مسکونی اشتراکی معمولاً تعدادی واحد مسکونی هستند که هر واحد فضاهای خصوصی و عمومی مختص خود را دارد. سطح زیربنای واحدهای مسکونی خصوصی در حدود ۱۰۰ متر مربع است. اگر ساکنان مجموعه های اشتراکی به قوانین زندگی اجتماعی احترام گذاشته و زمینه فرهنگی مشترک داشته باشند این گونه مجموعه ها به خوبی ایفای نقش خواهند کرد. این گونه مجموعه های مسکونی جذابیت های قابل ملاحظه ای دارند. نخست این که هر شخص همواره حق انتخاب بین زندگی خصوصی در واحد مسکونی خود و یا شرکت در فعالیت های اجتماعی در فضاهای عمومی مجموعه را دارد. دوم این که زندگی در این گونه مجموعه ها حس تشریک مساعی و احساس مسئولیت اجتماعی را آموزش می دهد. مورد دیگر اینکه زندگی در این مجموعه ها تجربه زندگی هماهنگ گروهی مبتنی بر روشهای دمکراتیک را برای همه ساکنان فراهم می سازد.

۲-۴-۲-۱-۲- مجموعه های بلند مرتبه آپارتمانی

ایجاد صنایع بزرگ و ترویج فزاینده تولیدات، هجوم افراد از روستاها به شهرها، جنگ جهانی اول و دوم و تصمیم گیری دولت مردان، دست به دست هم دادند تا تعریف مسکن و شیوه زندگی مردم تغییر کند. تمایل به زندگی در آپارتمان های بلند از نتایج این تغییرات بود. ساختمان های بلند، معمولاً برای گروه مرفه جامعه مناسب می باشند. ساکنان این ساختمان ها می توانند از تسهیلات مشترک، امنیت و امکانات رفاهی بهره ببرند. از طرفی، تعداد طبقات زیاد و بلوکهای متعدد در زمین های بزرگ که بیشتر سطح زمین جهت بهره گیری از پارکینگ اشغال می شد، محیط یکنواخت و خارج از مقیاس انسانی، کیفیت پایین سکونت، وضعیت بد امنیت اجتماعی، نگهداری ضعیف این گونه بناها، عمومی بودن ارائه خدمات، کمبود فضاهای عمومی مورد استفاده، مشکلات زندگی در ارتفاع و اختصاص یافتن قسمت عظیمی از فضاهای عمومی به پارکینگ روباز از موارد ضعف این گونه مجتمع ها بود که آنها را به لحاظ تامین مسکن همگانی با ناکامی روبرو کرده است.

۳-۴-۲-۱-۲- آپارتمان های مسکونی با ارتفاع متوسط

آپارتمان های با ارتفاع متوسط در اوایل قرن بیستم در کشورهایی که در شرف صنعتی شدن بودند معمول گردید. از امتیازهای این مجتمع ها که نهایتاً هشت طبقه می باشند می توان به ارزان بودن برای تمام اقشار، امنیت بدلیل نظارتهای طبیعی قوی، ارتفاع کم و حداقل سایه اندازی و عدم ممانعت از حضور جریان هوا در معابر و استفاده بهینه آنها از زمین و تناسب تراکم جمعیتی آنها با تراکم شهری اشاره کرد. نکته مهم در مورد ساخت و ساز های مسکونی با ارتفاع متوسط آن است که این مجموعه ها بر اساس قابلیت های درونی خود، فرصت مناسبی برای بروز خلاقیت طراحان می باشند. زیرا از طرفی پیچیدگی های محدود کننده فنی ساختمان های بلند مرتبه را ندارند، و از طرف دیگر امکانات بالقوه موجود در این نوع ساخت و ساز زمینه بروز خلاقیت را تامین می کند. (محمدی، ۱۳۸۸، ۳۳) یکی از نمونه هایی که در این زمینه طراحی و اجرا شد، مجموعه مسکونی "هابیتات" می باشد که توسط موشه سفدی طراحی شده است. این مجموعه از ۳۵۴ جعبه بتنی پیش ساخته تشکیل شده است که در نهایت ۱۵۸ واحد مسکونی را به همراه تعداد زیادی تراس شکل می دهند.

(تصویر ۲-۲)



۲-۲- مجموعه مسکونی هابیتات، مونترال (منبع: سایت Archdaily)

۴-۴-۲-۱-۲- کوی مسکونی

کوی مسکونی به مفهوم عام و با توجه به تعریف این واژه در فرهنگ های معین و عمید به معنی محله، برزن و یا مجموعه ای از ساختمانهای مسکونی واقع در یک نقطه معین است. از آنجا که این پژوهش در پی شناخت ارزشهای زندگی محله‌ای در بافت قدیم شهر و بکارگیری آنها در توسعه جدید شهر می باشد، بررسی این گونه

نقش موثری در برخورد با طرح و دستیابی به اهداف مورد نظر آن دارد. در واقع کوی مسکونی مجموعه ای از خانه هایی در واحد محله می باشد که هر کدام فضای بازی به عنوان حیاط دارند و در عین حال فضای باز عمومی بین آنها قرار می گیرد و اولویت با عابر پیاده می باشد. نحوه طراحی و جانمایی این خانه ها با تقسیم بندی معمول شهری متفاوت می باشد. در این مجموعه، هر واحد همسایگی به وسیله راسته پیاده مرکزی و سواره درون محله ای از سایر واحدهای همسایگی مجاور جدا می گردد. (تصاویر ۲-۳، ۲-۴ و ۲-۵) بر این اساس استفاده از واژه "کوی مسکونی" به جای واژگانی چون "مجتمع مسکونی" یا "مجموعه مسکونی" با مفاهیمی که پیش از این درباره ساختار مسکن گفته شد، مطابقت و بار معنایی بیشتری دارد.



۲-۵- مجموعه مسکونی دانی بروک^{۱۲}، لندن (منبع: سایت Archdaily)

۱-۲-۲- اصول طراحی کوی مسکونی

۱-۲-۱-۱- مقدمه

طراحی یک کوی مسکونی، در واقع سازماندهی مجموعه ای از فضاها است که براساس ساختار و نظم مشخص همچون شهری کوچک شکل می گیرد. بنابراین بهترین نمونه ای که می توان از طریق آن به اصول و قواعد درست سازماندهی یک کوی مسکونی دست یافت، پرداختن به اصول سازماندهی فضاهای شهری می باشد. محمود توسلی در جلد اول کتاب "اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران"، براساس

^{۱۲} Donnybrook, London

شواهد موجود در معماری و شهرسازی شهرهای قدیمی ایران، اصول حاکم بر طراحی این فضاها را را تدوین نموده است. وی معتقد است که طراحی در شهرهای ایران و یا طراحی شهرهای جدید باید براساس شناسایی اصول طراحی بافت قدیمی و توجه به خصوصیات کالبدی آنها و بهره گیری از اصول و قواعد گذشته انجام گیرد. (توسلی، ۱۳۷۶، ۷) از نظر او شهرها و بخش های مسکونی آنها در چند دهه اخیر در ایران عمدتاً درسی برای آموختن ندارند و بهره گیری از اصول و روشهای غربی و تطبیق آن با شرایط ایران نیز مستلزم دقت بسیار است، زیرا آنچه در غرب تدوین شده نتیجه اندیشه و فرهنگ و اقلیم دیگر است. آنچه در ادامه مورد بررسی قرار گرفته اصولی است که توسلی در این کتاب از ویژگی های شهرهای گذشته ایران استخراج نموده است. این اصول می توانند منبع مناسبی برای بهره گیری در طراحی معماری فضاهای شهری و مسکونی حال حاضر کشور باشند.

۲-۱-۲-۲- اصول سازمان دهنده فضاهای مسکونی

به طور کلی در معماری و طراحی شهری با دو موضوع فضای داخلی و خارجی سروکار داریم. مفهوم این دو اساساً یکی است، جز اینکه مقیاس فضا در تعیین نوع آنها متفاوت عمل می کند. آنچه مسلم است آن است که این دو فضا باید از سازماندهی مطلوب برخوردار باشند. فضای حیاط مرکزی خانه در فرهنگ معماری ایران به عنوان فضای خصوصی داخلی می تواند در مقابل میدان، تکیه سرباز و یا سرپوشیده به عنوان فضای خارجی شهر قرار بگیرد. در این نظام فضای خارجی در مقیاس شهر همچون فضاهای داخلی خانه های مسکونی راحتی و دلپذیر بودن را به انسان القا می نمایند. این امر، اهمیت طراحی و سازماندهی شهری را در کنار معماری خانه ها در شهر ایرانی نشان می دهد. (توسلی، ۱۳۷۶، ۲۳) در فضاهای خارجی باید به دو جنبه مهم توجه نمود. ابتدا اصل پیوستگی و ارتباط فضاهای شهری، بدین معنا که فضاهای طراحی شده جزئی از ساختار فضایی موجود شهر گردند و ارتباط فضای شهری در مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی یا خیابان ها با هم مورد توجه قرار گیرند. دوم شکل و اندازه این فضاها که باید متناسب با نیاز استفاده کنندگان طراحی شوند. (توسلی،

۱۳۷۶، ۲۴) یکی از اصولی که در شهرهای قدیم ایران مورد توجه بوده اصل هم پیوندی عناصر شهری و واحد های مسکونی می باشد که بر این اساس واحدهای مسکونی مجموعه ای یکپارچه را تشکیل می دادند و خانه های جدید بر اساس اصولی شکل می گرفته اند که دیگر بناها از پیش بر همان اساس در مجاورت آنها استوار گردیده بودند. جهت بدنه اصلی خانه، تعیین اندازه فضای حیاط نسبت به حجم فضای محصور کننده، اندازه اجزای حیاط و ... همه تابع نظم و پیمون بوده اند. علاوه بر این، جهت گیری یکسان خانه ها به مجموعه واحدهای مسکونی شکل شطرنجی نامنظم می بخشید که خود باعث هماهنگی و وحدت این واحدها با کل مجموعه می شد. (توسلی، ۱۳۷۶، ۲۵) یکی دیگر از اصول نخستین حاکم بر طراحی مکانهای شهری اصل محصور کردن فضا می باشد. فضای محصور از مجموعه ای از سطوح ایجاد شده که نحوه ترکیب آنها میزان و کیفیت محصوریت فضا را به دست می دهند. احساس محصور بودن در فضا اساساً بر رابطه و نسبت بین فاصله چشم ناظر از ارتفاع بدنه محصور کننده استوار است. این تناسب می تواند از ۱ به ۱ تا ۱ به ۴ متفاوت باشد و درجاتی از محصوریت کامل تا فقدان محصوریت را القا کند. محصور بودن فضایی در معماری فضاهای شهری ایران دارای ویژگی هایی بوده که بر غنا و کیفیت آن فضا می افزوده است. از جمله این ویژگی ها می توان اول به پیوستگی بدنه محصور کننده اشاره کرد که با طراحی نمای ساختمان ها ارتباط مستقیم دارد. وجود فواصل متعدد مابین بناها، اختلاف فاحش میان آنها و تغییرات ناگهانی در لبه قرنیز ساختمان ها باعث تضعیف این ویژگی می گردد. دومین ویژگی مربوط به اصل سادگی در فضای محصور می شود. بر این اساس آنچه که به معماری غنا می بخشد تنها اجزای آجرکاری و کاشی کاری ها نیستند بلکه سادگی ترکیب توده ساختمانی و فضای معماری و شهر است. بنابراین در فضاهای محصور، سادگی شکل در کل و جزء، همچون ترکیب ساده طاقبندی غرفه ی نمای میدان ها و تکایا و ریتم منظم و پیوسته آنها در کنار یکدیگر، وحدت شکلی ایجاد کرده و به فضای محصور جلوه خاصی می بخشد. سومین ویژگی، خصوصیت ایستایی و پویایی فضاهای محصور شهری می باشد که در ارتباط و پیوند عناصر مختلف نظیر گذرهای اصلی و فضاهای میدان مانند پدید می آید. یعنی میدان، میدانچه، چهار سوق و مانند آنها ایستا و گذرها و خیابان ها پویا هستند. این فضاهای ایستا و پویا می توانند با هم ترکیب

شده و ویژگی های خاصی را در طول مسیرهای درون شهری ایجاد کنند. (توسلی، ۱۳۷۶، ۲۶) در بحث محصور کردن فضا به تناسب در ایجاد محصور کنندگی فضا اشاره شد. اصل بعدی در فضاهای معماری و شهری ایران اصل مقیاس و تناسب می باشد. منظور از تناسب، رابطه میان ابعاد مختلف یک فضا یا یک شی، مستقل از اندازه و منظور از مقیاس، رابطه بین اندازه یک فضا یا یک شی با فضاها یا اشیا اطراف آن می باشد. در اینجا مقیاس انسانی در معماری مطرح می شود که می توان آن را نوعی ارتباط مطلوب میان اندازه یک فضا با پیکر انسان تعریف کرد. بنابراین فضایی را می توان دارای مقیاس انسانی دانست که نه خیلی بزرگ باشد که تماس بصری با اطراف ضعیف شود و نه خیلی کوچک که در آن احساس ترس از مکان محصور و تنگ به انسان دست بدهد. بررسی ها نشان می دهد که در فضاهایی که حالت حرکت و پویایی دارند می توان از نسبت ارتفاع به عرض ۲ به ۱، ۱ به ۱ تا ۱ به ۲ بهره جست. هم چنین از نسبت ۱ به ۲ تا ۱ به ۶ در فضاهایی که بیشتر حالت ایستا و توقف دارند می توان استفاده نمود. (توسلی، ۱۳۷۶، ۵۱) اصل بعدی، اصل فضاهای متباین می باشد. ارزش این فضاها در کاهش یکنواختی مسیرهای ارتباط دهنده می باشد. در واقع با ایجاد رشته ای از فضاهای محصور و متباین که واجد مقیاس انسانی باشد، این ویژگی تحقق می یابد. تفاوت در نحوه محصور کردن فضاها از نظر مقیاس و تناسب جزئیات بدنه محصور کننده فضا می تواند خصوصیت تباین را در بین رشته ای از فضاها تشدید کند. همچنین خصوصیت بارز شهرهای ایرانی یعنی پهن و باریک شدن فضا و سرباز و سربسته بودن آن نیز در ایجاد تباین فضایی موثر است. در طراحی فضاهای متباین باید خصوصیت تفاوت و جاذبه بصری و همچنین قلمرو را نیز مورد توجه قرار داد. روش های ایجاد فضاهای متباین را می توان در چند مورد زیر خلاصه نمود:

۱. ایجاد فضای متباین با تغییر در مقیاس فضا

۲. تغییر در نوع فضا (فضای خطی مرتبط با فضای میدان)

۳. تغییر در درجه محصور نمودن فضا (ترکیب دو فضای بسیار محصور و نیمه محصور)

۴. تغییر عناصر محصور کننده شامل بدنه ساختمان ها، بدنه ای از درخت و یا بدنه ای بصورت شبکه

۵. تغییر در شکل بدنه محصور کننده مانند فضایی بصورت شکسته، عقب نشسته و پیش آمده

۶. تغییر در روشنایی فضا و سرپوشیدگی و سرباز بودن آن (توسلی، ۱۳۷۶، ۶۲)

اصل دیگری که در فضاهای معماری و شهری حائز اهمیت است اصل قلمرو می باشد. موضوع قلمرو به طور کلی به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم می شود. فضای خصوصی، حد و مرز خصوصی یک یا چند نفر را تعریف می کند و فضای عمومی متعلق به همگان می باشد. اما آنچه امروزه در موارد بسیاری فراموش شده فاصله میان این دو می باشد. با بررسی معماری گذشته، سه قلمرو فضایی قابل تشخیص است: فضای خصوصی مانند حیاط، فضای نیمه عمومی - نیمه خصوصی که بصورت یک بن بست اختصاصی یا هشتی که به چند خانوار راه دارد و فضای عمومی که بصورت گذر و میدان می باشد. از این اصل می توان برای جلوگیری از ارتباط ناگهانی ساکنین از فضای خصوصی خود با فضای کاملاً عمومی جلوگیری کرد. طراحی فضاهای نیمه خصوصی - نیمه عمومی می تواند مزایای بسیاری برای ساکنین یک واحد همسایگی ایجاد کند. از جمله آنها می توان به ایجاد حس تملک و امنیت و امکان ارتباط با هم برای همسایه ها در این فضاها اشاره کرد. این امر موجب قوت بخشیدن به زندگی اجتماعی ساکنین و هم چنین هشیاری و مراقبت آنها نسبت به محدوده فضای مشترک می شود. (توسلی، ۱۳۷۶، ۶۸) اصل ترکیب و کمپوزیسیون به صورت ترکیب فضاها با بدنه محصور کننده آنها تعریف می شود. در صورتی که بناها و عناصر مختلف، فضای محصور را پدید آورند باید مابین این بناها هماهنگی شکلی برقرار شود به گونه ای که بدنه محصور کننده علی رغم شکل گیری از ساختمان های مختلف، صورتی پیوسته پیدا کند. این ویژگی، بدنه ای هماهنگ از ساختمان ها ایجاد می کند و از یکنواختی فضا می کاهد. (توسلی، ۱۳۷۶، ۷۳) محمود توسلی، اصل آگاهی از فضا را یکی از اصول پایه ای در معماری و شهرسازی ایران می داند و تاکید می کند که توجه به دو عنصر اصلی توده ساختمانی و فضا و ترکیب آن دو و برقراری رابطه متقابل میان آنها از جمله نکاتی است که در معماری و شهرسازی امروز نادیده گرفته شده است.

توجه به این مسأله و طراحی فضا به عنوان عنصر اصلی در سازماندهی فضاهای شهری، می تواند نقش مهمی در ایجاد فضاهای شهری و مناطق مسکونی مطلوب ایفا کند. (توسلی، ۱۳۷۶، ۷۷)

۱-۳-۲- منطقه گرایی

۱-۳-۲-۱- مقدمه

در ادبیات معماری معاصر، رویکردهای مختلفی به موضوع رابطه بین معماری و زمینه پرداخته اند. این رویکردها با حوزه ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی در ارتباط قرار می گیرند. سنت گرایی، بومی گرایی، انسان گرایی و منطقه گرایی از جمله این مواردند. در این میان منطقه گرایی بر لزوم توجه به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی یک منطقه خاص تاکید می کند. این گرایش در میان سایر گرایش های ذکر شده، رویکردی بسیار منعطف دارد و با پاسخ دادن به خصوصیات اقلیمی و منظرشناسی، ویژگی های بستر فرهنگی و مقولاتی مانند مکان و فن آوری یک سرزمین خاص، به خوبی می تواند به دغدغه هایی از جمله زمینه، خاطره جمعی و حس تعلق پاسخگو باشد.

۲-۳-۱-۲- تعریف منطقه گرایی

منطقه گرایی طیف وسیعی از تعاریف را شامل می شود و در عرصه های مختلف، معانی متفاوتی را دارا می باشد. در جغرافیا، اشاره دارد به یک قلمرو جغرافیایی خاص که دارای ویژگی مشخصی می باشد. در سیاست، دیدگاهی است که بر استفاده از محدوده جغرافیایی خاص برای پیشبرد اهداف سیاسی تمرکز دارد. در معماری، منطقه گرایی رویکردی است در جهت استفاده ساختمان ها از یک نظام درون متنی. (Heath, 2009, 6) در نگاه کلی این رویکرد به مجموعه ای از ویژگی های اقلیمی، محلی، اجتماعی و فرهنگی یک منطقه خاص تاکید و توجه دارد.

۳-۱-۲- معنای لغوی منطقه گرایی

در مورد تعریف منطقه اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد که احتمالاً بازتاب تنوع رشته های فکری موجود در مطالعات منطقه ای است. از دیدگاه برخی اندیشمندان، منطقه، تمامیتی است که می تواند عنوان منطقه طبیعی به خود گیرد و از نظر برخی دیگر، منطقه صرفاً محصول تفکر و روشی است برای منطقه بندی. منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه، داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و بر این اساس واژه ای دال بر جغرافیا است. (بایزیدی و حبیب، ۱۳۹۲، ۹) در تعبیری دیگر از این واژه، یک منطقه به محدوده ای از فضا گفته می شود که توسط معیارهای فرهنگی و طبیعی تعریف می شود. مرسوم ترین این معیارها، اقلیم، عوارض زمین، محدوده های فرهنگی نظیر روش های خاص زندگی، الگوهای بهره گیری از زمین و سازماندهی، اقتصاد و بازار، کاربرد زبان و شیوه گفتگو، شیوه بارز مصالح مورد استفاده در ساختمان سازی و سبک های معماری هستند. (Canizaro, 2007, 18)

"Regionalism" از اواخر قرن هجدهم به یکی از نظریه های اصلی نقد معماری تبدیل گشت. بر طبق این دیدگاه، معماری بر اساس فعالیت های ناحیه ای ویژه که بر اقلیم، جغرافیا، مصالح و سنت های فرهنگی بومی بنا شده اند شکل می گیرد. (Colquhoun, 1997, 150) در منابع مختلف، تعاریف متعددی از این واژه به چشم می خورد. برخی از منابع، این واژه را به صورت یک کلمه، سنت، گویش یا هر مشخصه دیگری که مربوط به یک منطقه خاص باشد، تعریف می کنند.^{۱۳} در فرهنگ زبان آکسفورد، منطقه گرایی به صورت وفاداری به ارزش های یک منطقه خاص، میهن پرستی و ملی گرایی تعریف می شود.^{۱۴} این واژه در رابطه با رشته معماری به عنوان تلاشی برای غلبه بر بی مکانی و کمبود هویت موجود در معماری مدرن به واسطه استفاده از زمینه جغرافیایی ساختمان قابل تعریف است.^{۱۵}

^{۱۳} <https://dictionary.reference.com/browse/regionalism>

^{۱۴} <https://dictionary.reference.com/browse/regionalism>

^{۱۵} <https://en.wikipedia.org/wiki/regionalism>

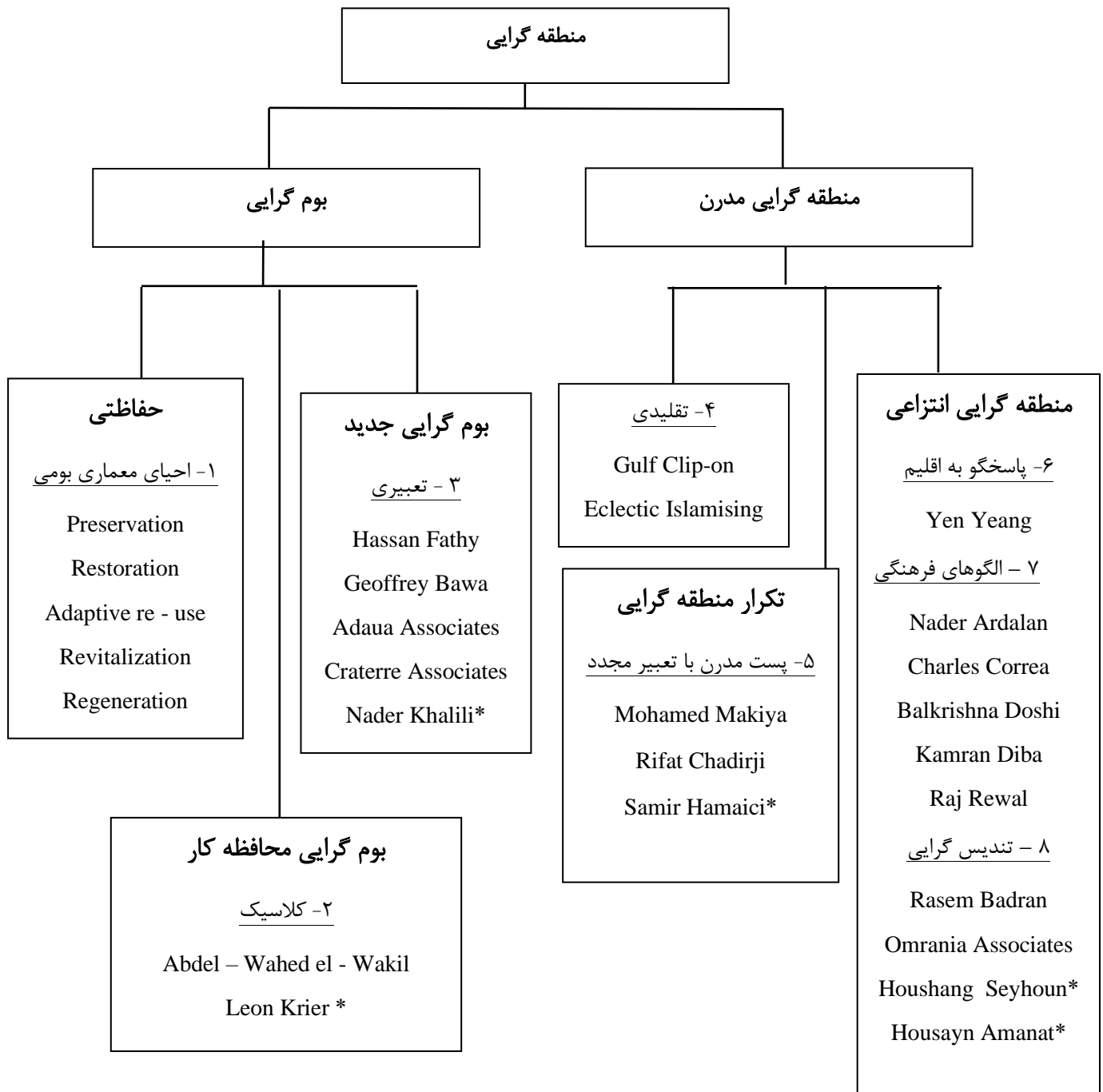
۲-۳-۲- منطقه گرایی در معماری

منطقه گرایی در معماری، رویکردی است که در آن تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی از اولویت بالایی برخوردار است و لذا توجه خاصی به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی منطقه دارد. این گرایش، رویکردی مهم و قابل توجه در جهان می باشد که سبب ایجاد حس مکان در زمینه شده است. به عبارت دیگر، می توان منطقه گرایی در معماری را یک جنبش معمارانه دانست که ساختمان ها را به وسیله ترکیب فن آوری روز با الگوهای فرهنگی و ارزش ها و سنت های جوامع محلی ارتقا می دهد. به زبان ساده مفهوم منطقه گرایی خواه به مفهوم وسیع تر آن شامل جنبه های فیزیکی نظیر مکان، آب و هوا و مصالح به کار رفته و خواه تا آن جا که مربوط به فضای اجتماعی و فرهنگی از لحاظ سبک و کارکرد می شود، اشاره به نوعی محیط گرایی دارد. (سراج الدین، ۱۳۷۶، ۶۰)

۲-۳-۳- انواع منطقه گرایی

در این بخش به بررسی مفهوم منطقه گرایی و رویکردهای آن از نگاه صاحب نظران می پردازیم و بناها و آثاری که با این دیدگاه و نگرش ساخته شده اند را مرور می کنیم. (جدول ۲- ۱)

جدول ۱-۲- تقسیم بندی رویکردهای معماری منطقه گرا از دیدگاه سوها اوزکان^{۱۶}



^{۱۶}. صحاف، خسرو، سمینار معماری زمینه گرا در بافت ها، سازمان نظام مهندسی استان خراسان رضوی، زمستان ۱۳۹۳
 * معمارانی نظیر هوشنگ سیحون، حسین امانت، نادر خلیلی، لئون کریر و سمیر حمیچی در این طبقه بندی پیشنهاد خسرو صحاف می باشد.

۱-۳-۲- معماری بومی^{۱۷}

در اواسط دهه هفتاد میلادی، معماری بومی به عنوان یک منبع مهم که شامل عناصر اصلی طراحی مثل اقلیم، تکنولوژی منطقه و فرهنگ می باشد و در طول قرن ها تکامل یافته شناخته شد. مطالعات در این زمینه ادامه پیدا کرد و اکنون به یکی از بحث های روز تبدیل شده است. به این ترتیب، سنت ساختمان سازی موجود، به عنوان یکی از گرایش های طراحی در حوزه طراحی معماری مطرح گردید. سوها اوزکان، به عنوان یکی از صاحب نظران مطرح در این زمینه، معماری منطقه گرا را به دو دسته کلی "بومی گرایی" و "منطقه گرایی مدرن" تقسیم می کند و آن را به ۸ زیر مجموعه طبقه بندی کرده است. وی بین "بومی گرایی" و "منطقه گرایی مدرن" تفاوت قایل می شود و توضیح می دهد که "بومی گرایی" در واقع نوعی از معماری است که در هر منطقه و در طی زمان تکامل میابد و بنابراین محدود به انواع بنا و تناسب های موجود است، در حالی که "منطقه گرایی مدرن" اشاره به تفسیری معاصر از معماری محلی دارد و محدود به تناسب یا انواع بنا یا فنون به کار رفته نمی شود. (Ozkan, 1985, 8) اوزکان در یک طبقه بندی کلی، بوم گرایی را به دو دسته "بوم گرایی حفاظتی" و "بوم گرایی تعبیری" تقسیم می کند. در عین حال که هدف هر دو گرایش، تجدید حیات فرم ها و آرایه های فضایی معماری بومی است، اما با هم در نحوه برخورد با تکنولوژی و اجتماع تفاوت دارند. (Ozkan, 1985, 9)

۱-۳-۲-۱- احیاء معماری بومی^{۱۸}

روش های ساخت و ساز امروزی بر خلاف نمونه های بوم محور پیش از خود تعامل کمتری با زمینه طبیعی خود برقرار می سازند. این در حالی است که در معماری گذشته ایران و دیگر نقاط جهان، راه حل هایی جهت فراهم نمودن شرایط آسایش انسان با استفاده از عوامل جغرافیایی و طبیعی محل پیش بینی شده است. در اغلب روستاها نیز هماهنگی بافت روستاها با ساختار طبیعت مورد توجه ویژه ای قرار می گرفته است. همچنین

^{۱۷} Vernacularism

^{۱۸} Living Vernacularism Architecture

سعی شده تا ساخت بنا کمترین تاثیر مخرب را بر زمینه ی طبیعی زیستی خود داشته باشد. بنابراین شاخه ای از معماری منطقه گرا مطرح شد که بر اهمیت حفاظت، مراقبت، تجدید حیات و توان بخشی معماری بومی هر منطقه تاکید می کند و به دنبال تجدید حیات ارزش ها و ویژگی های منحصر به فرد آن می باشد. این شاخه از معماری که به "معماری بدون معمار" و یا "معماری خود جوش" نیز معروف است، بیشتر در نواحی آفریقایی مشاهده می شود. (تصاویر ۲-۶ و ۲-۷) بر اساس تعریف آلپاگونولو "منظور از خودجوش، تصادفی بودن آن نیست بلکه طبیعی بودن آن است. زیرا در عرصه این عملیات، هیچ چیز تصادفی نیست. به عکس در هر گزینش، نهایت سخت گیری به عمل می آید که برخاسته از ضرورت های معین است. ضرورت هایی که تنها حامل جنبه های مادی و عملکردی نیستند." (آلپاگونولو، ۱۳۸۴، ۲۵)



تصویر ۲-۶- نمونه ای از احیاء معماری بومی در روستای یاما، آفریقا (منبع: سایت Archnet)

۲-۱-۳-۲- بوم گرایی محافظه کارانه^{۱۹}

منطقه گرایی سنتی و منطقه گرایی بدیع، از تعبیر دیگر این گونه از منطقه گرایی است. این تعبیر به اقتباس از موتیف های معماری های با شکوه و بازآفرینی تاریخی اشاره دارند. در این گرایش، عناصر تاریخی در جایگاه خویش مورد استفاده قرار می گیرند. سنت گرایان در خلق آثار خود بسیار پایبند الگوهای مادی و معنوی موجود در معماری تاریخی بوده و درجه کمی از خلاقیت را در آفرینش آثار خود به کار بسته اند. در واقع مساله

^{۱۹} Conservative Vernacularism

اصلی معماری سنت گرا بازخوانی ارزش های معنوی موجود در معماری تاریخی بوده و از این رو به حفظ الگوهای فضایی و انتظام صوری موجود در معماری تاریخی نظیر نظم، تقارن و سلسله مراتب بسیار پایبند است. این رویکرد را می توان در آثار معمار مصری، عبدالواحد الوکیل ملاحظه کرد. (تصویر ۲-۸) استفاده از عناصر معماری گذشته از مشخصه های اصلی معماری او می باشد. وی با هدف استفاده مجدد از فناوری سنتی، از عناصری مانند دیوارهای باربر آجری، قوس و طاق و گنبد استفاده می کند. (Ozkan, 1985, 10)



تصویر ۲-۸- نمونه هایی از آثار عبدالواحد الوکیل (Ozkan, 1985, 10)

۳-۱-۳-۲- بوم گرایی تعبیری (بوم گرایی جدید)^{۲۰}

بوم گرایی تعبیری یا بوم گرایی جدید، گرایشی است که با توجه به میراث معماری بومی و استفاده از فناوری و مصالح محلی، حیات دوباره ای به معماری بومی هر منطقه می بخشد. نادر خلیلی از معماران مهم بوم گرای ایرانی است. او را می توان معمار بوم گرایی دانست که با شناخت خصوصیات معماری محلی و مصالح بوم آورد نه تنها در صدد احیاء آداب و سنن گذشتگان بود، بلکه آن را گام دیگری به جلو برد. به طور کلی ویژگی هایی چون ساخت سریع و آسان، به کارگیری مواد و مصالح بومی و خلق ظاهری ساده و آشنا، او را در زمره معماران بوم گرا قرار داده است. (میری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۰۰) ثمره مطالعات او در اوایل دهه پنجاه، در سال ۱۳۵۸ شمسی منجر به ابداع روشی شد که بعدها نام "گلتافتن" به خود گرفت. واژه "گلتافتن" از دو واژه "گل" به معنای مخلوط آب و خاک و "تافتن" به معنای پختن تشکیل شده است. وی که پژوهش های متعددی در زمینه معماری خشتی و خانه های ارزان قیمت انجام داد بر اساس سیستم "ابر خشت" به طراحی خانه های "Eco"

^{۲۰} Neo-Vernacularism

Dome Plan پرداخت که در بازسازی پس از سانحه نیز کاربرد دارند تصویر (۲-۹). وی دیدگاه خود را این گونه بیان می کند:

منظور از بومی گرایی جدید این نیست که ما به گذشته برمی گردیم. در حقیقت، بهترین های گذشته خودمان را برمیداریم و به آینده می بریم و با شناخت اینها ما میتوانیم در جهان امروز عرض اندام کنیم و کارهای مفیدی به جا بگذاریم و در ضمن به محرومین جهان هم از این طریق مسکن بدهیم.^{۲۱}



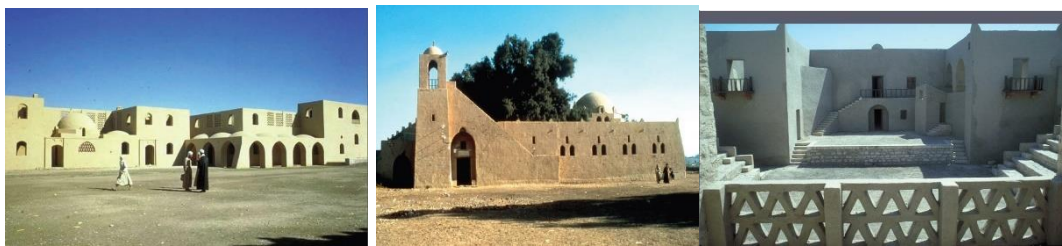
تصویر ۲-۹- تصاویری از خانه سازی نادر خلیلی به روش سیستم ابرخشت (Serageldin, 2007, 83)

از دیگر معمارانی که در این زمینه فعالیت کرده اند، حسن فتحی، معمار مصری را می توان نام برد. وی در این حوزه، از تکنولوژی و مصالح محلی و همینطور محیط طبیعی بهره می برد. طرح روستای گورنا شناخته شده ترین اثر حسن فتحی است. (تصویر ۲-۱۰) در واقع این کار نتیجه عملی انتقاد او به ساختمان سازی مدرن و سبک بین الملل بود. او مدعی بود که در شرایط حاضر هر روستایی به تنهایی می تواند بهترین معمار برای خانه و محیط خود باشد. او به دانش ذاتی هر انسان نسبت به محیط زندگی خود معتقد بود، چرا که استفاده کنندگان اصلی خانه های روستایی، خود روستاییان بودند. به گفته ی فتحی "هیچ دو انسانی شبیه هم نیستند هم چنانکه روستاهای یک روستا هیچ یک شبیه هم نیستند و ما نمی توانیم خانه های مشابه هم پیدا کنیم." (Serageldin, 2007, 84) این تنوع شکلی در جبهه مقابل معماری سبک بین الملل قرار می گرفت. در واقع

^{۲۱} بر اساس مصاحبه ای با نادر خلیلی

ارزش کار حسن فتحی به تکنیک ساخت، ارزش نهادن به فرهنگ بومی و استفاده از فن آوری جدید در بکاربردن مصالح خاک است. یکی از نکات مهم در این طرح، قلمروهای فضایی است که با سلسله مراتب خاصی سازماندهی شده اند. فضاهای عمومی این مجموعه از خیابان های اصلی چهارگوش مرکزی و ساختمان هایی که به آنها باز می شوند و کاروانسرا، مسجد، تماشاخانه و همینطور خیابان های عریض تشکیل شده اند. خیابان های باریک و بلند و کوچه های سایه دار و پیچ در پیچ نیز فضاهای نیمه عمومی مجموعه را تشکیل می دهند. در نهایت فضاهای خصوصی خانه ها هستند که دارای حیاط های شخصی می باشند و با نرده هایی محصور شده اند. وی تمامی خانه های دهکده را با تکنیک سقف گنبدی اجرا کرده است. تهویه و کنترل دمای هوا از راس این گنبد ها تامین می شود.

به طور کلی اصولی که در آثار فتحی قابل مشاهده است را می توان به ۵ اصل انسان گرایی، رویکرد جهانی، فن آوری ساختمانی هدایت شده مناسب، رعایت سنن محلی و احیاء مجدد افتخارات فرهنگی یک ملت از طریق معماری تقسیم بندی نمود. (Steele, 1989, 50)



تصویر ۲- ۱۰- تصاویری از روستا گورنای نو، مصر (Steele, 1989, 50)

۲-۳-۳-۲- منطقه گرایی مدرن^{۲۲}

تعامل یا تقابل معماری مدرن با هویت های فرهنگی - منطقه ای چالش هایی را بیش روی معماری قرار داد که حاصل آن تحول در نوع نگرش به منطقه گرایی در چارچوب واژگانی نظیر منطقه گرایی مدرن یا منطقه گرایی انتقادی است. سوها اوزکان معتقد است که آنچه که مورد مخالفت معماران منطقه گرا واقع شد، مدرنیسم نیست بلکه گرایش به سبک بین الملل است. از نظر او، مدرنیسم، خواستار توجه به کیفیت ذاتی مصالح ساختمانی، بیان گرایی در سازه و توجیهاات عملکردی برای فرم هایی است که ساختمان را تشکیل می دهند. در حالی که آرمان های سبک بین الملل بسیار متفاوت است و خواستار نوعی ارتباط جهانی و جهانی سازی است. (Ozkan, 1985, 12) از دیدگاه وی، مدرنیسم در راستای دستیابی به اهداف منطقه گرایی، تکنولوژی هایی را برای کنار آمدن با مشکلات فراهم می کند و همچنین اصولی را پیشنهاد می کند که با استفاده از آن می توان دستاوردهای منطقه گرایی را مورد ارزیابی قرار داد.

۱-۲-۳-۳-۲- معماری تقلیدی^{۲۳}

در تفکر پست مدرن هنر صرفاً یک تجربه زیبا شناختی نیست بلکه روش شناخت جهان است. ویژگی شاخص هنر پست مدرن تاکید بر کلیشه، تقلید هزل آمیز از سبک های مختلف و اختلاط و امتزاج رنگ های مختلف کولاژ است. یکی از شیوه هایی که در ادامه این روند و در جریان این سبک پدید آمد، معماری تقلیدی است. در این شیوه، گرایش به تقلید از فرم و ظاهر ساختمان های تاریخی هر منطقه و ترکیب آن با فرم های مدرن رواج پیدا کرد. در واقع منظور از معماری تقلیدی، اثری را کاملاً مشابه اثر دیگری ساختن است و یا اثر ساخته شده می تواند مخلوطی از تقلید از آثار یک یا چند معمار دیگر نیز باشد. (تصویر ۲-۱۱)

^{۲۲} Modern Regionalism

^{۲۳} Pastiche

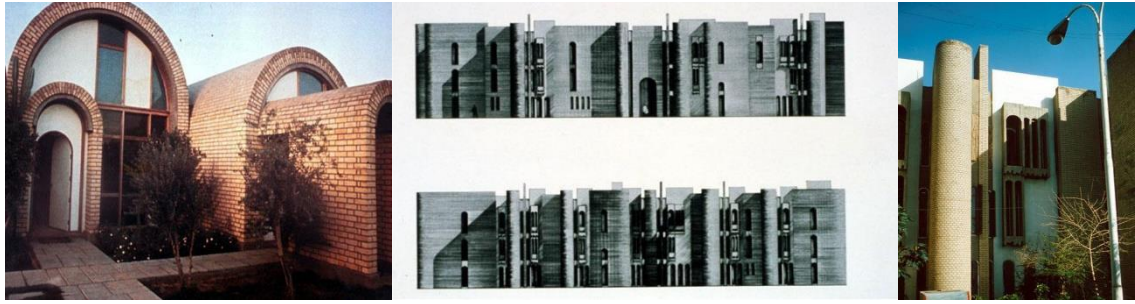


تصویر ۲-۱۱- نمونه هایی از آثار معماری تقلیدی (Ozkan, 1985, 13)

۲-۲-۳-۳-۲- معماری پست مدرن با تعبیر مجدد^{۲۴}

در این شیوه اعتقاد بر آن است که در بهره گیری از فن آوری های نوین ساخت، هم خوانی با ساختارهای فرهنگی و هویت، بیشترین اهمیت را دارد. از طرفی پیچیدگی ساخت نشان می دهد که فن آوری، هر چند به ساخت معماری و شهر کمک می کند اما به تنهایی برای تهیه امکانات به خصوص در حوزه فرهنگی کافی نیست. بر این اساس، فهم عمومی از علم و استفاده آگاهانه از فن آوری در تعامل با هویت هر ملت با تاکید بر زمینه های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی، تاثیرگذار خواهد بود. (تصویر ۲-۱۲) این رویکرد در آثار معمارانی همچون "محمد ماکیا" و "رفعت قدیرچی" نیز دیده می شود. رفعت قدیرچی معمار عراقی که بیشتر ساختمان هایش را بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ در بغداد و اطراف آن ساخته به برداشتی از نوعی معماری متعهد بود که هم مدرن و هم از لحاظ ناحیه ای حساس باشد. وی قصد داشت تا معماری ای بوجود آورد که با شرایط شهری و اجتماعی به شدت متغیر، متناسب و در عین مدرن بودن کوتاه بینانه نباشد. او همچنین در آثارش بدون تقلید صرف از سنت، در جهت نمایش آن تلاش می کرد. او در طرحهای خود در بغداد (۱۹۶۷) به بیانیه ای خاص از مستطیل ها و استوانه های آجری خشک رو آورد که با گشودگیهای قوسی شکل سوراخ شده بودند و با نوعی ضرباهنگ مقطعی با سایه به آنها جان تازه ای بخشیده شده بود.

^{۲۴} Reinteroretative Post Modern



تصویر ۲-۱۲- نمونه هایی از معماری پست مدرن با تعبیر جدید (Ozkan, 1985, 16)

۳-۲-۳-۳-۲- معماری پاسخگو به اقلیم^{۲۵}

طراحی اقلیمی، روشی برای کاهش همه جانبه هزینه انرژی یک ساختمان است. در تمام اقلیم ها، ساختمانهایی که براساس اصول طراحی اقلیمی ساخته شده اند، ضرورت استفاده از گرمایش و سرمایش مکانیکی را به حداقل کاهش می دهند و در عوض از انرژی طبیعی موجود در اطراف ساختمان ها استفاده می کنند. این امر موجب صرفه جویی در مصرف انرژی می شود و در استفاده بهینه از شرایط محیطی در ایجاد آسایش برای زندگی در داخل ساختمان ها یاری رسان خواهد بود. از نظر مرتضی کسمایی، منظور از طراحی اقلیمی یعنی طراحی که بتواند ضمن هماهنگی با محیط طبیعی پیرامون خود و بهره گیری هر چه بیشتر از نیروی طبیعی موجود در محل تا حد امکان محیط طبیعی مناسبی برای استفاده کنندگان ایجاد کند. (کسمایی، ۱۳۹۴، ۱۲) می توان گفت طراحی ساختمانهایی که ویژگی صرفه جویی در انرژی و همچنین حفاظت از محیط زیست را در خود داشته باشند، در زمره اصلی ترین مسئولیت های معماران قرار می گیرد. تا امروز تلاش های معماران و مهندسان در جهت کاهش وابستگی انسان به سیستم های مکانیکی، نتایج مطلوبی داشته و به ابداع و اجرای روشهای جدید بهبود شرایط زیستی انسان از طریق استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، منجر شده است. به عنوان مثال می توان به روش هایی چون تهویه مطبوع با امکان جریان هوا از سقف، تهویه مطبوع از طریق پالایش شبانه، استفاده از فضای سبز و گیاهان و نظایر آن اشاره کرد که از طریق به کارگیری این روش ها در

^{۲۵} Responsive Climate

معماری، برخی ساختمان‌ها توانسته‌اند انرژی و منابع طبیعی همچون گرما و نور خورشید، باد، انرژی گرمایی زمین و آب باران را مورد استفاده قرار دهند.

یکی از چهره‌های کلیدی طراحی ساختمانهای مرتفع سازگار با محیط زیست، کن یینگ^{۲۶} است. گرایش اصلی او، طراحی آسمان‌خراشهای سبز است (تصویر ۲-۱۳). او با تحلیل و بررسی عناصر اقلیمی و جایگاه آن در طراحی آسمان‌خراشها، نوع جدیدی از طراحی ساختمان‌های بلندمرتبه را پیشنهاد می‌کند که با عناصر و عوامل محیطی مناطق گرمسیری همخوانی دارد. از دیدگاه یینگ، آسمان‌خراشها همچون اتومبیل در عصر حاضر، از لزومات زندگی هستند و شهرها برای توسعه به ساخت آنها نیازمندند. ولی آن چه در این روند مهم است، هم‌زیستی ساختمانها با فضاهای سبز طراحی شده و به‌طورکلی، با محیط زیست است. (یینگ، ۱۳۸۳،

(۱۶)



تصویر ۲-۱۳- نمونه‌هایی از آسمان‌خراش‌های سبز، اثر کن یینگ (یینگ، ۱۳۸۳، ۱۶)

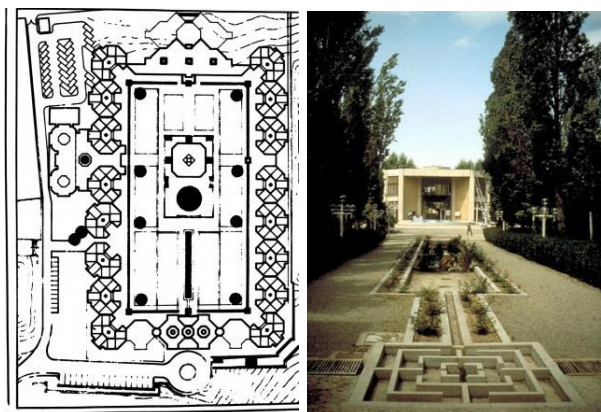
۴-۲-۳-۳-۲-۴ معماری منطقه‌گرا با الگوی فرهنگی^{۲۷}

این شیوه به عنوان یکی از گرایش‌های منطقه‌گرایی بر رابطه فرهنگ مردم هر منطقه و معماری تاکید دارد. برای درک بهتر رابطه فرهنگ و معماری، ابتدا باید رابطه فضا و فرهنگ را درک کرد. فضا نیز همچون فرهنگ دارای ساختاری اجتماعی است که در جریان شکل‌دهی به تصور مردم از خودشان ساخته می‌شود. فضا در

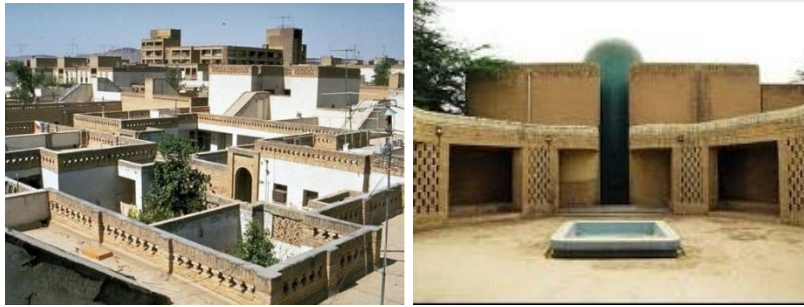
^{۲۶} Ken Yeang

^{۲۷} Cultural Patterns

تقویت و تحول فرهنگی نقش اساسی دارد؛ زیرا الگوهای رفتاری مورد انتظار در داخل فضای خاص، ارزش های فرهنگی خاصی را منعکس می کند. این تعریف، دلالت بر ساخت فضایی ذهنی دارد. تاثیر پذیری از فضای ذهنی، در محدوده فضای عینی و کالبدی قابل درک می شود. به این ترتیب، معماری عامل سازماندهی فضای ذهنی و عینی به صورت در هم پیوسته است. (شایان و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۹) کنکاش در معماری سرزمین های مختلف نیز بر این نکته تاکید دارد که مردم هر سرزمین در ساخت آثار معماری در تلاشند تا با بهره گیری از عناصر مادی بتوانند از ارزش ها و هنجارهای جامعه خود تبعیت کنند. از این طریق نشان ها، نمادهای فرهنگی و کهن الگوهای تاریخی معماری خود را نمایان می سازند. در همین راستا آثار ارزشمندی را می توان نام برد که نه تنها به هویت و سابقه فرهنگی منطقه اشاره دارند بلکه معاصر نیز هستند و به نیازهای روز توجه دارند. از جمله معماران مطرح در این زمینه، نادر اردلان، کامران طباطبایی دیبا، بالکریشنا دوشی و راج روال را می توان نام برد. نادر اردلان با دارا بودن ذهنیت مدرن و با به خدمت گرفتن تکنولوژی جدید، درصدد حفظ سنت ها و ترکیب های گذشته از طریق ترجمان آنها به زبان حال بوده است. (تصویر ۲-۱۴) غیر از آثار نادر اردلان، از دیگر مجموعه های ساخته شده با این گرایش می توان به شهرک شوستر نو به طراحی کامران طباطبایی دیبا و دیگر آثار او اشاره کرد که در فصل سوم به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (تصویر ۲-۱۵)



تصویر ۲-۱۴- نمونه ای از آثار نادر اردلان، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (شایان و دیگران، ۱۳۸۸، ۳۰)



تصویر ۲-۱۵- نمونه هایی از آثار کامران دیبا، مسجد دانشگاه جندی شاپور و شهرک شوشتر نو (منبع: سایت Wikipedia)

۵-۲-۳-۲-تندیس گرایي^{۲۸}

در این گرایش که از دیدگاه سوها اوزکان یکی از زیر مجموعه های رویکرد منطقه گرایی انتزاعی به شمار می رود، بسیاری از اجزاء و موتیف های سبک گذشته توسط معماران مورد تقلید قرار می گیرد. البته در بررسی آثار این معماران باید در نظر داشت که آنها تنها به تقلید مستقیم از معماری گذشته توجه نداشته اند بلکه در جهت احیاء گذشته در قالبی مدرن تلاش کرده اند. تندیس گرایی که به معنی الهام گرفتن از یک یا چند چیز و بیان نمادین آنها به زبان معماری است، در ایران و در دوره پهلوی دوم در آثاری همچون موزه هنرهای معاصر کامران دیبا و یا برج آزادی قابل مشاهده است. (تصویر ۲-۱۶) این معماران با به کار گیری مستقیم عناصر و موتیف هایی از معماری گذشته ایران، مانند بادگیر، گنبد، قوس، نورگیر های سقفی و آجر در کلیتی مدرن این مهم را به انجام رساندند.



تصویر ۲-۱۶- نمونه هایی از آثار تندیس گرایی در ایران، موزه هنرهای معاصر و برج آزادی (منبع: سایت Wikipedia)

۴-۳-۲- نتیجه گیری

منطقه گرایی در عرصه معماری رویکردهای مختلفی داشته به طوری که توجه به مکان، توجه به انسان به عنوان استفاده کننده و توجه به فن آوری را شامل می شود. نتایج مطالعات حاکی از آن است که رویکردهای نوین منطقه گرایی در پی تعدیل اندیشه های افراطی گذشته و تقویت دیدگاه تعاملی و استفاده از مزیت های جهانی می باشد. در این رویکرد، معمار در عین حال که از ویژگی های اقلیمی و فرهنگی و جغرافیایی و الگوهای ساختمان سازی منطقه استفاده می کند، فن آوری روز را هم به کار می گیرد. می توان گفت هدف اصلی رویکردهای مختلف منطقه گرایی، واکنش در برابر مکان زدایی و معنا زدایی سبک بین الملل و همین طور بهره گیری از ویژگی های بومی و محلی و فرهنگی منطقه و پاسخگویی به نیازهای جدید هر جامعه است. به طور کلی از راهبردهای این رویکرد می توان به ایجاد تنوع و جلوگیری از یکسانی محیط، ایجاد حس تعلق، تقویت حس مکان، بازآفرینی الگوهای بومی، مشارکت دادن مردم و جلوگیری از فراموش شدن میراث معماری بومی هر منطقه اشاره کرد. علاوه بر این، در شرایطی که سبک بین الملل معماری را به سمت عملکردی شدن سوق می دهد، این رویکرد کمک می کند که مردم هر منطقه از شناخت قابلیت های محلی، ویژگی های اجتماعی و سنت های جامعه خود غافل نشوند و سعی در حفظ آنها داشته باشند. معماران معاصر در کشورهای در حال توسعه می توانند با شناخت عمیق بستر فرهنگی، کالبدی، جغرافیایی و اجتماعی زمینه مورد طراحی و توجه به شاخصه های ارزشمند در معماری از فن آوری های روز و کارآمد جهان بهره گیری نمایند.

فصل سوم

مطالعات تطبیقی

۱-۱-۳- مقدمه

در این فصل به معرفی دو نمونه مجموعه مسکونی ساخته شده در داخل و خارج از ایران با استفاده از اصول ارایه شده در فصل دوم پرداخته می شود. بخش اول، به شهرک مسکونی شوشتر نو و بخش دوم به مجموعه مسکونی آرانیا اختصاص می یابد. در این دو بخش، گرایش های فکری معماران این دو مجموعه، ایده ها، ویژگی های کلی و الگوهای فضایی به کار رفته در آنها مورد بررسی قرار می گیرند. در بخش سوم به بررسی تطبیقی این دو مجموعه به منظور شناسایی شباهت ها و تفاوت ها در نحوه بهره گیری از اصول و ویژگیهای منطقه ای پرداخته می شود.

۲-۱-۳- شهرک مسکونی شوشتر نو

۱-۲-۱-۳- مقدمه

در نخستین سالهای دهه پنجاه خورشیدی، ایران با افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی و جاه طلبی های سیاسی دولت که منجر به سرمایه گذاری در مقیاس کلان میشد مواجه بود. نتیجه آن انبوه سازی مسکن و ساخت و سازهای جدید شهری بود. به دنبال آن، ساخت مسکن پیش ساخته به عنوان واکنشی در برابر بازار در حال رشد مسکن و کوتاه کردن زمان ساخت و ساز مطرح شد. این شیوه ساخت و ساز که اقتصادی تر و عملی تر به نظر می رسید مورد استقبال سرمایه گذاران قرار گرفت. شرایط به وجود آمده، بر پایه رویکرد مادی و کمی غربی بنا شده بود و با ارزش های فرهنگی- اجتماعی جامعه ایرانی بیگانه بود. از طرفی به علت گسترش صنعت و به دنبال آن نیاز به ایجاد شهرک های مسکونی برای اسکان دادن جمعیتی که به عنوان نیروی کار به شهرها مهاجرت کرده بودند، مجموعه های مسکونی متعددی ساخته شد. شهرک "شوشتر نو" نیز در همین سال ها و به منظور سکونت کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون طراحی و اجرا شد. این شهرک از جهات بسیاری با نمونه های هم زمانش متفاوت بود. طرح این مجموعه، در رابطه با سازماندهی فضایی و اجتماعی نوسهرها، چگونگی استفاده از فن آوری روز و توجه به ارزش ها و الگوهای سنتی منطقه، رویکرد نوینی را ارایه می دهد.

۲-۱-۳- گرایش های نظری و فکری کامران دیبا

کامران دیبا از جمله معماران نام آشنای معاصر ایران است. آثار معماری وی در دوره فعالیت ۱۲ ساله اش در ایران به خوبی نمایانگر دیدگاه متفاوت او در مقایسه با گرایشهای فکری غالب زمان خود است. تاکید دیبا به جنبه های اجتماعی معماری، رعایت تناسبات انسانی، توجه به اصول و الگوهای معماری ایرانی و بهره گیری منطقی و به جا از معماری غربی و فن آوری روز، او را به یکی از معماران مطرح معاصر ایران تبدیل کرده است. دیبا به جای "توسعه مسکن" که فقط نیازهای فیزیکی و مادی ساکنین را بدون در نظر گرفتن زمینه اجتماعی- فرهنگی آنها برآورده و مدل های مسکن غربی را بدون تغییر به مخاطب تحمیل می کند، "توسعه اجتماعی" را پیشنهاد می دهد که چیزی فراتر از ملاحظات فیزیکی است و ابعاد وجودی مردم یک منطقه را در نظر می گیرد. (Shirazi, 2012, 25) کارهای دیبا نمایانگر علاقه خاص وی به وجوه اجتماعی معماری یا به تعبیر خود او "معماری انسانی" است. نمونه بارز آن طراحی شهرک شوشتر نو در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ می باشد. بنا به گفته سوها اوزکان (استقلال و بهادری، ۱۳۹۱، ۳۱)، او به منظور برقراری پیوند میان سنت و مدرنیته "به مطالعه روش سنتی و ارزشهای فرهنگی و میراث معماری شهر شوشتر قدیم پرداخته و سپس با توجه به این ارزشها و روش سنتی زندگی ایرانیان، طرحی مدرن ارائه داده است. او فضاهای غنی درونی و بیرونی به وجود آورده که هم بهره مند از زیبایی و جذابیت معماری تاریخی اند و هم مدرن و معاصر هستند. استفاده وی از گذرگاه های سرپوشیده، حیاط، پشت بام و نماهای آجری، برخوردار از کیفیتی شاعرانه است."

۳-۱-۲-۳- شوشتر نو

شهر جدید شوشتر در زمینی به مساحت ۲۷۰ هکتار و با ظرفیت ۳۱ هزار نفر طراحی شده است. هدف از ساخت شوشتر نو تامین فضاهای مسکونی و کاربری های عمومی مورد نیاز برای کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون بود. مکان ساخت این شهرک به اصرار دیبا از میان صحرا به مجاورت شوشتر منتقل شد تا به نوعی ادامه و گسترش شهر موجود باشد. بنابراین این شهرک بر زمینی بلند و بر کرانه رود شطیط (شاخه ای

از رود کارون) بنا شد. بر کرانه دیگر رود، شهر کهن شوشتر قرار دارد. بررسی ویژگی های این طرح و مطالعه روند شکل گیری آن با توجه به دیدگاه فکری دیبا، ما را در جهت درک چگونگی ایجاد طرحی مدرن با بهره گیری منطقی از الگوهای معماری گذشته یاری می کند. در این بخش برای تحلیل و بررسی دقیق این طرح و به منظور استخراج معیارهای طراحی، از اصولی که محمود توسلی (توسلی، ۱۳۷۶، ۱) ارائه داده استفاده شده است.

۴-۲-۱-۳- معماری سنتی شوشتر قدیم

دیبا ارزش های معماری سنتی و زندگی اجتماعی را به عنوان نقطه حرکت و شروع خود انتخاب کرد و به این ترتیب از معماری سنتی و بومی منطقه که به خوبی در شهرهای سنتی مثل دزفول، شوشتر، یزد و کرمان به تصویر کشیده شده است الهام گرفت (تساویر ۳-۱ و ۳-۲). او ویژگی های اصلی این شهرها را به شرح زیر دسته بندی می کند (Shirazi, 2012, 27):

۱. معماری درونگرا، که داخل را از نور مستقیم خورشید حفظ می کند و یک هسته مرکزی خانوادگی و قابل زیست را ایجاد می کند.

۲. مقیاس انسانی، که از نسبت انسانی ساختمان ها و محدودیت عرض و ارتفاع شبکه های خیابانی نتیجه می شود.

۳. شبکه های خیابانی باریک، که فضا را از نظر سازگاری با محیط زیست به دلیل سایه اندازی قابل قبول می کند.

۴. فضاهای باز جمعی در مقیاس محله که ارتباطات اجتماعی را بیشتر و راحت تر می کند.

۵. ایجاد یک حس مشترک اجتماعی و حس تعلق ناشی از طراحی معابر و تبادلات اجتماعی که در آنها اتفاق می افتد.

تمامی این اصول که به خوبی در محیط سنتی این شهرها منعکس شده، در طراحی شهرک شوشتر نو دوباره بازآفرینی و در ساختار فرمی و اجتماعی این مجموعه به کارگرفته شده است.

۵-۲-۱-۳- اصول سازمان دهی فضاهای شهری

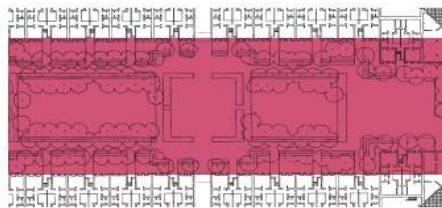
۱-۵-۲-۱-۳- فضای خارجی، فضای داخلی

مفهوم فضای داخلی و فضای خارجی و ارتباط متقابل آنها با یکدیگر، از مباحثی است که نقش مهمی در سازمان دادن فضاهای شهری در شهرهای سنتی ایران داشته است. کامران دیبا از این مفهوم به عنوان یکی از اصول اولیه معماری و شهرسازی قدیم شهرهای ایران یاد می کند. وی معماری بومی ایران را به چادر زن ها تشبیه می کند و می گوید که خانه و چادر (حجاب) با یک دیدگاه واحد طراحی شده اند، پوشیده نگاه داشتن تعلقات فردی، زنان و دارایی. (جولایی، ۱۳۸۵، ۱۷) دیبا با این دیدگاه در مجموعه شوشتر نو و در طرح حیاط ها، باز آفرینی دیگری از الگوهای معماری ایرانی را نشان می دهد. در این طرح تمامی خانه ها دارای حیاط مرکزی هستند تا از تمام مزایای کالبدی و روانی این الگو استفاده کنند. این رویکرد در تمام اجزاء شهری قابل مشاهده است و از واحدهای مسکونی تا ساختمان های اداری و فضاهای عمومی شهری را در بر می گیرد. در واقع دیبا الگوی حیاط مرکزی را به کار می گیرد و از آن در ابعاد و مقیاس متنوع استفاده می کند. در مقیاس کلان، محور اصلی شهر مانند یک حیاط شهری عمل می کند و به عنوان فضایی برای زندگی اجتماعی شهری خدمت رسانی می کند. این حیاط شهری، قلب زندگی اجتماعی شهر است و بخش عمده سبزینگی شهر را نیز شامل می شود. این محور اصلی که دیبا از آن به عنوان ستون فقرات شهر یاد می کند، از ابتدا تا انتهای شهر کشیده شده و نقش متصل کردن تمام اجزای اصلی به یکدیگر را ایفا می کند. (تصویر ۳-۳) از طرف دیگر، طراحی بلوار پیاده رو شرقی- غربی در مرکز شهر که توسط فضاهای عمومی نظیر مدرسه، مسجد، بازار احاطه شده است، به عنوان یک "حیاط اجتماعی" ایفای نقش می کند. (تصویر ۳-۴) در نهایت، در مقیاس خرد، حیاط

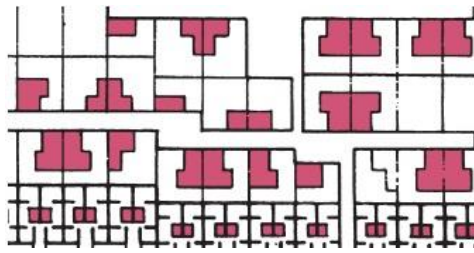
ساختمان های مختلف شکل می گیرد. این ساختمان ها شامل تمام اجزاء شهری می شوند. (تصویر ۳-۵) بنابراین الگوی حیاط بر سه نوع کلی تقسیم بندی می شود: حیاط شهری، حیاط اجتماعی و حیاط شخصی. بهره گیری از این الگو، نه تنها یک ویژگی فرمی را ارائه می دهد بلکه از ویژگی های اجتماعی- فرهنگی زندگی در زمینه سنتی ایران نیز حمایت می کند. علاوه بر این در این مجموعه در می یابیم که اصل پیوستگی و ارتباط فضاهای شهری در مرکز محلات از طریق گذرهای اصلی و هم چنین تبعیت فضاهای شهری از نیازها و فعالیت های مردم از لحاظ اندازه و شکل به خوبی رعایت شده اند. به عنوان مثال می توان به یکی از بخش های اصلی سازمان دهنده در این طرح اشاره کرد. این بخش شامل یک بلوار پیاده رو شرقی- غربی می شود که شامل باغ های فراوان، میدان های سنگفرش شده، استراحت گاه های سرپوشیده، طاق ها، بازارها، پل های پیاده رو، آب نماها، نهرهای آب و استفاده گاه گاهی از کاشی کاری ایرانی می باشد. محله های مسکونی نیز در ارتباط با این گذرگاه به گونه ای طراحی شده اند که حرکت به سوی آن را تقویت کنند. هم چنین در بخش مرکزی این گذرگاه پیاده رو، یک میدان محلی و مرکز خرید در محل تقاطع دسترسی سواره و پیاده طراحی شده است. (دیب، ۱۳۹۲، ۲۱)



تصویر ۳-۳- محور اصلی شوشتر نو (حیاط شهری) (Shirazi, 2012, 34)



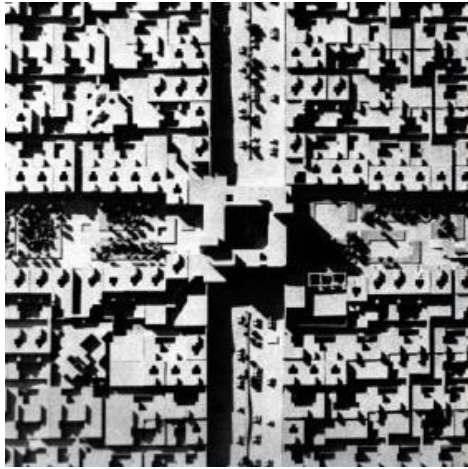
تصویر ۳-۴- گذر پیاده رو شرقی- غربی شوشتر نو (حیاط اجتماعی) (Shirazi, 2012, 34)



تصویر ۳-۵- حیات شخصی ساختمان های شوشتر نو (Shirazi, 2012, 34)

۲-۵-۲-۱-۳- اصل هم پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی

در ساختار شهرهای قدیمی ایران، گونه ای از وحدت و یکپارچگی به چشم می خورد که نتیجه رعایت الگوی حیات مرکزی در تمامی اجزاء شهری و واحدهای مسکونی می باشد. این اجزاء و عناصر شهری نظیر مسجد، بازار، مدرسه و خانه ها به مثابه اجزایی از کل مجموعه، چنان در هم تنیده اند که تفکیک کالبدی و فضایی آن دشوار است. (حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۱۵) بافت شهری شوشتر قدیم نیز همانند بسیاری از شهرهای سنتی ایرانی، متراکم و فشرده است. هر محله، مرکز خودش را دارد که شامل امکانات ضروری شهری مثل میدان، مسجد محله و حمام عمومی می باشد. این محله ها توسط شبکه های معابر باریک که در سرتاسر بافت شهری گسترش پیدا کرده اند به مرکز شهر متصل هستند. با توجه به این ویژگی شهرهای سنتی ایران، پروژه شوشتر نو نیز بر اساس یک توسعه کم ارتفاع، فشرده و متراکم شکل می گیرد و برای اینکه به کل مجموعه هویت شهرهای تاریخی را بدهد، تراکم افقی به جای تراکم عمودی انتخاب می شود. علاوه بر این، الگوی حیات مرکزی در تمام اجزاء شهر اعم از واحدهای مسکونی و مجموعه های شهری قابل دیدن است که در نتیجه آن، هم پیوندی و هماهنگی شکلی کل مجموعه رعایت شده است. (تصویر ۳-۶)



تصویر ۳-۶- قسمتی از مجموعه بخش مرکزی شهر شوشتر نو به مثابه یک کل (Shirazi, 2012, 35)

۳-۵-۲-۱-۳- اصل محصور کردن فضا

"محصوریت" به عنوان نخستین اصل حاکم بر طراحی مکان های شهری، نقش مهمی در ایجاد درک فضایی و برقراری رابطه میان محیط و استفاده کنندگان آن دارد. از جمله عناصری که باعث ایجاد محصوریت در فضاهای شهری می شوند، می توان به سرپوشیده بودن قسمتی از معبر (تصویر ۳-۷)، بدنه های گذرها و کوچه ها (تصویر ۳-۸)، محصور شدن توسط ردیفی از درختان در یک طرف میدان، بدنه های دور میدان (تصویر ۳-۹) و یا ایجاد محصوریت توسط اختلاف سطح اشاره کرد. در شوشتر نو، از عناصر مختلفی برای تعریف فضاهای محصور استفاده شده است که هر کدام به نحوی برگرفته از روش های مختلف ایجاد محصوریت فضایی در شهرهای سنتی ایران می باشد.



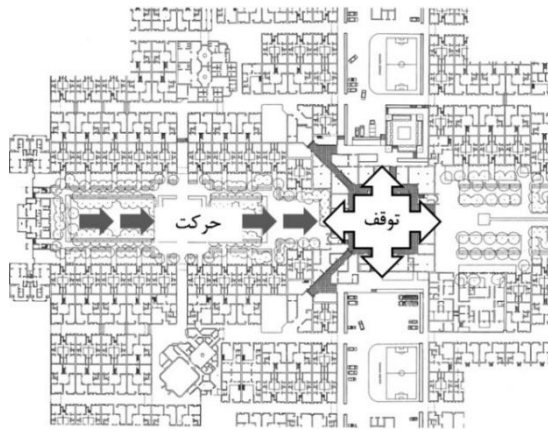
تصویر ۳-۷- محصور شدن فضا با سرپوشیده کردن بخشی از معبر (حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۱۵) تصویر ۳-۸- محصور شدن فضا با استفاده از بدنه کوچه (حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۱۶)



تصویر ۳-۹- محصور کردن فضا با استفاده از بدنه های دور میدان (حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۱۸)

۱-۳-۵-۲-۱-۳- خصوصیت ایستایی و پویایی فضاهای محصور

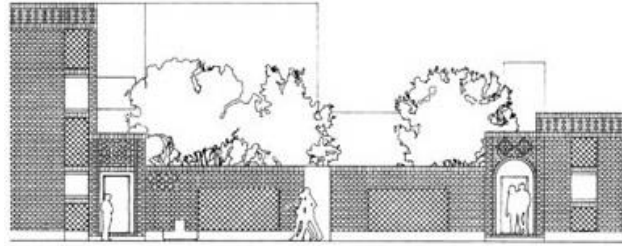
یکی از نکاتی که در رابطه با طراحی فضاهای محصور حائز اهمیت است، چگونگی طراحی فضاهای ایستا و پویا و نحوه ترکیب آنها با یکدیگر است. این ویژگی ها در فضاهای محصور می توانند در قالب کاربری های متعدد و با سازماندهی کالبدی گوناگونی ایفای نقش کنند. همان طور که در تصویر ۳-۱۰ مشاهده می شود، در محل تقاطع دسترسی سواره و پیاده در قسمتی از گذر خطی سبز و پیاده رو، یک میدان محلی و مرکز خرید طراحی شده است. قرار گرفتن این عنصر شهری در مرکز میدان به آن فضا مفهوم مکان توقف می دهد. هم چنین در این طرح، ارتباط و اتصال مسیر سبز پیاده رو به عنوان فضای پویا که حرکت را القا می کند و میدان سرباز که توقف و ایستایی را القا می کند، شایان توجه است.



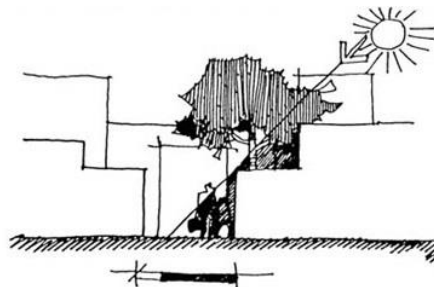
تصویر ۳-۱۰- نمونه ای از ترکیب فضاهای محصور پویا و ایستا در شوستر نو (Shirazi, 2012, 36)

۴-۵-۲-۱-۳- اصل مقیاس و تناسب

وجود فضاهای محصور و تنگ در معماری سنتی ایران، به دلیل مساله محرمیت و اجتناب از اشراف ساختمان ها به یکدیگر و هم چنین به علت مسایل اقلیمی و نیاز به سایه اندازی بیشتر در اکثر شهرهای آن، به طور چشم گیری قابل ملاحظه است. در همین راستا طرح این شهرک نیز از الگوی معماری سنتی ایران تبعیت می کند و فرم خودش را با توجه به محدودیت ها و شرایط اقلیمی منطقه، فن آوری محلی قابل استفاده و فرهنگ و آداب و رسوم منطقه شکل می دهد. کامران دیبا در طراحی ساختمان های این مجموعه، تراکم افقی را به جای تراکم عمودی انتخاب می کند و به همین دلیل آپارتمان های چند طبقه در این شهر جایی ندارند و بیش از نود درصد خانه ها یک یا دو طبقه اند. (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۰) علاوه بر این به نظر می رسد دیبا در طراحی گذرهای این مجموعه، نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضای خطی گذرها را طوری در نظر گرفته (۱:۱ تا ۱:۲) تا علاوه بر ایجاد امکان سایه اندازی بیشتر در معبر و کاهش انتقال گرما از طریق گذرها به ساختمان ها و رعایت تناسبات کلی بناها، به مقیاس و تناسبات انسانی نیز پاسخی شایسته بدهد. هم چنین این نسبت، حس حرکت و پویایی را در فضای گذرها به عابرین پیاده القا می کند. استفاده از عقب رفتگی ها و طاق نماهایی که به منظور سایه اندازی و کاهش ارتفاع سردر ورودی خانه ها ایجاد شده اند نیز در جهت رعایت همین اصل و برقراری مقیاس انسانی فضای ورودی خانه ها می باشند. (تصاویر شماره ۳-۱۱ و ۳-۱۲)



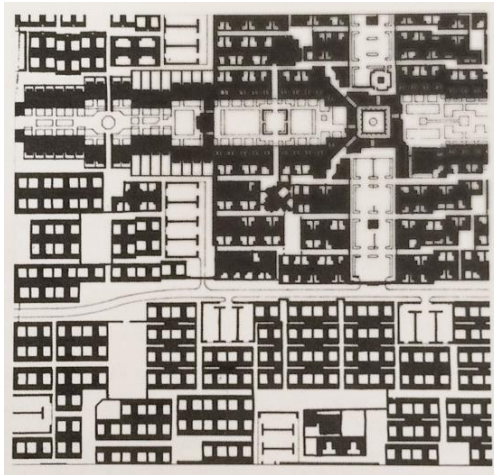
تصویر ۳-۱۱- نمای داخلی یکی از خیابان های شوشتر نو (Diba, 1986, 161)



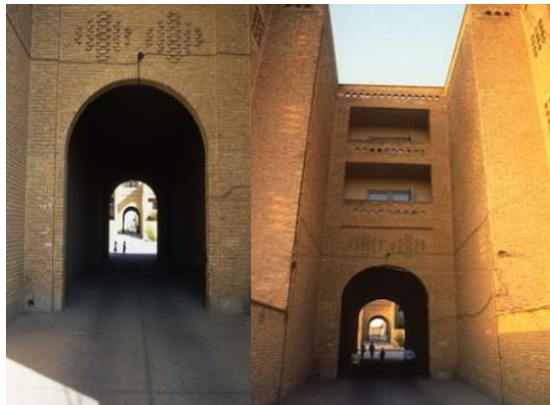
تصویر ۳-۱۲- یکی از گذر های شوشتر نو، با نسبت ۱ به ۱/۵، فضایی با مقیاس انسانی (Diba, 1986, 10)

۵-۵-۲-۱-۳- اصل فضاهای متباین

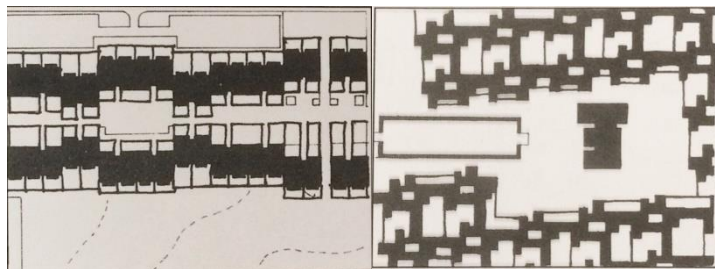
توجه به رعایت این اصل و تلاش برای ایجاد تنوع فضایی در بخش های مختلف این شهرک به وضوح قابل مشاهده است. به عنوان مثال، دیبا در طرح بلوار پیاده رو اصلی شهر، ترکیب جالب و پیوسته ای از فضاهای متباین را توسط ردیفی از فضاها نظیر راسته بازار، میدان های سنگفرش شده، بازار مرکزی مجموعه و گذر سبز خطی ایجاد می کند. (تصویر ۳-۱۳) قسمت های سرباز و سربسته گذرهای پیاده رو این مجموعه نیز در تعریف فضاهای متباین این شهرک، نقش مهمی ایفا می کنند. (تصویر ۳-۱۴) این خصوصیت، علاوه بر محور اصلی پیاده رو شهرک، در محلات مسکونی نیز به صورت ترکیبی از میدانچه ها و گذر های فرعی به چشم می خورد. (تصویر ۳-۱۵) تصویر ۳-۱۶ یک نمونه از گذرهای پیاده رو مجموعه را نشان می دهد که از یک فضای خطی کاملاً محصور و تنگ، به یک فضای باز و پهن منتهی می شود و احساس مجذوب کننده ای از یک تباین فضایی را در ناظر ایجاد می کند.



تصویر ۳-۱۳- اتصال چند فضای متباین در بلوار اصلی پیاده رو شوشتر نو (Diba, 1986, 11)



تصویر ۳-۱۴- نمونه ای از گذرهای پیاده رو شوشتر نو (حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۱۰)



تصویر ۳-۱۵- نمونه هایی از فضاهای متباین در مجموعه شوشتر نو (دبیا، ۱۳۹۲، ۳۲)



تصویر ۳-۱۶- نحوه دسترسی محور اصلی شهر به یک واحد همسایگی (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۳)

۳-۱-۲-۵-۶- اصل قلمرو فضایی

دیبا با الهام از الگوهای فضایی و شیوه های سازماندهی شهرهای سنتی ایران، خیابان های بن بست را ایجاد کرده تا حریم خصوصی ساکنان را حفظ کند. به این ترتیب معابر این شهرک، با مناظر و عرض های متفاوت شکل گرفته اند و تعدادی از آنها نیز بن بست هستند تا فضاهایی را جهت جمع شدن و یا بازی بچه ها ایجاد کنند. در ادامه به شناسایی سلسله مراتب قلمروهای فضایی موجود در فضاهای شهرک شوشتر نو و بررسی چگونگی شکل گیری آنها پرداخته می شود.

۳-۱-۲-۵-۶-۱- قلمرو یک واحد همسایگی

محلّه در شهرهای قدیم ایران برای تامین کارکرد اصلی خود یعنی ساماندهی محل سکونت از مراتب و گوناگونی خاصی برخوردار بود. این محلّه ها در سلسله مراتب اجتماعی شامل شهر، محلّه، واحد همسایگی و در نهایت خانه مسکونی جای می گیرند. محلّه ها خود از واحدهای همسایگی مختلف تشکیل شده و واحد همسایگی نیز در به وجود آمدن و شکل دادن به خانه های اطراف خود به طور معمول به شکل های مختلفی مانند دربند، کوچه، بن بست و هشتی در می آیند. (هاشم زاده همایونی، ۱۳۷۴، ۱۷) عناصر متعددی در طراحی و تقویت قلمرو فضایی موثر هستند که نحوه بهره گیری از آنها با توجه به نیاز هر فضا حایز اهمیت می باشد. به عنوان مثال، تصویر ۳-۱۶ نحوه دسترسی محور اصلی این شهرک به یک واحد محلّه ای مسکونی که با اختلاف سطح

و افزایش درجه محصوریت، فضای نیمه خصوصی محله را به فضای عمومی شهر مرتبط می کند نشان می دهد.

۲-۶-۵-۲-۱-۳- قلمرو چند واحد مسکونی

با رعایت اصل قلمرو فضایی برای چند واحد مسکونی، ساکنین در عین حال که می توانند قلمرو خصوصی خود را حفظ کنند، در فضای نیمه خصوصی خود نیز گرد هم می آیند. به همین منظور، در شوشتر نو قلمرو چند واحد مسکونی به صورت بن بست هایی که مختص حرکت عابر پیاده می باشند تعریف شده است. این بن بست ها فضای نیمه خصوصی چند واحد مسکونی را از فضای عمومی گذر جدا می کند و به ساکنین آن خانه ها احساس تملک و هویت می بخشد. (تصاویر ۳-۱۸ تا ۳-۲۰)



تصویر ۳-۱۸- استفاده از عناصر بصری (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۲) تصویر ۳-۱۹- استفاده از پل (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۲)



تصویر ۳-۲۰- ایجاد اختلاف سطح (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۲)

۳-۶-۵-۲-۱-۳- قلمرو یک واحد مسکونی

در شوشتر نو، ورودی خانه با عمق مناسبی عقب می نشیند و با فضای مسکونی ارتباط دارد. به این ترتیب از ارتباط ناگهانی فضای خصوصی ساکنین با فضای عمومی جلوگیری می شود و به این ترتیب قلمرو هر یک از واحد های مسکونی تعریف می گردد. (تصویر ۳-۲۱)

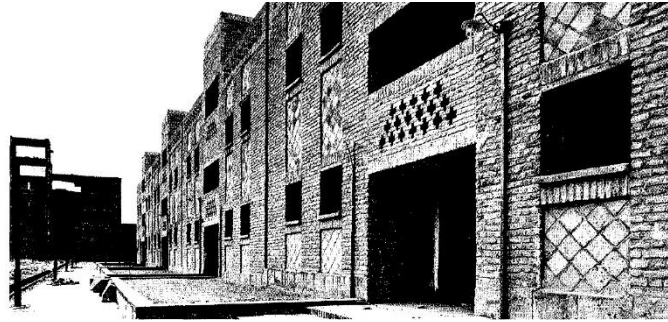


تصویر ۳-۲۱- ورودی خانه های مسکونی در شوشتر نو (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۵)

۳-۷-۵-۲-۱-۳- اصل ترکیب (کمپوزیسیون)

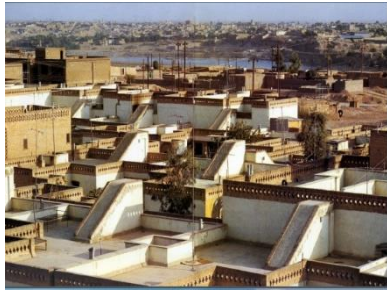
در شهرسازی معاصر به دلیل عدم ارتباط ساختمان های مجاور با یکدیگر، بدنه های محصور کننده فضاها دچار نا همگونی و آشفتگی شده اند. کامران دیبا برای مقابله با این معضل، در طراحی محله های این شهرک، به دنبال ایجاد پیوستگی میان ساختمان ها و محله های مسکونی بود. به این ترتیب، این محله ها بیش از آن که ترکیبی از واحدهای گسسته باشند، به یک ساختمان واحد شباهت دارند. (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۵) در این شهرک می توان به نمای تعدادی از ساختمان های تجاری و اقامتی مشرف به گذر اصلی شهر اشاره کرد که با استفاده مناسب از آجر در دیوارها و جان پناه ها، ترکیبی هماهنگ با محیط و منطقه را به تصویر می کشند. (تصویر

(۳-۲۲)



تصویر ۳-۲۲- یکی از نماهای مشرف به گذر اصلی، شوشتر نو (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۵)

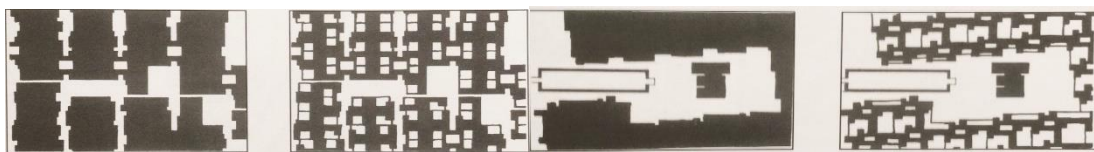
در شهرهای قدیم ایران، ویژگی وحدت بخش میان بناها و عناصر محصور کننده میدان، توسط ایجاد ردیفی از طاق نماها که دور تا دور میدان می گردند حاصل می شود. کامران دیبا از این خاصیت در طرح شوشتر نو الهام گرفته و این اصل را در طراحی بدنه میدان مرکز خرید شهر به کار برده است. (تصویر ۳-۲۳) یکی دیگر از عواملی که باعث تقویت هماهنگی شکلی و کالبدی ساختمان های این مجموعه شده است، بام های ساختمان ها هستند. دیبا همواره تحت تاثیر بام های ساختمان های شهرهای سنتی ایران بوده است، چرا که در معماری بومی ما، بام چیزی فراتر از یک سقف است و استفاده از این فضا به عنوان یک اتاق خواب باز برای شب های گرم تابستان در شهرهایی مثل یزد و کاشان عمل می کرده است. اما نکته ای که حایز اهمیت است، نحوه بازآفرینی این فضا هم به لحاظ کالبدی و هم به لحاظ عملکردی می باشد که در بام ساختمان های این شهرک به خوبی قابل مشاهده است. (تصویر ۳-۲۴) استفاده مجدد از این رویکرد در شوشتر نو باعث شده تا بام ها برای ساکنین قابل استفاده باشند. جان پناه بام ها نیز علاوه بر تامین امنیت وسایه اندازی، با الگوی خاص مشبک خود، امکان تبادل جریان هوا و نیز هماهنگی کالبدی مجموعه را فراهم می کنند.



تصویر ۳-۲۳- بدنه میدان مرکزی شوشتر نو (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۵) تصویر ۳-۲۴- بام شوشتر نو (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۵)

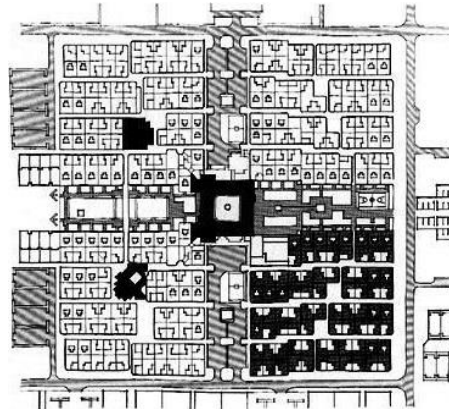
۸-۵-۲-۱-۳- آگاهی از فضا

یکی از مشخصه های معماری دیبا که در این مجموعه به خوبی دیده می شود، بهره گیری از اصول سازماندهی فضایی در معماری سنتی ایران است. تاکید او بر فضا و نقش آن در سازماندهی کالبدی کل مجموعه و چگونگی قرارگیری توده ها در ترکیب با آن، از مهم ترین این موارد است. با مشخص کردن فضاهای ایجاد شده بین توده های ساختمانی در این شهرک، متوجه نقش پررنگ فضاهای باز شهری در آن میشویم. این فضاها در ترکیب با حجم ساختمان ها توانسته اند به اصول اساسی طراحی شهری نظیر تناسب، تباین، قلمرو و محصوریت به گونه ای مناسب پاسخگو باشند. (تصویر ۳-۲۵)



تصویر ۳-۲۵- ترکیب توده و فضا در بخش های مختلف شوشتر نو (دیبا، ۱۳۹۲، ۳۲)

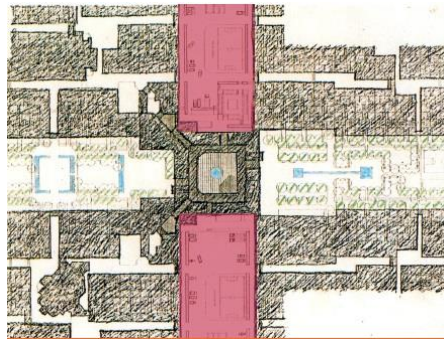
میدان اصلی این شهرک نیز از این مسأله مستثنی نبوده است. این میدان به گونه ای طراحی شده که یک فضای درون گرا به نظر می رسد. به طوری که ابتدا فضای خالی مرکزی به همراه دسترسی های منتهی به آن طراحی شده اند و سپس ساختمان ها در اطراف آن به گونه ای چیده شده اند تا بدنه منسجم و پیوسته ای به وجود آید. (افشار نادری، ۱۳۷۹، ۲۴) (تصویر ۳-۲۶)



تصویر ۳-۲۶- ترکیب توده و فضا در میدان مرکزی شوشتر نو (افشار نادری، ۱۳۷۹، ۲۴)

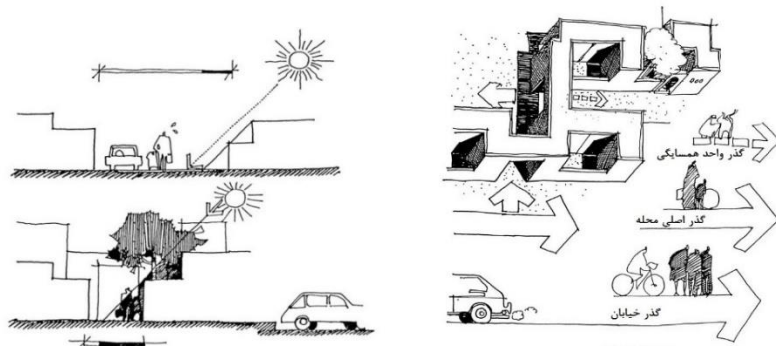
۹-۵-۲-۱-۳- نظام دسترسی

الگوی شهر جدید شوشتر و محورهای آن، با الگوبرداری از شهرهای سنتی ایران بر اساس طرح کهن صلیب با میدانی در محل تقاطع بازوها و باغ راه های سبز در چهار جهت اصلی عالم به وجود آمده اند. (استقلال و بهادری، ۱۳۵۷، ۳۱) از نظر دیبا، رفت و آمد کنترل نشده وسایل نقلیه، به عنوان یکی از مهم ترین عواملی مطرح می شود که در تضاد شدید با بافت سنتی شهرهای ایران است. به این ترتیب، وی طرح جامع شهر را با توجه به این دیدگاه و بر اساس یک مجموعه بدون خودرو، طراحی و برنامه ریزی کرد. از نظر او، توجه به این مسأله در راستای تقویت حریم خصوصی خانه ها و فعالیت های ساکنان هر محله موثر می باشد. در طرح این شهرک، فضاهای پارکینگ در نقاط خاصی از پروژه جانمایی شده اند و حرکت اتومبیل به داخل مجموعه و زندگی جاری در آن میسر نمی باشد. (تصویر ۳-۲۸) از طرفی، جداسازی مسیر حرکت اتومبیل از گذر پیاده، باعث می شود تا فضای گذرگاه به لحاظ اقلیمی و عملکردی نیز کارایی بهتری داشته باشد.



تصویر ۳-۲۸- جانمایی فضاهای پارکینگ در نقاط خاصی از شهرک (Shirazi, 2012, 40)

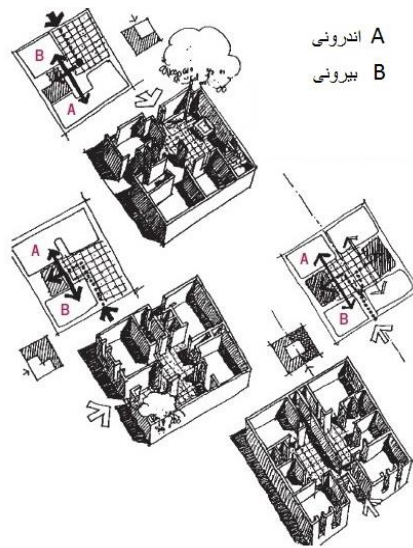
نکته دیگری که در طراحی دسترسی ها رعایت شده به کارگیری نظام سلسله مراتبی است. (تصویر ۳-۲۹) گذر اصلی محله که جدا کننده آن از فضاهای عمومی شهر است، امکان دسترسی به سایر محلات و ارتباط محله به خدمات و فضاهای شهری را میسر می کند. از طرفی در برخورد با مرکز محله، تبدیل به فضایی جهت تبادلات اجتماعی و گذراندن اوقات فراغت ساکنان می شود. پس از گذر اصلی محله، گذرهایی که به تعداد محدودی از خانه ها دسترسی می دهند قرار دارند. این گذرها چنان طراحی شده اند که گویی ادامه فضای درون خانه اند. هدف از طراحی این گذرهای همسایگی، ایجاد یک مجموعه کالبدی- اجتماعی بوده که ساکنان را به سوی تعامل همگانی، با هم بودن و پیوندهای اجتماعی هدایت کند. بنابراین در شوشتر نو، یک مسیر تنها یک راه ارتباطی صرف نیست، بلکه تبدیل به یک رویداد اجتماعی شده است که زندگی اجتماعی ساکنین مجموعه را نیز تقویت می کند. (رضایی، ۱۳۹۱، ۳۴)



تصویر ۳-۲۹- سطوح مختلف دسترسی و تفکیک دسترسی سواره از پیاده در شوشتر نو (Diba, 1986, 11)

۶-۲-۱-۳- ترکیب واحد های مسکونی

شهرهای سنتی ایران با محله هایی شناخته می شوند که از قرارگیری چند واحد همسایگی در کنار یکدیگر به وجود آمده اند. این واحدها خود از مجموع چندین واحد مسکونی که دارای یک فضای نیمه عمومی مستقل هستند، تشکیل شده اند. این ایده که باعث ایجاد فضاهای همسایگی مشترک می شود در شوشتر نو به کار گرفته شده است. در طراحی این خانه ها، حوزه خصوصی خانه (اندرونی) از حوزه عمومی آن (بیرونی) جدا شده است. (تصویر ۳-۳۱) ارتباط این دو حوزه، از طریق حیاط امکان پذیر می گردد. در طراحی خانه ها از الگوهای آپارتمان نشینی (تقسیم بندی فضاها بر اساس عملکرد مانند اتاق خواب، اتاق ناهارخوری و ...) پرهیز شده و تمرکز روی حفظ الگوی سنتی اتاق به عنوان فضایی منعطف و چند منظوره بوده است. موضوع انعطاف پذیری به دو صورت در خانه های این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است. اتاق ها در این خانه ها به عنوان یک فضای داخلی منعطف عمل می کنند و دارای "مبلمان نرم" هستند که نشات گرفته از سبک زندگی روستایی و خانه های سنتی است. به این ترتیب یک اتاق می تواند در طول روز و یا در طول فصول مختلف با تغییر مبلمان به منظوره های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد. ابعاد بیشتر این اتاق ها ۵*۵ بوده و کوچکترین آنها ۳*۴ یا ۴*۴ است. گونه ای دیگر از انعطاف پذیری در مقیاس "خانه" به کار رفته است. خانه ها به گونه ای طراحی شده اند که در صورت بهبود اوضاع اقتصادی خانواده ها و یا نیاز به فضایی بزرگتر، امکان برداشتن دیوارهای حائل بین واحدها و ادغام در یکدیگر را داشته باشند. (دیبیا، ۱۳۹۲، ۴۲) (تصویر ۳-۳۲)



تصویر ۳-۳۱- تیپولوژی خانه های مسکونی، شوشتر نو (Diba, 1986, 16)

۷-۲-۱-۳- نتیجه گیری

مطالعه این مجموعه نشان می دهد که دیبا سعی داشته تا گامی فراتر از روش های خانه سازی مرسوم آن زمان بردارد و چشم انداز جدیدی از معماری مسکونی ارائه دهد. برای تحقق این امر، او بیشتر از اصول سازماندهی و گونه شناسی معماری ایرانی استفاده می کند تا عناصر و تزئینات. تاکید بر محورها یکی از این موارد است. در واقع با بررسی این طرح و اصولی که در آن به کار رفته، در می یابیم که دیبا چگونه در فرآیند طراحی این مجموعه از ویژگی های کالبدی و اصول شکل دهنده شهرهای قدیمی ایران، به خصوص شوشتر و دزفول، الهام گرفته و آنها را به بهترین شکل ممکن بازآفرینی کرده است.

۳-۲- مجموعه مسکونی آرانیا

۳-۲-۱- مقدمه

در میان تنوع گرایش های فکری معماری معاصر، بازگشت به خویشتن، احیاء ارزش های پایدار سنتی، توجه به بستر و زمینه تاریخی و تمرکز بر برقراری مجدد رابطه میان انسان و زمینه اهمیت ویژه ای یافته است. توجه به این مسأله، به خصوص در کشورهای جهان سوم به علت کم رنگ شدن تدریجی ارزش های فرهنگی و معماری گذشته آنها ضرورت بیشتری می یابد. مطالعه معماری معاصر کشور هند به دلیل برخورداری از تمدن باستانی و ریشه های فرهنگی مشترک با ایران از جهات بسیاری ارزشمند است. در تاریخ هند، رابطه میان انسان و زمینه از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بوده است؛ اما این رابطه دستخوش دگرگونی هایی شده، به طوری که در جامعه هند معاصر، ارزش های اسطوره ای و متافیزیکی رفته رفته کمرنگ شده و جای خود را به ارزش های اقتصادی داده اند. با این حال، نمی توان توجه به بستر و زمینه را به عنوان یک ارزش ثابت که ریشه در اعتقادات کهن آیین هندو دارد نادیده گرفت. (نور محمدی، ۱۳۸۷، ۷۶)

در میان معماران معاصر هند در عصر پس از استعمار و دوران استقلال که در مقابله با مدرنیزاسیون و سبک بین الملل قرار گرفته بودند، برخی از آنها درصدد احیاء ارزش ها و اسطوره های کهن هند و تأثیر آنها بر معماری معاصر برآمدند. از جمله این معماران می توان به بالکریشنا دوشی، چارلز کریا و راج روال اشاره کرد. در این بخش برای درک بهتر روش این معماران در برخورد با مسئله چگونگی تلفیق معماری معاصر هند با الگوهای سنتی این منطقه، ابتدا گرایش های نظری و فکری بالکریشنا دوشی بررسی و سپس یکی از آثار وی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۲-۲-۳- گرایش های نظری و فکری بالکریشنا دوشی

بالکریشنا دوشی^{۲۹} نامی معتبر و آشنا در معماری معاصر هند است و در سطح بین المللی آثار معماری او در زمره کار معمارانی قرار می گیرد که در راستای مباحثی چون سنت و مدرنیته فعالیت کرده اند. دعوت لوکوربوزیه به هند به منظور طراحی شهر شاندیگار باعث شد تا رویکرد و آثار او تاثیر عمیقی بر نسل جوان معماران هندی بگذارد. دوشی به همراه معماران هم نسل خود، چارلز کریا، آنانت راج، راج روال و نیز معاصرانش چون راجیند سابیکی^{۳۰}، اوتام جین و ستیش گروو^{۳۱}، گروه حرفه ای را تشکیل دادند که پس از تحصیل یا کار حرفه ای در خارج از هندوستان، به کشور بازگشتند و با نگرش انتقادی، تلاش در جهت ادغام مدرنیزاسیون هند و سنت های هندی را در پیش گرفتند. (نور محمدی، ۱۳۸۷، ۸۰) ساختمان های طراحی شده توسط او، نمایانگر تلاش برای یافتن یک معماری مدرن منطبق با شرایط هند است. شیوه طراحی بالکریشنا دوشی بر اساس معماری زیست محیطی است و سعی دارد معماری مدرن را با معماری سنتی، از طریق بازآفرینی معماری بومی هند بر اساس الگوهای مدرن آشتی دهد. مقیاس انسانی و سعی در خلق فضاهای اجتماعی برای تعامل فرهنگی هر چه بیشتر انسان ها از ویژگی های دیگر کارهای او است. (سفلی، ۱۳۸۶، ۶۲)

۳-۲-۳- مجموعه مسکونی آرانیا^{۳۲}

در سال ۱۹۸۳ مسئولیت طراحی مجموعه مسکونی آرانیا به بنیاد معماری بالکریشنا دوشی سپرده شد، با این هدف که از نظر کیفی، عملکردی و اقتصادی به ایجاد یک شهرک در آرانیا منجر شود. در آن زمان، تلاش های دولت هند مبنی بر انبوه سازی مسکن برای گروه های کم درآمد از طریق ایجاد واحدهای پیش ساخته، از چند جهت مناسب به نظر نمی رسید. اول آن که، ساخت یک واحد مسکونی کامل زمان بر بود. از طرفی هزینه تمام شده واحدهای مسکونی برای استفاده کنندگان کم درآمد آنها بسیار بالا و از توان مالی آنها خارج بود. و در

^{۲۹} Balkrishna Doshi

^{۳۰} Ranjit Sabikhi

^{۳۱} Satish Grover

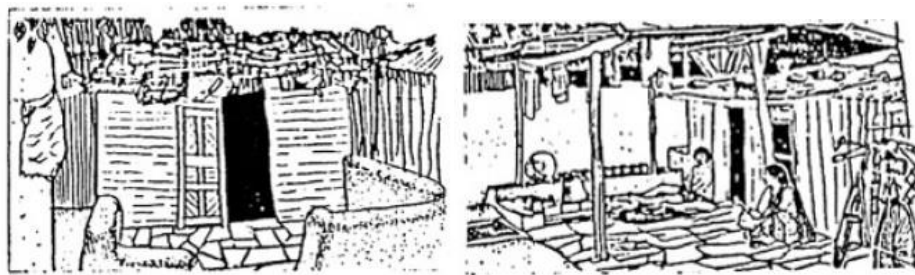
^{۳۲} Aranya Community Housing, Indore, India

آخر به دلیل محدودیت منابع، واحدهای کمی ساخته می شد که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای جامعه نبود. در نتیجه مقامات دولتی متوسل به دو روش جدید خانه سازی شدند؛ بهبود و ارتقاء مناطق زاغه نشین و ارایه زمین های خدماتی^{۳۳} برای توسعه مسکن جدید. شهر "ايندور" نیز به عنوان یک مرکز تجاری با بحران کمبود مسکن و مشکلات ناشی از آن، زیرساخت نامناسب و توزیع ناهمگون گروه های مختلف اجتماعی درآمدی مواجه بود. به این ترتیب، شهرک مسکونی آرانیا به مساحت ۸۵ هکتار، در نزدیکی شهر ایندور، همراه با امکانات خدماتی و برای اسکان ۶۵۰۰ نفر از گروه های کم درآمد جامعه ساخته شد. این مجموعه، راه حلی را برای طراحی مسکن برای قشر کم درآمد با رجوع به ارزش های تاریخی در مقیاس کلان محسوب می شود. (Doshi, 1989, 3)

۱-۳-۲-۳- معماری بومی

بافت سنتی در این شهر نشان می دهد که مردم فقیر چگونه برای خود با وجود کمبود منابع، خانه سازی می کنند. خانه ها در این شهرک، تنها جایی برای زندگی نیستند بلکه به عنوان فضایی جهت کار و تولید محصولات مختلف نیز به کار می روند. با وجود اینکه این مناطق، برنامه ریزی نشده و شلوغ هستند اما دارای ویژگیها و زبان معماری خاصی می باشند. در فضاها و عملکردهای موجود در مجموعه های مسکونی این مناطق، انعطاف پذیری و تنوع به وضوح مشاهده می شود. سلسله مراتب فضایی در خانه با ایوان، ورودی، حیاط، فضاها مجاور حیاط و فضاها درونی شکل می گیرد. در ساختار فضایی این خانه ها، نمونه هایی از بسط فضایی که به صورت فضایی نیمه باز در مقابل واحد مسکونی شکل می گیرد، قابل مشاهده است. از این فضاها جهت انجام فعالیت های مختلف به خصوص تولید صنایع دستی محلی ساکنین استفاده می شود. (تصویر ۳-۳۴)

^{۳۳} Serviced Sites



تصویر ۳-۳۴- نمونه ای از بسط فضایی خانه های مسکونی در بافت سنتی شهر های هند (Doshi, 1989, 5)

در این شهرک ها گروهی از کلبه ها که به شکل محله هایی کوچک گرد هم آمده اند و مغازه هایی که در منطقه ای متراکم شکل گرفته اند مشاهده می شود. هر کجا که ممکن بوده درختی کاشته شده و فضای جمعی کوچکی را پدید آورده است. خیابان ها تنها برای عبور و مرور نیستند بلکه در آنها فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متنوعی اتفاق می افتاد. در نتیجه کیفیت زندگی اجتماعی افزایش می یابد. حضور مغازه های کوچک نیز به عنوان یک وسیله امرار معاش، حس پویایی را در مردم محله برمی انگیزد. مشکل حل نشده اصلی، خدمات آب و برق و زیر ساخت های ناکافی است که روی یک محیط سالم و جامعه خوب تاثیر می گذارد. (Doshi, 1989, 2)

۲-۳-۲-۳- تحلیل مجموعه مسکونی آرانیا

به منظور تحلیل دقیق این طرح، می بایست شهرک آرانیا را در سطوح مختلفی شامل محله، منطقه مسکونی، منطقه کار، معابر، محوطه سازی و فضاهای عمومی مورد ارزیابی قرار داد.

در طرح آرانیا، سه محور یا هدف اصلی را می توان بازشناخت (Doshi, 1989, 4):

۱. ایجاد شهرکی که در آن تداوم ارزش های اساسی مانند امنیت و حس تعلق وجود داشته باشد و طراحی یک محیط زندگی مطلوب.

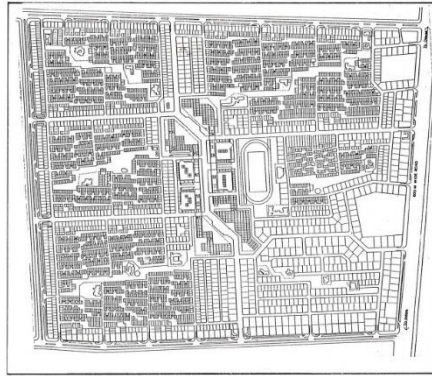
۲. دستیابی به یک شهرک یا زیست گاه خاص (دارای شخصیت خاص) به وسیله برقراری تعامل میان محیط ساخته شده و مردم.

۳. ایجاد یک جامعه متعادل با گروه های اجتماعی - اقتصادی مختلف، تشویق به همکاری، برادری، بردباری و کمک به هم نوع از طریق فرآیند برنامه ریزی فیزیکی

۳-۳-۲-۳-۳- اصول سازمان دهی فضاهای شهری

۳-۳-۲-۳-۳-۱- فضای خارجی، فضای داخلی

طرح جامع شهرک، بر افزایش کیفیت فضایی توسط ایجاد فضاهایی مرتبط با بافت فرهنگی، حفظ سلسله مراتب خیابان، فضاهای باز و فضاهای تجاری و ایجاد یک فضای مرکزی برای خدمات اجتماعی و امکانات رفاهی تاکید دارد. در مقیاس کلان، هدف ایجاد یک ستون فقرات مرکزی همراه با یک حوزه داد و ستد در مرکز بود که باعث تشکیل ۶ بخش یا محله همگرا می شود. این حوزه داد و ستد مرکزی، شاخک های خودش را از طریق فضاهای باز و سبز به داخل بخش های شهر فرستاده است و دارای کاربری تجاری- اداری می باشد. (تصویر ۳-۳۵) مرکز شهر در قسمت میانی محور اصلی شامل ۴ گروه از مجتمع های تجاری، مسکونی و اداری می باشد و در انتهای این محور نیز، دو گروه ساختمان با کاربری های اجتماعی قرار گرفته اند. به طور کلی محور اصلی این شهرک یکی از خصوصیات بسیار مهم آن می باشد. این محور به همراه عناصر و اجزاء و مراکز اجتماعی دیگری که در اطراف آن شکل گرفته، با تقسیم شهر به شش بخش مجزا ساختار آن را تشکیل می دهند. در واقع سازمان کالبدی این شهرک نشان می دهد که اصل پیوستگی فضایی در طراحی آن رعایت شده است به نحوی که مرکز شهر و مراکز محلات شش گانه، از طریق رشته ای از گذرهای اصلی به یکدیگر پیوند می یابند.

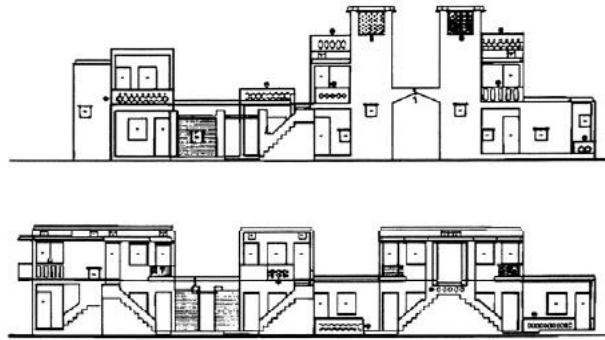


تصویر ۳-۳۵- طرح جامع شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 72)

۲-۳-۲-۳- اصل هم پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی

در طرح های ارایه شده توسط بنیاد معماری دوشی، به دلیل طراحی نقشه های انعطاف پذیر، امکان انطباق با نیازها و سلیقه شخصی استفاده کنندگان وجود دارد. بنابراین این خانه ها می توانند با تغییر نیازهای کاربران سازگار گردند. مشارکت مردم در فرآیند ساخت نیز، امکان انطباق مسکن با نیازهای آنها را افزایش می دهد و در نتیجه رضایت عمومی از مسکن را بالا می برد. این تنوع در انتخاب نقشه ها و فرم های مسکن در عین حال که ترکیبی هماهنگ در میان واحدهای مسکونی برقرار می کند، باعث ایجاد تنوع فضایی در بدنه های محصور کننده شهری می شود. نماهای پیشنهادی به خوبی نمایانگر این هماهنگی و پیوستگی فضایی در بدنه های شهری می باشند. (تصویر ۳-۳۶)

هم چنین جهت اصلی تقریباً یکسان خانه ها که در پاسخ به مسأله تابش شکل گرفته است، نقش مهمی در ایجاد هماهنگی میان اجزاء و عناصر شهری ایفا کرده است. اما از آنجا که دست صاحبان زمین ها در انتخاب مواد و مصالح و استفاده از عناصر مختلف برای طراحی نمای خانه ها باز بوده، این هماهنگی شکلی در جداره های شهر نسبتاً کم رنگ شده است. (تصویر ۳-۳۷)



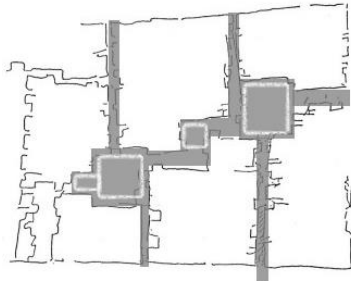
تصویر ۳-۳۶- بخشی از نمای طراحی شده برای مدل های نمونه مسکن (Doshi, 1989, 7)



تصویر ۳-۳۷- نمونه ای از ناهماهنگی در طراحی ناشی از سلیقه شخصی استفاده کنندگان در ساختمان های شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 15)

۳-۳-۲-۳- اصل محصور کردن فضا

نماهایی که توسط دوشی برای ساختمان های این شهر طراحی شده، به خوبی نمایانگر پیوستگی فضایی بدنه محصور کننده گذرها و فضاهای محصور شهری می باشد. هم چنین در طراحی گذرهای این مجموعه، درجات مختلفی از محصوریت که به وسیله اشکال مختلف دسترسی به فضاهای باز شهری ایجاد شده، مشاهده می گردد. با توجه به تصویر ۳-۳۹ بیشترین درجه محصوریت مربوط به میدان سوم محله می باشد که بن بست است و فضایی را جهت بازی بچه ها و فعالیت های اجتماعی فراهم می کند. تصاویر ۳-۴۰ و ۳-۴۱ نیز نشان دهنده شیوه های مختلف محصوریت فضایی در محلات مسکونی آرانیا می باشند.



تصویر ۳-۳۹- نمایش درجه های مختلف محصوریت در یکی از گذرهای محله های شش گانه



تصویر ۳-۴۰- محصور شدن فضا با استفاده از بدنه کوچه ها تصویر ۳-۴۱- محصور شدن فضا با سرپوشیده شدن بخشی از معبر

۱-۳-۳-۲-۳- خصوصیت ایستایی و پویایی فضاهای محصور

در شهرک آرانیا نمونه ای از فضاهای ایستا و پویا را میتوان مشاهده کرد. مهمترین عنصری که نقش اساسی در سازماندهی شهر دارد و حس حرکت را القا می کند، محور اصلی این شهرک است که از شمال تا جنوب آن کشیده شده است. وجود دو میدانچه در مسیر این محور اصلی که با کاربریهای عمومی احاطه شده است را میتوان به عنوان فضاهای ایستا در این مجموعه به شمار آورد. میدان بازی موجود در نزدیکی این محور را نیز میتوان به عنوان مهمترین فضای ایستا در این شهرک دانست. (تصویر ۳-۴۲) در محله های مسکونی این شهرک نیز وجود میدانچه هایی در مسیر گذر فرعی محلات، به عنوان فضاهای ایستا قابل شناسایی هستند.

(تصویر ۳-۴۳)



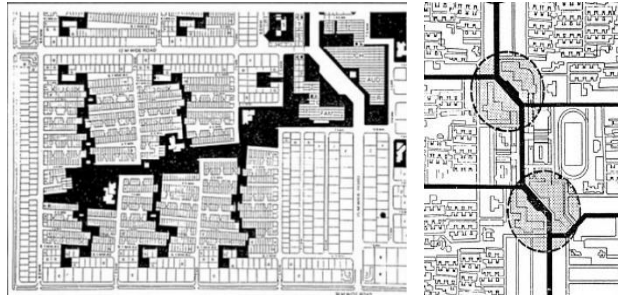
تصویر ۳-۴۲- نمونه ای از فضاهای پویا و ایستا در آرانیا تصویر ۳-۴۳- نمونه هایی از فضای ایستا در محله های آرانیا (Doshi, 1989, 11)

۴-۳-۲-۳- اصل مقیاس و تناسب

این شهرک، با الهام از بافت شهرهای سنتی منطقه، بر اساس یک توسعه کم ارتفاع و متراکم شکل گرفته است. در طرح گذرهای این مجموعه، هدف، ایجاد طرحی بود که با استفاده از ترکیب زندگی شهری با خانه های گروهی متصل به هم، بتوان رابطه ای میان مقیاس بناهای ساخته شده با مقیاس انسانی برقرار کرد. این رویکرد به برقراری تعاملات اجتماعی در فضای بین خانه ها، که یکی از ویژگی های مهم خانه های هندی است، منجر شده است. (تصویر ۳-۴۴)

۵-۳-۲-۳- اصل فضاهای متباین

فضاهای متباین در بخش های مختلف شهرک به چشم می خورد. به طور مثال در قسمتی که فضاهای باز محلات مسکونی به ستون فقرات مرکزی شهرک منتهی می شوند، فضای مثلثی شکلی با کاربری اجتماعی فراهم شده که می تواند بیانگر نوعی تباین فضایی در مجموعه باشد. وجود دو میدان شهری در مسیر محور اصلی شهرک نیز در طول این مسیر تنوع فضایی ایجاد می کند. هم چنین در طراحی گذرها، اصل تباین فضایی با ایجاد رشته ای از فضاهای خطی مرتبط با میدانچه ها رعایت شده است که باعث تنوع فضایی، جلوگیری از یکنواختی فضای خطی گذرها و بازگرداندن حس جمعی میان ساکنان محله های مسکونی می گردد. (تصویر ۳-۴۵)



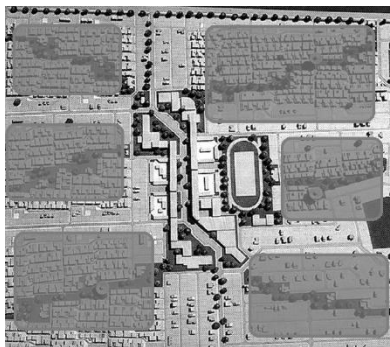
تصویر ۳-۴۵- نمونه ای از فضاهای متباین در شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 57)

۳-۲-۳-۳-۶- اصل قلمرو فضایی

قلمرو فضاهای آرانیا را می توان به صورت فضاهای خصوصی واحدهای مسکونی، فضای نیمه خصوصی که شامل واحدهای همسایگی و بن بست ها و فضای نیمه باز خانه ها (بالکن، سکو، رواق و ...) می شود، فضاهای نیمه عمومی محله ها و فضای عمومی شهر که شامل گذر اصلی و کاربری های مرتبط با آن می باشد، تقسیم بندی کرد.

۳-۲-۳-۳-۶-۱- قلمرو یک واحد محله ای

در طرح محله های این مجموعه، هر محله دارای قلمرو فضایی خاص خود می باشد که حدود آن به طور کامل مشخص است. هر یک از این محلات به مانند سلول ها، واحدها و عناصر پایه سازنده شهر در کنار هم و در ارتباط با محور اصلی مرکزی در ساختار شهر ایفای نقش می کنند. (تصویر ۳-۴۶)

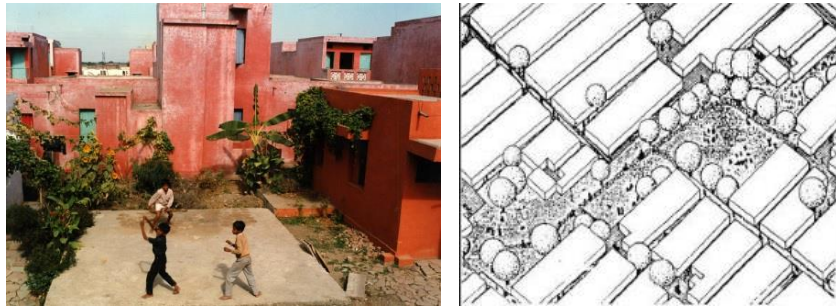


تصویر ۳-۴۶- محلات مسکونی شش گانه در بافت شهری آرانیا (Doshi, 1989, 30)

۲-۶-۳-۳-۲-۳- قلمرو چند واحد مسکونی

محور اصلی هر یک از محله ها که نقش برقراری ارتباط بین واحدهای مسکونی را ایفا می کند، قلمرو چندین واحد مسکونی را تشکیل می دهد. این محور به کمک ایجاد میدان چه هایی در مسیر و هم چنین بن بست انتهای آن، فضایی را جهت امکان تعاملات اجتماعی و گردهم آمدن ساکنان هر یک از محله ها فراهم می آورد.

(تصویر ۳-۴۷)

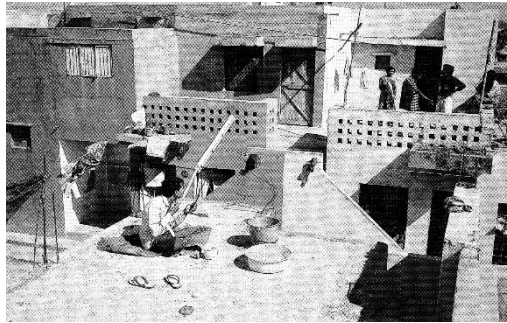


تصویر ۳-۴۷- نمونه ای از قلمرو چندین واحد مسکونی همراه با فضای بن بست انتهای آن (Doshi, 1989, 50)

۳-۶-۳-۳-۲-۳- قلمرو یک واحد مسکونی

قلمرو واحدهای مسکونی در این شهرک، به صورت فضایی که نسبت به معبر عمومی عقب نشسته و یا عناصری مثل اختلاف سطح و فضای پیلوتی، تعریف می شود. در این پروژه و در حیطه قلمرو فضایی واحدهای مسکونی، ساکنان این امکان را دارند که به اختیار خود و با حفظ حریم خصوصی خانه به ادغام فضای داخلی و خارجی بپردازند. این توسعه فضایی مجاز خانه ها که به شکل های مختلفی از جمله سکوها، رواق ها، ایوان ها و پله های باز قابل مشاهده است، به عنوان یک فضای نیمه خصوصی- نیمه عمومی، حس زندگی اجتماعی جالب توجهی را به خیابان ها می بخشد. تراس ها نیز به عنوان یک فضای میانجی میان خانه ها و خیابان ها عمل می کنند. با توجه به اصل قلمرو فضایی می توان این بالکن ها را در دسته فضاهای نیمه خصوصی- نیمه عمومی

قرار داد. این فضاها می توانند در راستای قوت بخشیدن به زندگی اجتماعی مردم شهر و زنده کردن الگوهای خانه های سنتی هند، نقش پررنگی ایفا کنند. (تصویر ۳-۴۹)



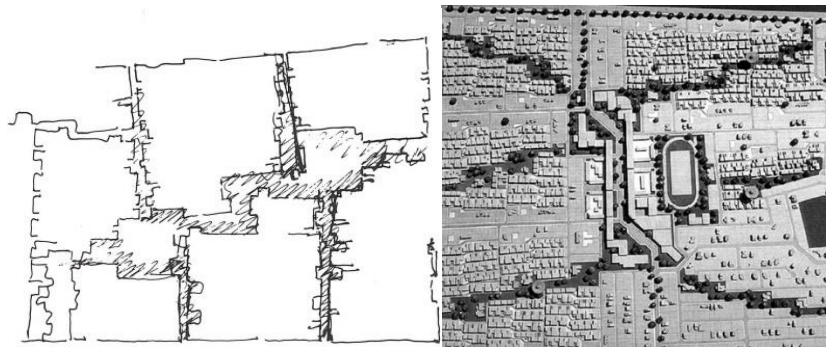
تصویر ۳-۴۹- نمونه ای از تراس های واحدهای مسکونی در شهرک آرانیا

۳-۳-۲-۳-۳-۶- اصل ترکیب (کمپوزیسیون)

بررسی نمای ساختمان های طراحی شده برای این شهرک نشان می دهد که بدنه های شهری حاصل از آنها با ترکیبی متفاوت اما هماهنگ، شکل گرفته اند. این بدنه های شهری توسط تنوع ایجاد شده در نمای خانه ها، از یکنواختی گذرها می کاهند. استفاده از مصالح بومی در بیشتر این خانه ها نیز بر پیوستگی جداره ها و هماهنگی کل مجموعه تاثیر گذار است.

۳-۳-۲-۳-۳-۷- آگاهی از فضا

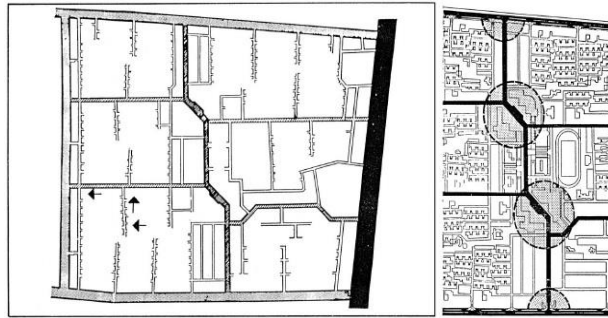
شهرک آرانیا، حاصل رشد ارگانیک قطعات نظام مند است که با یک سلسله مراتب خاص، از فرم های ساخته شده تا فضای باز، در درون شبکه ای از خدمات زیربنایی قرار گرفته اند. (Doshi, 1989, 10) در این مجموعه نوعی انسجام، یکپارچگی و تداوم فضایی قابل مشاهده است. با بررسی ترکیب توده های ساختمانی و فضاها در این مجموعه، می توان به وجود ترکیبی معقول از فضاهای پر و خالی با توجه به معیارهایی نظیر تباین، ایستایی و پویایی و مقیاس انسانی پی برد. (تصویر ۳-۵۲)



تصویر ۳-۵۲- ترکیب توده و فضا در بخش های مختلف شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 9)

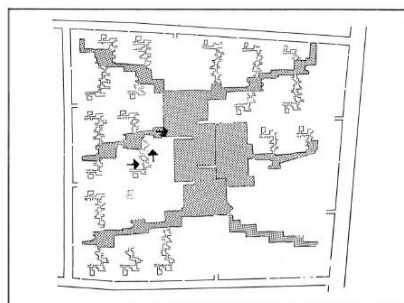
۸-۳-۳-۳-۳- دسترسی

نظام دسترسی این شهرک بر پایه تفکیک دسترسی سواره و پیاده استوار است. شبکه منظم خیابان ها، حرکت سواره را به جاده های پیرامون طرح هدایت می کند، در حالی که حرکت عابرین پیاده از طریق مسیرهای پیاده رو و شبکه فضاهای باز در جهت مخالف با آن در جریان است. این شیوه چیدمان دسترسی ها، منجر به تفکیک فضایی امنی بین مسیرهای دسترسی سواره و پیاده شده است. از طرفی، محور اصلی سواره رو این شهرک که در محدوده مرکزی آن واقع شده است، در راستای حرکت خود از جنوب تا شمال، در دو قسمت دارای شکستی با زاویه ۴۵ درجه می باشد. این شکست های به وجود آمده در طول محور، باعث ایجاد حس پویایی و حرکت در ستون فقرات شهر می شوند. (تصویر ۳-۵۳) میدانچه های شمالی و جنوبی که در مسیر این محور واقع شده اند نیز، جزئی از ساختار فضایی ستون فقرات اصلی شهر به شمار می روند. علاوه بر این، سلسله مراتب کاربری های تجاری با سلسله مراتب خیابان های مجموعه منطبق است. به گونه ای که مراکز خرید بزرگ در طول مسیرهای شریانی اصلی قرار می گیرند و مناطق تجاری غیر رسمی و کوچک تر در جانب گذرهای باریک، فضاهای باز و در مجاورت مناطق مسکونی واقع می شوند.

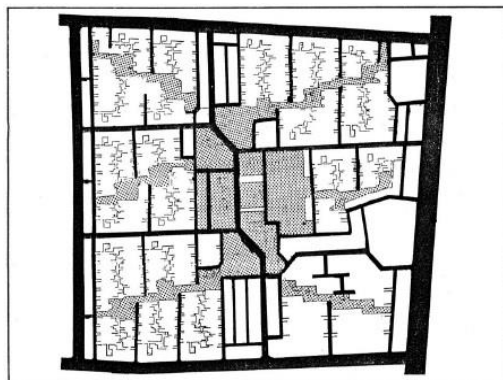


تصویر ۳-۵۳- دسترسی های سواره در شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 8)

مسیرهای حرکت پیاده نیز در این شهرک به وسیله فضاهای باز مرتبط با هم، نظام دسترسی پیاده را شکل می دهند. گذرهای پیاده رو در مرکز محله های شش گانه، فضاهایی برای رو به رو شدن ساکنان محله با یکدیگر هستند و میدانچه های این گذرها، باعث تقویت روابط همسایگی می شوند. (تصاویر ۳-۵۴ و ۳-۵۵)



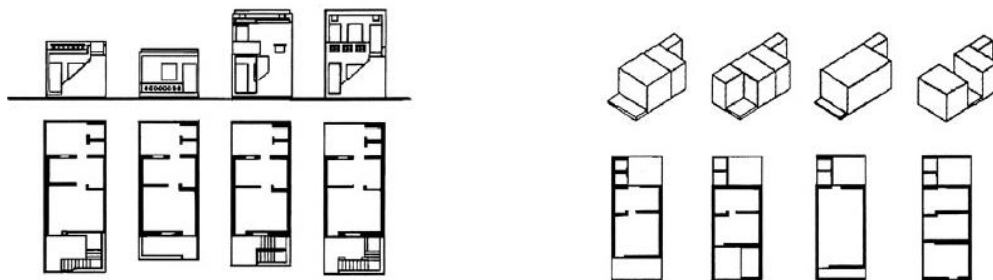
تصویر ۳-۵۴- دسترسی های پیاده در شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 8)



تصویر ۳-۵۵- سازماندهی دسترسی سواره و پیاده در شهرک آرانیا (Doshi, 1989, 8)

۴-۳-۲-۳- ترکیب واحدهای مسکونی

معماران و برنامه ریزان، تمام قسمت های طرح اعم از برنامه ریزی های مالی تا ساختار فیزیکی را طراحی کردند، اما اجزاء ساختمان ها به همراه نقشه های دقیق، توسط صاحبان خانه ها تهیه و ساخته شدند. به این منظور بخشی از طرح اصلی به عنوان مدل نمونه مسکن، با طرح های پیشنهادی بالکریشنا دوشی ساخته شد تا ساکنان را با نظام، شیوه، مصالح و ساختار ساختمان ها آشنا کند. نقشه ها و طرح های متفاوت، به ساکنان حق انتخاب می دهند. (تصاویر ۳-۵۶ و ۳-۵۷) بنابراین مردم به ساخت خانه هایشان بر اساس منابع مالی و ابتکار عمل خود و هم چنین با استفاده از مواد و مصالح بومی که اقدام نمودند. طرح های دوشی، نمونه های متنوعی از نقشه ها با چیدمان های مختلف فضایی را نشان می دهند. به طوری که از خانه هایی با یک اتاق شروع می شوند و تا خانه هایی با فضای بیشتر و بزرگتر ادامه می یابند. این طرح ها شامل خانه های یک، دو یا سه طبقه آجری هستند. دوشی در طرح این خانه ها در عین حال که جامعه را به سمت انطباق با محیط و شخصی سازی با استفاده از نیازها و ابتکار فردی تشویق می کند، بر حس اجتماعی و خانوادگی موجود در جامعه نیز تاکید می کند. علاوه بر این، در خانه های مسکونی، یک هسته خدماتی ایجاد شد با این هدف که بعد از کامل شدن خانه ها به نحوه زندگی و نیازهای روزانه افراد پاسخگو باشد. نقشه خانه ها در این طرح، دربرگیرنده دو اتاق و یک نشیمن به همراه یک آشپزخانه و یک دستشویی که بین فضای نیمه باز جلو و حیاط چند منظوره پشتی ساخته شده است، می باشد. اکثر آنها دارای یک دسترسی مجزا از پشت هستند که می توانند از آن برای نگهداری حیوانات یا وسیله نقلیه خود استفاده کنند. حتی می توانند این فضا را جهت کسب درآمد بیشتر، اجاره بدهند. (تصاویر ۳-۵۸ و ۳-۵۹) هر گروه ده تایی از خانه ها، تشکیل یک کوی مسکونی می دهند که به خیابان راه پیدا می کند. حیاط های پشتی آنها نیز، به فضای باز کوی که به عنوان محل بازی و یا محل تعاملات ساکنان مورد استفاده قرار می گیرند، باز می شوند. (Doshi, 1989, 4)



تصویر ۳-۵۶- انعطاف پذیری واحدهای مسکونی (Doshi,1989, 5) تصویر ۳-۵۷- تنوع طرح واحد های مسکونی (Doshi,1989, 5)

۳-۲-۳-۵- اقلیم

شاخص اقلیم به طور موثری در این طرح در نظر گرفته شده و یک محیط مساعد را برای زندگی در آرانیای ایجاد کرده است. اکثر قطعه های زمین ابعاد کوچکی دارند و خانه ها به صورت گروهی و با ارتفاع کم هستند. حیاط های داخل خانه ها، بن بست ها، میدان های عمومی و فضاهای کوچک فعالیت های مختلف، به اندازه کافی توسط ساختمان های مجاور، سایه دار هستند. نمای جانبی بلند ساختمان ها، جهت گیری شمالی- جنوبی دارد تا از تاثیر تابش مستقیم خورشید به خصوص در فصل تابستان کاسته شود. هم چنین سعی شده تا خانه ها کمترین سطح جانبی را با محیط پیرامون خود داشته باشند. در حیاط این خانه ها نیز، وجود دو باز شو در جبهه شمالی و جنوبی، برخورداری از نور طبیعی و کوران هوا را ممکن می سازد. (Doshi,1989, 2)

۳-۲-۴- نتیجه گیری

به نظر می رسد که در بسیاری از کشور های در حال توسعه به ویژه هند، طراحی برای اقشار کم درآمد و فقیر، راه حل جهان سوم مناسبی برای برآوردن نیاز حیاتی خانه سازی و رفاه اولیه در توسعه سریع باشد. می توان گفت که در این جوامع، شیوه های خاص طراحی مانند تجدید نظر در ابزار، شیوه ها و مصالح به منظور ارایه راهکارهایی موثر در مقابل مسایل تضعیف کننده، پاسخی مبتکرانه به چالش های ناشی از محدودیت های مالی و منابع می باشند. رویکرد یکپارچه در ارتقاء مسکن و زمین و ارایه خدمات در طرح خانه سازی آرانیای، راه حلی

برای مشکلات انبوه سازی مسکن در شرایط موجود ارایه داده است. دوشی به منظور ادغام الگوهای معماری گذشته و حال تلاش می کند. به این منظور، از طریق توجه به ویژگی های بومی منطقه و نیز شیوه زندگی مردم آن، به تفسیر مجدد الگوها می پردازد. به طور کلی، تشکیل یک جامعه عادلانه در این مجموعه با در اختیار گذاشتن امکانات و کیفیت های فضایی متعادل و تحقق بخشیدن به توسعه ای که باعث بهینه کردن مواد و مصالح و ابتکارات انسانی می شود، از راهبردهای این مجموعه می باشد.

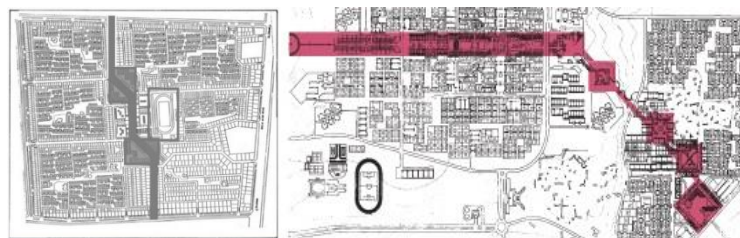
۳-۳- مقایسه دو مجموعه مسکونی شوستر نو و آرانیا

در این بخش، این دو مجموعه به منظور شناخت شباهت ها و تفاوت ها در مفاهیم، اهداف و همچنین نحوه بهره گیری از الگوهای معماری گذشته مورد ارزیابی و قیاس قرار می گیرند. به طور کلی، هر دو طرح از نظر اهداف دارای شباهت های بسیاری می باشند. به عنوان مثال، هر دو مجموعه به منظور اسکان قشر کم درآمد جامعه و با هدف ایجاد حس تعلق ساکنین به محیط طراحی شده اند. دیبا و دوشی به عنوان معماران این دو مجموعه در راستای رسیدن به این هدف، توجه به بستر و زمینه و همچنین شیوه زندگی ساکنین آن را مورد توجه قرار داده اند و علاوه بر الهام از الگوهای خانه سازی شهرهای سنتی منطقه، فن آوری روز را هم به کار می گیرند. نکته مشترک دیگر آن است که هر دو در بخش توسعه شهر ساخته شده اند، اما به دلیل فاصله کمی که با شهر اصلی نزدیک خود دارند می توانند از خدمات آنها بهره ببرند. تفاوت عمده این دو مجموعه، تفاوت در روند ساخت و ساز است. در مجموعه آرانیا با هدف کاهش هزینه ها و سرعت در ساخت و ساز، ساخت واحدهای مسکونی با مشارکت خود ساکنین تحت نظارت طراحان و برنامه ریزان شهری انجام گرفته است.

معماری گذشته ایران و هند، به عنوان نمونه هایی از تمدن های باستانی با ارزش های سنتی و بومی، همواره با مفاهیم و ارزش هایی همچون درونگرایی، مرکزیت، حریم، آسایش، امنیت، حس مالکیت همراه بوده است. در این میان، درونگرایی، در ترسیم مرز و حدودی مشخص میان فضای داخل و خارج، یکی از اصول پایه در معماری گذشته این کشورها به شمار می رود. اما امروزه با تحولاتی که به دلیل افزایش جمعیت و محدودیت

زمین و نیازهای جدید انسان امروز در نظام کالبدی شهرها رخ داده، این مفهوم در سازمان کالبدی شهرهای جدید کمتر مورد توجه قرار گرفته است. دیبا و دوشی در راستای تحقق هدف اصلی شان مبنی بر احیاء اصول معماری گذشته منطقه و تلفیق آن با نیازهای روز استفاده کنندگان، از این موضوع در طرح خود بهره برده اند. استفاده از حیاط مرکزی در طراحی تمامی اجزاء و عناصر شهری شوشتر نو و هم چنین ایجاد یک محور حرکتی اصلی که دارای وظایف متعددی نظیر عبور و مرور، ارتباط دهنده خدمات به یکدیگر، برقراری امکان دسترسی به محلات و سازماندهنده ساختار اصلی شهر می باشد را می توان نمونه ای از بکارگیری این اصل دانست. همچنین در آرانیا، محور اصلی شمالی- جنوبی به عنوان یک حیاط شهری در محدوده مرکزی شهر ایفای نقش می کند. علاوه بر این، گذرهای اصلی هر یک از محلات مسکونی هر دو مجموعه به دور از حرکت سواره، تداعی کننده حس درونگرایی و نقش وحدت بخش حیاط مرکزی و گذرهای شهری گذشته می باشند.

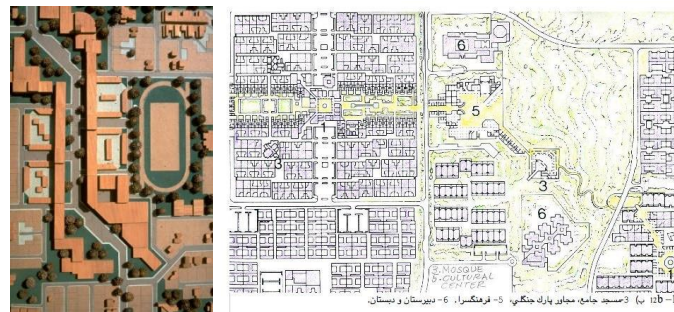
(تصویر ۳-۶۰)



تصویر ۳-۶۰- ترکیب محله های مسکونی حول محور مرکزی در مجموعه های شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)

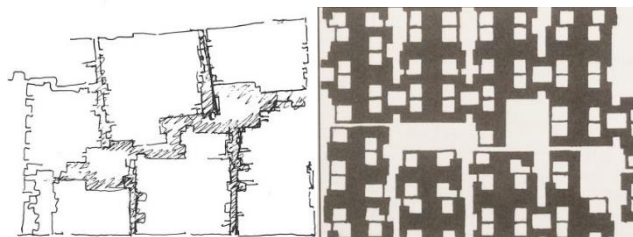
در این مجموعه ها، توجه به اصول و روش های سنتی شهرسازی منطقه مشهود است. همان گونه که دیبا در طراحی شوشتر نو از الگوهای معماری و شهرسازی شهرهای شوشتر و دزفول الهام می گیرد و یک بافت شهری فشرده، متراکم و کم ارتفاع را ارایه می دهد، دوشی نیز در طرح خود سعی دارد تا از فضاهای خالی بزرگ بین ساختمان ها آنگونه که در شاندیگار به وجود آمده بود دوری کند و چیزی نزدیکتر به الگوهای خیابانی فشرده و در هم بافته شهرهای سنتی هند به وجود آورد. مطالعه دقیق تر در نظام کالبدی- فضایی این دو شهرک نشان می دهد که بافت شهری شوشتر نو از ساختار متراکم تری نسبت به بافت شهری آرانیا برخوردار است که

شاید دلیل آن استفاده از حیاط مرکزی در تمامی بناها و عناصر شهری شوشتر نو باشد. علاوه بر آن، با وجود جهت گیری خاص بلوکهای مسکونی شهرک آرانیا به دلیل توجه به مسایل اقلیمی و در نتیجه هماهنگی شکلی آنها، میان این بلوکها و ساختمانهای شهری موجود در این شهرک، هم به لحاظ جهت گیری و هم به لحاظ ساختار کالبدی تفاوتی قابل ملاحظه ای وجود دارد. در حالی که در شوشتر نو شاهد نوعی هماهنگی و هم پیوندی میان عناصر شهری با واحدهای مسکونی از نظر ساختار کالبدی می باشیم. (تصویر ۳-۶۱)



تصویر ۳-۶۱- ساختار کالبدی عناصر شهری و واحدهای مسکونی در شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)

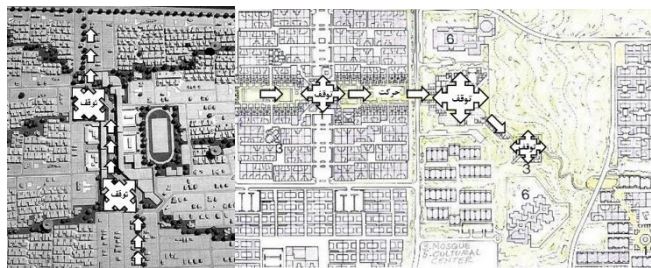
مفهوم محصوریت نیز در این دو مجموعه به دلیل علاقه خاص دیبا و دوشی به وجوه اجتماعی معماری و هم چنین تلاش آنها در پی برقراری هر چه بیشتر تعامل میان ساکنان مجموعه با محیط زندگی خود، در اکثر اجزاء شهری و نقاط مختلف آنها قابل ملاحظه است. (تصویر ۳-۶۲)



تصویر ۳-۶۲- درجه های مختلف محصوریت فضایی در گذرهای محلات مسکونی شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)

علاوه بر این بهره گیری از اصل ایستایی و پویایی فضاها و ترکیب آنها با یکدیگر در سازمان کالبدی هر دو مجموعه قابل مشاهده است. اجزاء اصلی شهرک شوشتر نو که توسط ستون فقرات شهر به یکدیگر مرتبط می

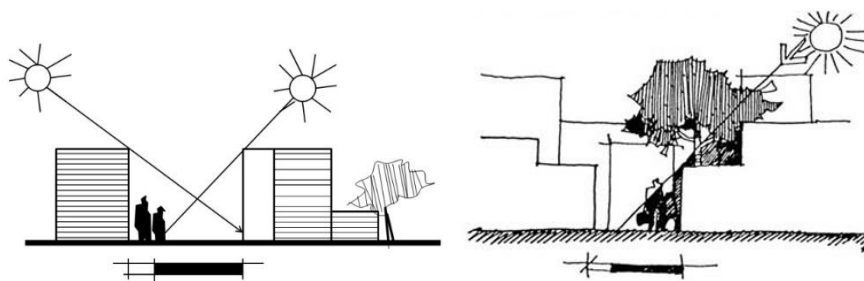
شوند، ترکیبی از فضاهای ایستا و پویا را در ساختار این مجموعه به نمایش می گذارند. راسته این محور، حالتی پویا و متحرک دارد که با رسیدن به فضاهایی نظیر مسجد، مدرسه، مرکز خرید، خاصیت فضای ایستا و توقف را پیدا می کند. این خصوصیت در ستون فقرات سازمان دهنده شهرک آرانیا نیز با وجود دو میدان شهری در مسیر محور اصلی، قابل مشاهده است؛ با این تفاوت که فضاهای ایستا در مسیر محور اصلی شوشتر نو از میزان محصوریت بیشتری نسبت به میدانچه های شمالی و جنوبی آرانیا برخوردارند. (تصویر ۳-۶۳)



تصویر ۳-۶۳- ایستایی و پویایی فضاهای محصور در دو مجموعه شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)

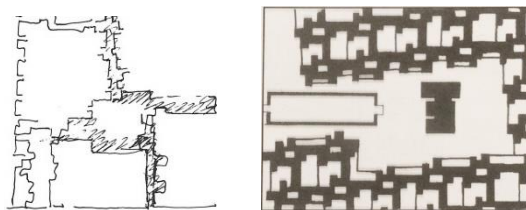
همچنین سازگاری با محیط و اقلیم به عنوان یکی از نکات کلیدی در هر دو طرح مطرح شده است. شوشتر نو در منطقه ای گرم و خشک با تابستان های گرم و زمستان های معتدل واقع شده است، در حالی که مجموعه آرانیا در منطقه ای با آب و هوای نیمه خشک با تابستان های گرم و زمستان های سرد می باشد. با وجود تفاوت هایی که در شرایط آب و هوایی این دو منطقه وجود دارد، الگوهای شهری مشابهی در جهت پاسخگویی موثر در برابر شرایط اقلیمی در نظر گرفته شده است. ایجاد یک بافت شهری متراکم و گذرهای باریک برای سایه اندازی بیشتر و کاهش تماس سطح خارجی ساختمان ها با محیط در جهت اتلاف کمتر انرژی، راهکارهایی بود که با الهام از شهرهای سنتی این مناطق به کار گرفته شد. توجه به وجوه اجتماعی معماری نیز از دغدغه های اصلی هر دو معمار به شمار می رود. این موضوع باعث توجه بیشتر به ساکنین به عنوان مهم ترین رکن فضا در طراحی شهر و فضاهای مسکونی در این دو مجموعه شده است. در نتیجه، گذرهای باریکی که در این شهرک ها تعبیه شده اند، علاوه بر پاسخگویی به مسایل اقلیمی، دستاوردهای دیگری نظیر برانگیختن احساس

صمیمیت و امنیت در ساکنان نیز به همراه دارند. از طرف دیگر، جلوگیری از ورود اتومبیل به گذرهای محلات مسکونی و اختصاص دادن فضاهای خاص به عبور و پارک اتومبیل ها نیز، در جهت تحقق بخشیدن به این هدف موثر بوده است. علاوه بر این، به دلیل انتخاب نسبت مناسب ارتفاع دیوار کوچه ها به عرض آنها، ساکنان این دو مجموعه می توانند درک مناسبی از بدنه های گذر داشته باشند و در فضایی محصور و متناسب حرکت کنند. (تصویر ۳-۶۴)



تصویر ۳-۶۴- رعایت مقیاس و تناسبات انسانی در گذرهای محلات مسکونی شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)

با بررسی فضاهای محصور این شهرک ها به گونه های متنوعی از شیوه های ایجاد فضاهای متباین برمیخوریم. در آرانیا، ایجاد دو میدان شمالی و جنوبی در مسیر محور اصلی و میدانچه هایی با دسترسی پیاده در گذر اصلی محلات، نوعی از تباین فضایی را نشان می دهد که در معماری گذشته این منطقه مورد استفاده قرار می گرفت. در شوشتر نو نیز، قرار گیری فضاهایی با کاربری عمومی در مسیر اصلی شهر و فضاهایی که در گذر پیاده رو طراحی شده اند، ترکیبی از فضاهای متباین را به نمایش می گذارند. تغییر در درجه محصور نمودن فضا، تغییر در نوع فضا و تغییر در روشنایی فضا به صورت ایجاد فضای سرباز و سربسته از راهکارهایی است که برای پرهیز از یکنواختی فضاهای شهری در این دو مجموعه به کار گرفته شده اند. (تصویر ۳-۶۵)

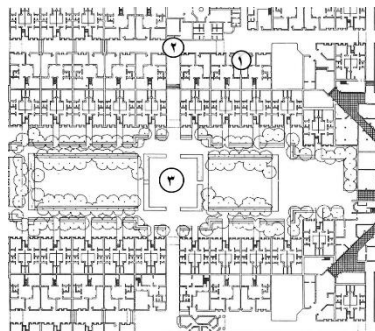




تصویر ۳-۶۵- به کارگیری روشهای مختلف ایجاد فضاهای متباین در دو مجموعه شوشتر نو (راست) و آرانیا (چپ)

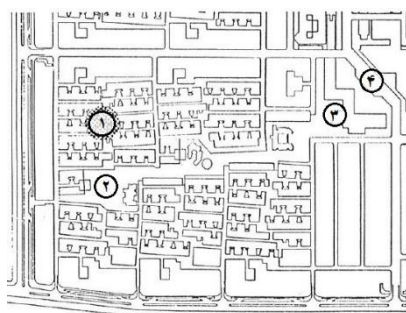
نکته دیگری که در رابطه با طراحی فضاهای محصور در این دو شهرک وجود دارد، نحوه رعایت سلسله مراتب فضایی است. دیبا در طرح گذرهای شوشتر نو، سلسله مراتبی را رعایت کرده به نحوی که از فضاهای عمومی مرکزی آغاز شده و تا بن بست محلات مسکونی ادامه پیدا می کند. هر محله دارای قلمرو مشخصی بوده و ضمن آن که توسط یک راه اصلی خود را به امتداد محور اصلی شهر وصل می کند، خود را از فضای عمومی آن نیز دور نگه می دارد. (تصویر ۳-۶۶) فضاهای باز آرانیا نیز، با سلسله مراتبی از فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی شناسایی می شوند. قلمرو فضایی خصوصی در این دو مجموعه به صورت حیاط خصوصی می باشد، با این تفاوت که دوشی در طرح خانه های آرانیا، به بازآفرینی فضاهای نیمه باز خانه ها که به عنوان فضاهایی برای کار استفاده میشوند پرداخته و فضاهایی نیمه خصوصی را ایجاد کرده است. (تصویر

(۳-۶۷)



تصویر ۳-۶۶- قلمرو فضایی در شوشتر نو (۱) حیاط خصوصی (۲) بن بست اختصاصی چند واحد مسکونی (۳) گذر عمومی (دیبا،

(۳۸، ۱۳۹۲)



تصویر ۳-۶۷- قلمرو فضایی در آرانیا (۱ حیاط های خصوصی ۲) بن بست اختصاصی چند واحد مسکونی (۳) فضای نیمه عمومی محلات مسکونی (۴) گذر عمومی (دیب، ۱۳۹۲، ۳۸)

بدنه های محصور کننده محور اصلی و مرکز خرید بخش میانی در شوشتر نو و همچنین بدنه های محصور کننده گذرهای محلات مسکونی در این مجموعه، از واحدهایی هماهنگ تشکیل شده اند که در نتیجه پیوستگی کل بدنه های شهری را در پی دارد. این خصوصیت هماهنگ کننده در بیشتر ساختمانهای بدنه گذرهای محلات مسکونی در آرانیا نیز قابل مشاهده است. این ویژگی که میان بناها و عناصر تشکیل دهنده بدنه گذرهای محلات مسکونی در این دو شهرک وجود دارد، در ترکیب با فضاهای متنوع گذرها، فضاهای جالبی ایجاد کرده اند. استفاده از فضاهایی نیمه باز مانند ایوان، سکو و رواق در حدفاصل خانه و خیابان، در نظر گرفتن مقیاس انسانی، از جمله مواردی هستند که در این دو مجموعه و در جهت جلوگیری از یکنواختی فضای گذرها رعایت شده اند. توجه به فضای بین ساختمان ها نیز به عنوان یکی از عناصر اساسی ترکیب معماری ضرورت دارد. با بررسی ترکیب توده و فضا در دو مجموعه شوشتر نو و آرانیا به توجه ویژه به فضاهای باز و نحوه ترکیب آنها با احجام و توده های ساختمانی پی می بریم. اختصاص دادن یک مرکز محله برای هر یک از محلات مسکونی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی ساکنان، از مواردی است که در این دو مجموعه رعایت شده است. علاوه بر این، با توجه به حساسیت هر دو معمار در رابطه با خلق فضاهای اجتماعی، توجه آنها به بعد اجتماعی طراحی شهری و الگوهای رفتاری کاربران در فضا بارز است. بنابراین طرح این شهرک ها ابتدا بر مبنای طراحی فضاهای باز و دسترسها شکل گرفته و سپس توده های ساختمانی، این فضاها را محصور کرده اند. نحوه طراحی نظام

دسترسی فضاها بر مبنای تفکیک دسترسی سواره از پیاده استوار است. هم چنین حیاط های شخصی در این شهرک ها به گذرهایی نیمه عمومی که فقط به تعداد معدودی از واحدهای مسکونی تعلق دارند منتهی می شوند. این گذرها به عنوان یک فضای باز کشیده که ورود اتومبیل ها به آن ممنوع است در نظر گرفته شده اند. ساختمان های عمومی نیز در راستای محور مرکزی سازمان دهنده شهرک و در محل تلاقی محله های مسکونی شکل گرفته اند تا دسترسی به آنها به سهولت میسر باشد.

۱-۳-۳- نتیجه گیری

با بررسی دو طرح "شوشتر نو" و "آرانیا" می بایست چگونگی استفاده از اصول به کار رفته در طراحی آنها برای رسیدن به طرحی مناسب بر اساس نیازها و خصوصیات شهر های امروزی را مورد نظر قرار داد. به این منظور، مبانی و رویکردهایی که به صورت عملی در طراحی مجموعه های مسکونی می توان مورد استفاده قرار داد در جدول ۳-۱-۱ ارائه گردیده است.

جدول ۳-۱- مبانی برنامه ریزی معماری

مبانی طراحی	مبانی نظری
طراحی شبکه ارتباطی درونی برای ارتباط و تعامل ساکنین مجموعه- طراحی فضاهای باز به عنوان عنصری مستقل	فضای خارجی، فضای داخلی
ایجاد مسیر های پیاده و یا بن بست بین همسایگان- رعایت نسبت ارتفاع به عرض مناسب برای تعریف مناسب فضاهای ایستا و پویا- رعایت تداوم شکلی ساختمان های محصور کننده مرکز محله با ارتفاع پیوسته برای تقویت محصوریت	محصوریت
شکست پی در پی مسیرها و محورهای بصری- دیدهای مختلف در فضاهای ارتباطی	فضاهای متباین
تراکم افقی به جای تراکم عمودی- تاکید بر محورهای بصری و حرکتی- استفاده از عناصری مانند رواق، حیاط، پله، صفحات مشبک- ایجاد تنوع بصری و عملکردی در طراحی گذرگاه ها و فضاهای عمومی	تناسبات و مقیاس انسانی
ایجاد فضای باز نیمه عمومی برای هر یک از مجموعه های همسایگی- ایجاد فضای باز عمومی برای ارتباط اجتماعی ساکنین	قلمرو فضایی
برقراری سلسله مراتب در دسترسی سواره- اولویت دادن به پیاده- تفکیک مسیر دسترسی پیاده و سواره- طراحی دسترسی سواره بدون تداخل با حرکت پیاده- ارتباط مرکز محله با واحدهای مسکونی از طریق دسترسی پیاده- ایجاد تنوع فضایی در مسیرها- قرارگیری خدمات محله ای در موقعیت مناسب نسبت به مسیر های پیاده	دسترسی

فصل چہارم

مطالعات زمینہ



تصویر ۴-۱- قرار گیری استان خراسان رضوی در کشور ایران و شهر مشهد در خراسان رضوی

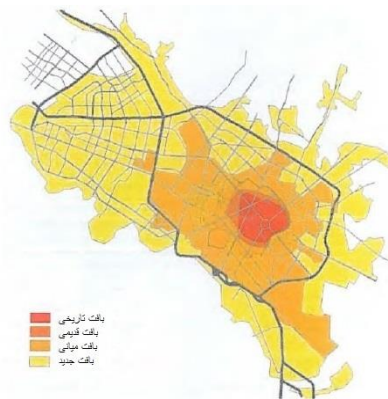
۲-۱-۲-۴- نحوه شکل گیری و توسعه شهر مشهد

شهر مشهد بر خلاف اغلب شهرهای بزرگ و قدیمی ایران که بر بستر مساعد جغرافیایی و اقلیمی شکل گرفته اند، علت وجودی متفاوتی داشته است. نیروی ناشی از حضور مرقد مطهر امام هشتم شیعیان، به رغم شرایط سخت، موجب شکل گیری و بقای شهر مشهد در طول تاریخ گشته است. این شهر در سیر تحول تاریخی، بی نصیب از چتر امنیتی حکومت های مرکزی و در زیر فشار و هجوم مکرر حکومت ها و قبایل مختلف و مرزهای ناامن شرقی در درون حصار خود محدود بوده است. (ثقه الاسلامی، ۱۳۸۹، ۳۹) تاریخ مکتوب این شهر حاکی از استقرار دو قریه معروف نوغان و سناباد (از توابع توس) در کنار یکدیگر است. توسعه این دو قریه در کنار مرقد امام رضا (ع) به مرور زمان شهر مشهد را پدید آورد. این شهر در دوران پر تحول شکل گیری، رشد و گسترش خود شاهد تحولات متعددی بوده و با افول نیشابور در قرن هشتم به مهمترین شهر خراسان مبدل می شود.

بافت قدیمی شهر مشهد مانند دیگر شهرهای هم جوار خود شطرنجی بوده و هسته اولیه آن تحت تأثیر شهرهای هم جوار بوده است. اما این شهر به مرور و تحت رواج ایدئولوژی اسلامی به شکل شعاعی درآمد و حرم مطهر به عنوان کانون شهر مورد نظر قرار گرفت. پس از اسلام و تبدیل شدن بافت شطرنجی به بافت شعاعی، چندین حصار در طی سال های متمادی به گرد شهر کشیده شد. قدیمی ترین حصار شهر مشهد، حصارى است که به دستور سلطان محمود غزنوی در سال ۴۲۸ هجری ساخته شد. در سال ۹۵۰ هجری به دستور شاه طهماسب حصار دوم شهر مشهد کشیده شد. این حصار بزرگتر از نیاز شهر در نظر گرفته شده بود

و این مناطق بیشتر شامل باغات و مزارع شهر بودند. مشهد در طول تاریخ ۴ حصار داشت که تا زمان قاجار در قالب همان حصار چهارم باقی ماند. (تصویر ۴-۲) در زمان صفویه این شهر رونق گرفت و به صورت مهم ترین زیارتگاه شیعیان در آمد. فرمانروایان صفوی، تشیع را مذهب رسمی قلمرو حکومت خویش اعلام کردند و مجموعه ای از اقدامات موثر را برای رونق مشهد انجام دادند. احداث اولین خیابان به مفهوم مدرن آن به دستور شاه عباس در سال ۱۰۲۱ از دروازه پایین خیابان به حرم و از آن به دروازه بالا خیابان، یادگاری از آن دوران است. (مدرس رضوی، ۱۳۸۶، ۲۸)

مسأله ای که در مورد بافت تاریخی شهر مشهد حایز اهمیت است، بافت فشرده و متراکم این شهر در درون حصار خود می باشد. زمین ها و خانه های ساخته شده در آنها نسبت به دیگر شهرهای ایران بسیار کوچک بوده و بیشتر این خانه ها دو طبقه می باشند. به نظر می رسد دو عامل در شکل گیری این ساختار تأثیرگذار بوده است. اول آن که در مشهد قدیم، ارزش خانه ها و زمین ها به نزدیکی آن به حرم بوده است، گویی خانه ها به هم فشرده تر می شدند تا به منشأ شهر نزدیک تر باشند. دومین عامل موثر در شکل گیری ساختار بافت تاریخی مشهد را نیز می توان نامنی بیش از حد مرزهای شرقی در طول تاریخ دانست. بعد از دوران قاجار و در زمان پهلوی اول، تحت تأثیر اولین طرح شهری در این دوران، سازمان فضایی تک قطبی شهر به یک سازمان فضایی دو قطبی تبدیل شد و عناصر جدید شهری در اطراف شهر تأسیس شدند که بر نحوه استقرار جمعیت در دوره های بعد تأثیر گذاشتند. تحت تأثیر طرح جامع و ورود اتومبیل، شهر به صورت خطی و با فضایی متفاوت به سمت غرب گسترش پیدا می کند و بافت شهری پیوستگی خود را به تدریج از دست می دهد. (محمودی، ۱۳۸۸، ۸۵)



تصویر ۴-۲- نقشه توسعه شهر مشهد (رضوانی، ۱۳۹۴، ۲۰)

۳-۲-۱-۴- ویژگی های فرهنگی و اجتماعی مردم مشهد

مشهد محل زندگی مردمی با ریشه های قومی، زبانی و محلی مختلف است. این شهر به عنوان شهر بزرگ خراسان، در طول تاریخ همواره میدان کشمکش و لشکرکشی های اقوام گوناگون بوده است. بافت تاریخی آن متشکل از مجموعه ای از بناهای پیوسته بود که از یک طرف در میان ارتفاعات و از طرف دیگر در میان مزارع و به دور حرم قرار گرفته بودند. حرم مطهر، علاوه بر سازمان فضایی شهر، شیوه زندگی مردم مشهد را نیز به طور کامل تحت تأثیر قرار داده بود. جهت گیری اقلیمی- آیینی خانه ها و حیاط ها، کوچک شدن و فشردگی شدن خانه ها برای هرچه نزدیک تر شدن به حرم از جمله این تأثیرات بودند. نکته ی قابل توجه در مورد شیوه زندگی مردم مشهد (قبل از ۱۳۰۰ ه. ق) آن است که بسیاری از اتفاقات مذهبی- اجتماعی که در شهرهای دیگر ایران در درون خانه ها رخ می داد، در شهر مشهد در حرم اتفاق می افتاد. از طرف دیگر، تمام توجه هنرمندان و همینطور ثروت و زیبایی و تزیینات، جذب حرم می شد. به این ترتیب، خانه های مشهد نسبت به خانه های ایرانی سایر شهرهای ایران، کوچکتر و ساده تر بودند. بعد از دوران قاجار و در زمان پهلوی اول، شیوه زندگی مردم تحت تأثیر سیاست های اقتصادی و اجتماعی و حضور فن آوری و اتومبیل، دستخوش تغییرات زیادی شد. با بزرگ تر شدن شهر و افزایش فاصله ها از حرم، در ابتدا قطعات زمین ها و خانه ها بزرگتر شدند. به این ترتیب بسیاری از فعالیت هایی که قبلاً در حرم اتفاق می افتاد، به داخل خانه آمد و فضای روضه خوانی، بخش مهمی از فضای خانه های طبقه متوسط و بالای جامعه گردید. بزرگ تر شدن خانه ها، امکان وجود

اتومبیل در درون حیاط، وجود فضایی بزرگ و یکدست در زیر زمین یا طبقه اول برای برگزاری روضه و مراسم مختلف، از جمله این تغییرات بود که بر سازمان فضایی خانه ها تأثیر گذاشت. این تغییرات، معماری را به سمت کاهش کیفیت و تنوع فضایی و تک منظوره شدن فضاها پیش برد. آنچه که در شیوه زندگی مردم مشهد از گذشته وجود داشته و هم‌چنان پررنگ است، تمایل به داشتن فضاهای بزرگ برای برگزاری مراسم مختلف مذهبی- اجتماعی- خانوادگی است. هم‌چنین مردم مشهد در تابستان، نوروز و دیگر ایام تعطیل سال همواره در خانه های خود میزبان دوستان و اقوام زایر خود از شهرهای دیگر هستند که فضای خاص خود را می طلبد.

۴-۲-۱-۴- ویژگی های اقلیمی مشهد

در این بخش، تأثیر اقلیم و عناصر طبیعی بر شهر در محدوده مشهد مورد مطالعه قرار گرفته و از مجموع این مطالعات نتایجی در زمینه طراحی به دست خواهد آمد.

۴-۱-۲-۴-۱- دما

شهر مشهد در حوزه آبریز کشف رود که از شمال با رشته کوه هزار مسجد و از جنوب با رشته کوه بینالود محدود می شود قرار دارد. طبق طبقه بندی اقلیمی کوپن، مشهد در اقلیم نیمه خشک و خنک واقع شده است. (علیجانی، ۱۳۷۵، ۱۰) حداقل دمای رخ داده در ایستگاه مشهد ۲۸- درجه سلسیوس در بهمن ماه و حداکثر آن ۴۳/۸ سلسیوس (در تیر ماه) بوده است. نوسان دمایی مطلق سالانه این ایستگاه ۷۱/۸ درجه سلسیوس می باشد. متوسط حداقل دمای سالانه ۳/۸- درجه سلسیوس در دی ماه و حداکثر آن ۳۴ درجه سلسیوس در تیر ماه بوده است. نوسان متوسط سالانه ۳۷/۸ درجه سلسیوس می باشد. گرم ترین فصل سال تابستان و سردترین فصل زمستان است. گرم ترین ماه سال، تیر و سردترین ماه سال، دی می باشد. (داوودی و محمدی، ۱۳۸۹، ۳۵) تعداد روزهای یخبندان نیز در طول سال به طور متوسط ۱۰۰ روز می باشد. در نتیجه در این منطقه پایین بودن دمای هوا در ماه های سرد سال اهمیت بیشتری نسبت به بالا بودن دما در ماه های گرم دارد.

۲-۴-۱-۲-۴- باد

به طور کلی در شهر مشهد، جهت و سرعت وزش بادهایی که در فصل تابستان می وزند بیشتر از سایر بادهای است. اما به دلیل سردسیر بودن منطقه و با توجه به اهمیت گرم کردن فضاهای داخلی نسبت به سرد کردن این فضاها، نمی توان تأثیر بادهای پاییزی و زمستانی (بادهای نامطلوب شمال غربی) را در این شهر نادیده گرفت. بنابراین ضروری است تا جهت وزش این بادهای به طور کامل مورد توجه قرار گیرند. از طرفی، با توجه به جدول ۱-۴ که مشخصات بادهای را بر اساس جهت و سرعت وزش آنها در مشهد مشخص می کند، نتیجه می شود که وزش باد غالب از جهت جنوب شرقی می باشد و بادهای با سرعت ۳-۶ نات، فراوانی وقوع بیشتری دارند. چنانچه مجموع سمت و سرعت باد را در نظر بگیریم، باد شرقی با سرعت ۳-۶ نات باد غالب این منطقه خواهد بود.

جدول ۱-۴- مشخصات بادهای بر حسب سمت و سرعت بر حسب درصد (داوودی و محمدی، ۱۳۸۹، ۴۰)

سرعت / سمت	۱ - ۳	۳ - ۶	۶ - ۸	بیش از ۸	مجموع
شمالی	۰	۰	۱/۴۴	۰	۱/۴۴
شمال شرقی	۰	۷/۲۴	۰	۰	۷/۲۴
شرقی	۱/۴۴	۲۱/۷۳	۵/۷۹	۱/۴۴	۳۰/۴۳
جنوب شرقی	۵/۷۹	۲۰/۲۸	۵/۷۹	۱/۴۴	۳۳/۳۳
جنوبی	۰	۱۱/۵۹	۱/۴۴	۰	۱۳/۰۴
شمال غربی	۱/۴۴	۱/۴۴	۰	۰	۲/۸۹
غربی	۱/۴۴	۲/۸۹	۰	۰	۴/۳۴

جنوب غربی	۲/۹	۴/۳۴	۰	۰	۷/۲۴
مجموع	۱۳/۰۴	۶۹/۵۶	۱۴/۴۹	۲/۸۹	۱۰۰

به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که مناسب ترین جهت استقرار ساختمان در این منطقه، جهتی است که حداکثر انرژی خورشیدی را در مواقع سرد و حداقل آن را در مواقع گرم کسب نماید. جهت ۳۰ درجه غربی مناسب ترین جهت استقرار ساختمان در برابر وزش بادهای پاییزی و زمستانی است که البته این جهت با زاویه تابش خورشید هم هماهنگی دارد. استفاده از فضاهای پیلوتی در این منطقه به علت به وجود آمدن کوران هوا جایز نیست. اما در صورت استفاده از این گونه فضاها باید تا حد امکان محصور و محدود گردند.

۳-۴-۲-۱-۴- تابش و سایه

در اقلیم مشهد که دارای زمستان های بسیار سرد می باشد، استفاده بهینه از تابش آفتاب به دلیل سرما بسیار مهم است. این امر در صورتی امکان پذیر است که بتوان انرژی خورشیدی را مهار و از آن در مواقع سرد سال استفاده نمود. ایجاد شرایط آسایش نه تنها در داخل بنا بلکه در اطراف و بیرون آنها نیز بسیار مهم است. مطالعات اقلیمی مشهد نشان می دهد که انرژی خورشیدی تابیده شده بر سطوح قائم در طول سال بر ضلع جنوبی و جنوب غربی و جنوب شرقی دارای بیشترین میزان می باشد. پس از آن نیز ضلع غربی و شرقی انرژی بالایی را دریافت می کنند و کمترین انرژی مربوط به ضلع شمالی است. در ماه های گرم سال، ضلع غربی انرژی بالاتری را نسبت به ضلع جنوبی دریافت می کند. (رضوانی، ۱۳۹۴، ۳۴) با توجه به سردسیر بودن منطقه و در راستای بهره گیری بیشتر از انرژی خورشیدی در این شهر، ایجاد پنجره های بزرگ و آفتاب گیر جنوبی و شرقی همراه با سایبانهای افقی و پنجره های کشیده شرقی و غربی با سایبانهای عمودی توصیه می شود. در سمت شمال نیز بازشوها باید حداقل باشند؛ زیرا در فصل زمستان از این جبهه حرارت زیادی از دست می رود.

همچنین میتوان با کاشت درختان همیشه سبز در جبهه شمالی ساختمان و درختان خزان پذیر در جبهه جنوبی آن از انرژی خورشیدی در مواقع سرد و سایه درختان در مواقع گرم سال بهره برد.

۴-۴-۲-۱-۴- بارش

شهر مشهد دارای سه ماه مرطوب (بهمن، اسفند و فروردین) و دو ماه نیمه خشک (اردیبهشت و خرداد) بوده و بقیه ماه ها بسیار خشک است. تغییرات زمانی و مکانی بارش از ویژگی های اصلی اقلیم ایران است. پدیده بارندگی به دلیل تغییر پذیری بسیار زیاد زمانی و مکانی، به عنوان متغیر ترین عامل جوی شناسایی شده است. ایستگاه مشهد دارای ۲/۲۵۵ میلیمتر بارش سالانه است که زمستان با ۱۲۳ میلیمتر بیشترین بارش را به خود اختصاص داده است. پس از آن بهار با ۷۸، پاییز با ۵۰ و تابستان با ۴ میلیمتر در رتبه های بعدی قرار دارند. (داوودی و محمدی، ۱۳۸۹، ۴۵) به طور کلی کمبود نسبی رطوبت در مشهد باعث شده تا تحمل گرمای تابستان راحت تر باشد و خنک کردن فضاها به وسیله کولر های آبی امکان پذیر گردد. در جدول ۴-۲ خلاصه اطلاعات اقلیمی شهر مشهد ارائه می گردد.

جدول ۴-۲- مشخصات برخی عناصر اقلیمی مشهد (داوودی و محمدی، ۱۳۸۹، ۴۶)

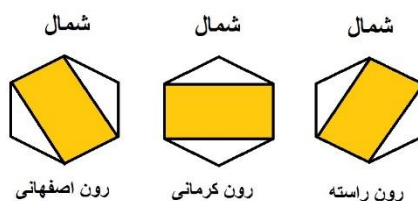
سال ۲۰۱۵	میانگین (مجموع کل)	پاییز	تابستان	بهار	زمستان
	۲۵۶	۵۰	۴	۷۸	۱۲۳
	۱۴/۱	۹	۲۴	۱۹/۶	۴/۶
	۵۳/۴	۶۲/۵	۳۵/۶	۴۹/۹	۷۳
	۹۰	۳۵	۰	۱	۵۴

۵-۴-۲-۱-۴- معرفي گونه های گیاهی سازگار با مشهد

به طور کلی در شهر مشهد با توجه به شرایط آب و هوایی خشک و در نتیجه در دسترس نبودن آب در تمامی محدوده های زمانی و مکانی، استفاده از گیاهان بومی و مقاوم در برابر کم آبی از اهمیت بالایی برخوردار است. درختانی مانند "کاج تهران"، "کاج موگو یا موگوس"، "چنار"، "افرا"، "کبوده"، "افاقیا"، "زبان گنجشک"، "توت" و گیاهان پوششی مانند "بومادران"، "پاپیتال" و ... از جمله گیاهانی هستند که با اقلیم این منطقه سازگارند. کاشت گیاهان پوششی به جای استفاده از چمن در فضاهای سبز، می تواند در کاهش مصرف آب و هزینه نگهداری موثر باشد. گستردگی سریع در فضای سبز و مقاومت در برابر خشکی از دیگر مزایای استفاده از این گیاهان می باشد. لازم به ذکر است هر یک از گیاهان نامبرده را باید با توجه به نیاز و کاربری هر فضا و بر اساس اهدافی نظیر سایه اندازی، جذابیت بصری، جلوگیری از آلودگی صوتی، نور مزاحم و یا منظر نامناسب مورد بهره برداری قرار داد.

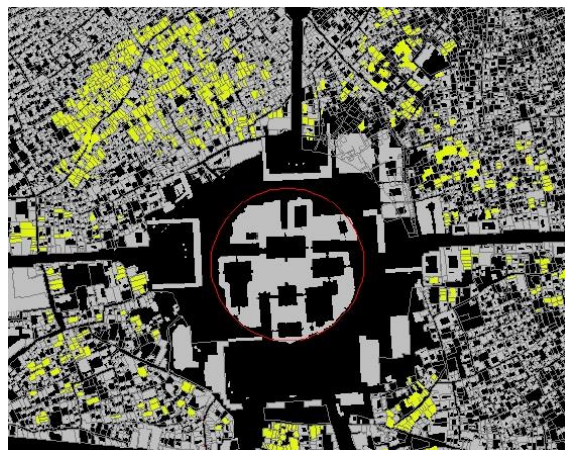
۵-۴-۲-۱-۴- بررسی انواع جهت گیری در خانه های سنتی مشهد

رون یا جهت گیری خانه، نقش مهمی در شهرسازی گذشته و بافت سنتی شهر های ایران ایفا می کند. این مسأله که از خصوصیات اقلیمی هر منطقه نشأت می گیرد، با توجه به موقعیت هر شهر و ویژگی های اقلیمی خاص آن، نمودی متمایز داشته و به سه نوع کلی رون راسته (شمال شرقی- جنوب غربی)، اصفهانی (شمال غربی- جنوب شرقی) و کرمانی (غربی- شرقی) تقسیم می شود. (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۱۳۵) (تصویر ۴-۴)



تصویر ۴-۴- انواع جهت گیری (رون)

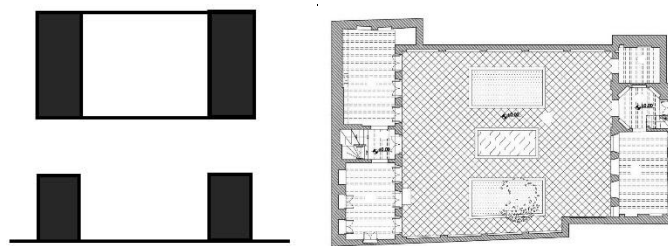
با استناد به مطالعاتی که در خصوص بافت سنتی شهر مشهد و نحوه شکل‌گیری آن انجام شده در می‌یابیم که بافت سنتی این شهر نیز از این قضیه مستثنی نبوده و جهت‌گیری اغلب خانه‌های سنتی آن با اصول اقلیمی حاکم بر بافت مطابقت کامل دارد. این جهت‌گیری با رون اصفهانی که جهت شمال غربی- جنوب شرقی دارد، هماهنگ می‌باشد. جهت‌گیری دیگری که در تعداد محدودی از خانه‌های بافت سنتی این شهر مشاهده می‌شود، جهت‌گیری راسته‌است. جهت این رون تقریباً با جهت قبله یکی است و تا حدودی با اقلیم این شهر مطابقت دارد. اما آنچه که جهت‌گیری برخی از خانه‌های قدیم مشهد را از دیگر شهرهای ایران متمایز می‌کند، علت وجودی متفاوت این شهر و توسعه آن در طول زمان می‌باشد. از این رو جهت‌گیری خانه‌ها به سمت حرم حضرت رضا (ع) و به صورت شعاعی که به اصطلاح رون رو به حضرت نامیده می‌شود، در ساخت خانه‌های سنتی این شهر رایج و متداول است. (تصویر ۴-۵) این نوع جهت‌گیری از خصوصیات منحصر به فرد این بافت می‌باشد و با وجود این که در مواردی از نظر اقلیمی و نحوه برخورداری از نور خورشید، مناسب نیست ولی از لحاظ ارزشی از جایگاه قابل قبولی در بافت برخوردار بوده است.



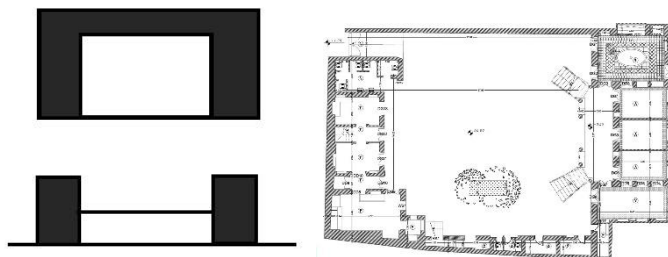
تصویر ۴-۵- قرار‌گیری خانه‌های مشهد با رون رو به حضرت در بافت پیرامون حرم مطهر (محمودی، ۱۳۸۸، ۶۵)

۶-۲-۱-۴- بررسی الگوی حیاط و توده و فضا در خانه های سنتی مشهد

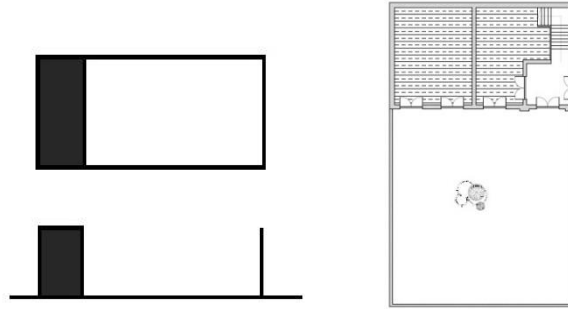
مهم ترین عنصر سازمان دهنده مسکن سنتی در مشهد، مانند بسیاری از شهرهای ایران، حیاط است. شکل آن مربع و یا نزدیک به آن است و حوض و باغچه، مهم ترین عناصر تشکیل دهنده آن می باشند. این حیاط ها علاوه بر تأثیرات اقلیمی نظیر ایجاد رطوبت، هواگیری و نورگیری خانه، به عنوان تقسیم کننده و ارتباط دهنده میان اتاق ها و دیگر فضاهای خانه به یکدیگر ایفای نقش می کردند. الگوی این حیاط ها در دوره های مختلف و در نتیجه اشکال مختلف آرایش توده و فضا متفاوت بوده است. با توجه به فشردگی بسیار زیاد بافت اطراف حرم مطهر و هم چنین ابعاد کوچک قطعه های زمین در این منطقه، نحوه آرایش توده و فضا در این شهر به اشکال مختلف یک جبهه ای و یا دو جبهه ای می باشد. در تعداد معدودی از آنها از الگوی سه جبهه ای و در تعداد بسیار کمی از الگوی چهار جبهه ای استفاده شده است. در دوره پهلوی اول، به دلیل آن که شهر به سمت باغات جنوب غرب گسترش پیدا کرد، الگوی خانه باغ با دو حیاط متداول بوده است. در تصاویر ۶-۴ تا ۹-۴ نمونه هایی از متداول ترین الگوهای آرایش توده و فضا در خانه های بافت قدیم مشهد با رون رو به حضرت نشان داده شده است.



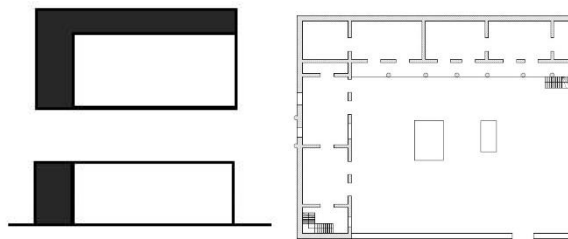
تصویر ۶-۴- خانه امیری، دوره قاجار، الگوی دو توده مقابل هم (محمودی، ۱۳۸۸، ۷۰)



تصویر ۴-۷- خانه داروغه، دوره قاجار، الگوی سه طرف ساخت (محمودی، ۱۳۸۸، ۷۰)



تصویر ۴-۸- خانه پیشه وران، دوره قاجار، الگوی یک طرف ساخت (محمودی، ۱۳۸۸، ۷۰)



تصویر ۴-۹- خانه قندی، دوره قاجار، الگوی دو توده عمود بر هم (محمودی، ۱۳۸۸، ۷۰)

در الگوی یک طرف ساخت، نمای توده، نمای اصلی حیاط است که رو به سمت حرم جهت گیری نموده است. فضاهای داخلی توده در این نمونه بناها در پلان به دو لایه مجاور حیاط و لایه پشتی تقسیم می شوند و در سطح ارتفاع در دو طبقه جانمایی می گردند. به این ترتیب در لایه های مجاور حیاط، فضاهای اصلی نظیر شاه نشین و اتاق های اصلی جای می گیرند. فضاهای فرعی و خدماتی نظیر پستو و پله در لایه های پشتی توده واقع می شوند. در الگوی دو طرف ساخت، خانه ها دارای دو توده می باشند که یا بر هم عمودند و یا در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. در این الگو دو مجموعه فضایی با منزلت متفاوت در خانه ایجاد می شود. به این ترتیب که فضاهای اصلی در توده رو به حضرت و فضاهای فرعی در توده دیگر جانمایی می شوند. در این حالت، دو توده در تقابل با یکدیگر قرار دارند و حیاط با قرارگیری در میان این دو توده به عنوان عامل ارتباطی دو مکان

متقابل و فضایی برای تلاقی فعالیت ها ایفای نقش می کند. ویژگی های کلی فضاها در الگوی سه طرف ساخت مشابه الگوی قبل میباشد؛ اما از آنجا که در این حالت، خانه ها ابعاد و تناسبات بزرگتری دارند، از ریزفضاهای متنوع تری برخوردار هستند. (محمودی، ۱۳۸۸، ۸۱) با بررسی الگوهای مختلف آرایش توده و فضا در خانه های بافت قدیم این شهر و با توجه به قرار گیری زمین مورد نظر در شمال غربی حرم مطهر، می توان از دو الگوی متداول، یعنی یک طرف ساخت و دو طرف ساخت، در طراحی خانه های این کوی مسکونی بهره برد. با استفاده از الگوی دو طرف ساخت با دو توده عمود بر هم، می توان علاوه بر بهره گیری از نور مناسب جنوب در فضاهای خانه، از جهت گیری خاص خانه های سنتی شهر نیز پیروی نمود. در واقع با این روش به هر دو عامل اقلیم و مذهب به صورت همزمان پاسخ داده خواهد شد.

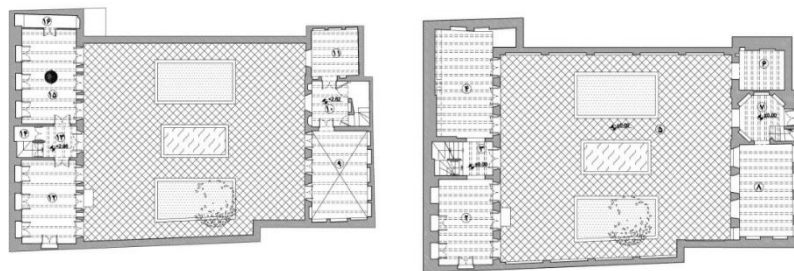
۷-۲-۱-۴- بررسی دو نمونه از خانه های سنتی مشهد

در این بخش درصدد یافتن نظام موجود در ساختار و اجزاء برخی از خانه های بافت قدیم شهر و بیان دقیق کیفیت های فضایی آنها خواهیم بود. خانه های امیری و مستوفی، نمونه هایی از این خانه ها هستند که در ادامه به معرفی آنها پرداخته می شود.

۱-۷-۲-۱-۴- خانه امیری

این خانه در زمینی با راستای شمال غربی- جنوب شرقی، یعنی عمود بر راستای قبله و با تناسبات تقریبی ۱ به ۲ واقع شده است. فضاهای این خانه به صورت دو قسمت مجزا، در دو سمت شمال غربی و جنوب شرقی واقع شده اند. این فضاها در دو طبقه همکف و اول جایگذاری شده اند و زیرزمینی در سمت غربی جبهه شمال غربی قرار گرفته است. طبقات همکف و اول در هر دو سمت به وسیله راه پله ای که در میانه فضاها قرار گرفته است به یکدیگر مرتبط شده اند. در جبهه شمال غربی و در طبقه همکف، یک اتاق و یک مطبخ قرار گرفته است. در طبقه اول همین جبهه و در طرفین فضای راه پله، دو اتاق با تناسبات برابر ساخته شده است که به عنوان فضاهای اصلی و شاه نشین خانه محسوب می شوند. در جبهه جنوب شرقی بنا نیز اتفاقی مشابه افتاده

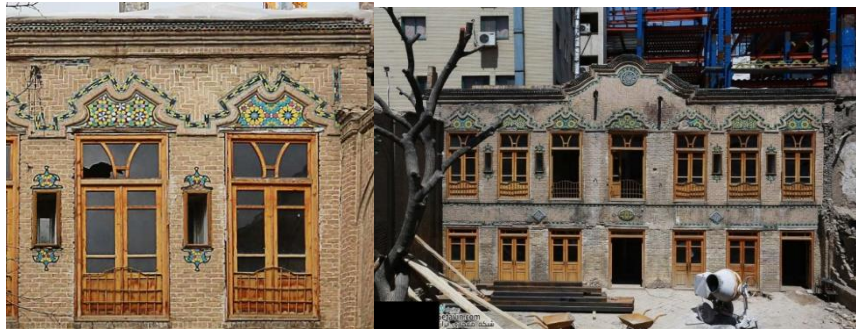
است، به این صورت که هشتی ورودی در میان دو فضای اتاق و حوض خانه قرار گرفته است. در تراز بالایی این جبهه نیز دو اتاق با تناسب متفاوت واقع شده اند. (تصویر ۴-۱۰) فضاهای طراحی شده در این خانه از هندسه ای راست گوشه و منظم تبعیت می کنند. نکته دیگری که در طراحی فضاهای این خانه به چشم می خورد، نحوه تقسیم بندی فضایی آن است. فضاها در این خانه به دو گونه فضای مجزا تقسیم می شوند که عامل اتصال دهنده آنها حیاط می باشد. در نتیجه، حیاط به عنوان یک عنصر ارتباطی عملکردی و بصری در میان فضاهای این خانه ایفای نقش می کند.



تصویر ۴-۱۰- خانه امیری، دوره قاجار، نقشه طبقه همکف (راست) و طبقه اول (چپ) (محمودی، ۱۳۸۸، ۸۵)

بررسی جداره های بیرونی بنا نشان می دهد که به جز فضای ورودی، سایر جداره ها ساده، بسته و فاقد تزیین بوده اند و تنها یک پنجره در جبهه سردر به بیرون بنا باز شده است. ورودی بنا با دو جرز بیرون زده در طرفین مشخص شده است. جداره های داخلی حیاط نیز دارای نظم خاصی در طراحی هستند. به طور کلی نمای طبقات همکف و اول را باید مرتبط با هم دانست و می توان گفت که همان نمای طبقه بالا با اندکی تغییر در طبقه همکف اجرا شده است. نمای جبهه شمال غربی بنا که به عنوان جبهه اصلی شناخته می شود، دارای طاقی بزرگ و برگرفته از تزیینات دوره تاریخی قاجار می باشد که سبب توجه بیشتر به این جبهه می شود. اهمیت این تأکید به دلیل جانمایی فضاهای اصلی خانه نظیر شاه نشین در این جبهه می باشد. (تصویر ۴-۱۱) نکته دیگری که قابل ذکر است، بهره گیری معمار از ارتفاع جداره ها برای درک بهتر تناسب فضایی حیاط می باشد. در واقع نسبت ارتفاع ساختمان به عرض حیاط به گونه ای انتخاب شده که ناظر پس از استقرار در

حیاط، احساس تنگی و گرفتگی و یا بالعکس احساس قرارگیری در فضایی فراخ و غیر قابل درک را ندارد. به این ترتیب میان ناظر و جبهه های حیاط، نوعی ارتباط مطلوب شکل می گیرد. (محمودی، ۱۳۸۸، ۸۵)



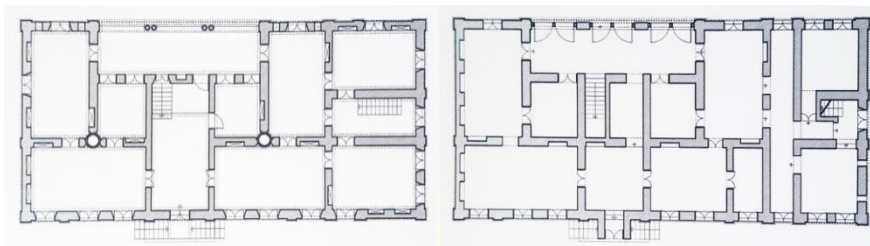
تصویر ۴-۱۱- خانه امیری، دوره قاجار، نمای اصلی و جزئیات آن (محمودی، ۱۳۸۸، ۸۶)

۲-۷-۲-۱-۴- خانه مستوفی

خانه مستوفی در انتهای زمینی با وسعت بسیار زیاد و به صورت کوشک ساخته شده است. شواهد به جا مانده نشان می دهد که این بنا در میان باغی وسیع و در انتهای این باغ قرار داشته است. کشیدگی باغ، شمال شرقی- جنوب غربی و کشیدگی کوشک عمود بر آن است. این کوشک با هندسه ای مستطیل شکل و راست گوشه و با تناسبات ۱ به ۲ و در دو طبقه ساخته شده است. در طبقه همکف، پس از ورود، فضایی مستطیل و کشیده و با راستای شمال غربی- جنوب شرقی وجود دارد که وظیفه تقسیم فضاها را بر عهده دارد. راه پله ارتباطی طبقه اول در مقابل ورودی قرار دارد و در طرفین آن دو فضای نسبتاً کوچک و قرینه قرار گرفته است. در سمت چپ و راست فضای تقسیم نیز دو اتاق با راستای شمالی- جنوبی و با هندسه ای منظم قرار دارند. در پشت این فضاها مجموعه ای دیگر از اتاق های راست گوشه و مرتبط به هم وجود دارد. در سمت شرقی، راهرویی کشیده در راستای شمال شرقی- جنوب غربی قرار گرفته که دسترسی به دو اتاق انتهایی ضلع جنوب شرقی و همینطور ورودی این ضلع از بنا را امکان پذیر می سازد. در طبقه اول شرایط کلی قرار گیری فضاها مانند طبقه پایین می باشد، با این تفاوت که راهروی پایین به فضای دو اتاق جبهه جنوب شرقی افزوده شده و ایوانی مشرف به شمال شرقی جای فضای تقسیم ابتدایی را گرفته است. سایر فضاها بالا و پایین را می

توان مشابه یکدیگر دانست. (تصویر ۴-۱۲) یکی از نکات قابل توجه در مورد نماهای این بنا طراحی بدنه شمالی کوشک به عنوان نمای اصلی می باشد. معمار برای شاخص شدن بیشتر نما، ارتفاع آن را نسبت به بدنه فضاهای مجاور بالاتر برده و با شکستن خط آسمان، توجه ناظر را بیشتر به آن معطوف می کند. (تصویر ۴-۱۳) ورودی جبهه شمال شرقی این بنا، در مرکز محور اصلی و فضاها در دو طرف تکرار شده اند. در نتیجه ساختار قرار گیری فضاها در کنار هم به گونه ای است که در هر دو طبقه، فضاها کاملاً متقارن هستند. در نتیجه هیچ فضای اصلی و مهمی به صورت تک در بنا واقع نشده و فضای راه پله به عنوان فضای واسط انتخاب شده است. به این ترتیب اتاق ها به صورت متقارن در اطراف فضای میانی قرار گرفته اند. این نحوه چیدمان فضایی نشان می دهد که فضاهایی با چنین تناسباتی برگرفته از یک نظام شطرنجی است. به طوری که جرزها کاملاً منظم و در راستای هم قرار گرفته اند و با توجه شباهت دو پلان در طبقات، این جرزها به طبقه بالا منتقل شده و فضاهای طبقه اول را نیز شکل داده اند. با این روش، معمار با طراحی متناسب فاصله بین دیوارها، تناسب بین فضاها را کنترل کرده و به اتاق هایی با هندسه راست گوشه و متقارن دست یافته است. (محمودی، ۱۳۸۸،

(۱۲۶)



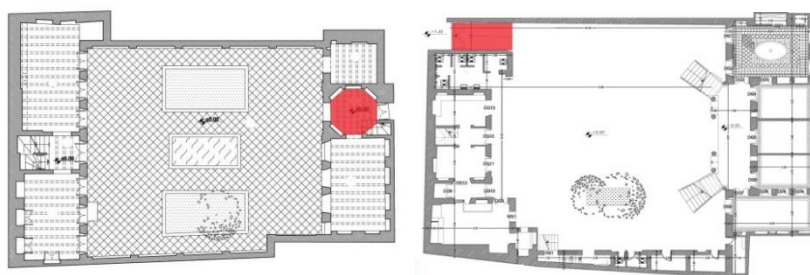
تصویر ۴-۱۲ - خانه مستوفی، دوره قاجار، نقشه طبقه همکف (راست) و طبقه اول (چپ) (محمودی، ۱۳۸۸، ۱۲۷)



تصویر ۴-۱۳ - خانه مستوفی، دوره قاجار، نمای اصلی و جزئیات آن (محمودی، ۱۳۸۸، ۱۲۷)

۸-۲-۱-۴- بررسی عناصر کالبدی و ویژگی های فضایی خانه های سنتی مشهد

معماری خانه ایرانی تا سال ۱۳۰۰ از تغییرات تدریجی و آرام برخوردار بوده و در حد فاصل سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ تحولات بسیاری را منعکس نموده است. اما از سال ۱۳۴۰ به بعد به کلی دگرگون شد. این تغییرات، هم در سازمان فضایی خانه و هم در شیوه زندگی خانواده به گونه ای اتفاق افتاده که شاید خانه های امروزی را در مقایسه با خانه های نیم قرن پیش در ایران، نتوان خانه ایرانی نامید. تفاوت موجود در دو نوع خانه ایرانی و خانه معاصر، تفاوت در شیوه های سازماندهی فضا است. معیار شکل دهی فضا در خانه ایرانی بر اساس رعایت حریم استوار است. (حائری، ۱۳۸۸، ۱۰۰) این مسأله در شهر مشهد، با توجه به پیشینه مذهبی آن اهمیت بیشتری داشته و به صورت فضاهای مختلفی در ساختار خانه های گذشته آن نمود پیدا کرده است. هشتی، اولین فضا در خانه ایرانی است که درون خانه و حیاط خصوصی آن را از فضای عمومی کوچه جدا می کند. این فضا که الگوی رفت و آمد به درون خانه را تنظیم می کند، در سازمان فضایی خانه های تاریخی مشهد مشاهده می شود. (تصویر ۴-۱۴)

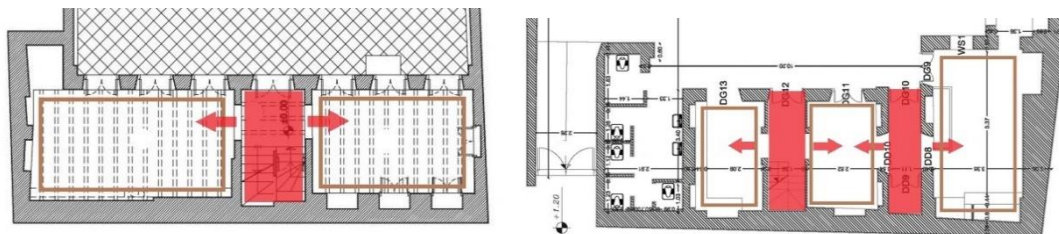


تصویر ۴-۱۴- الگوی فضای ورودی در خانه های داروغه (راست) و امیری (چپ)

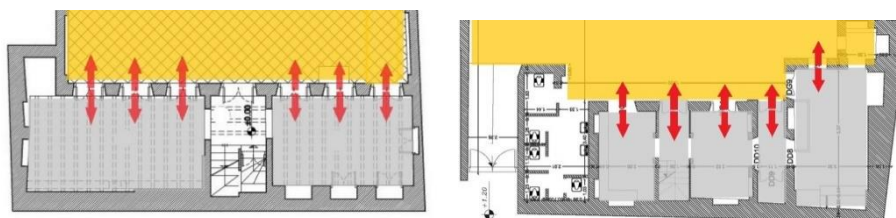
استفاده از شیوه های ترکیب فضاها و چگونگی قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر موضوعی است که به عنوان یکی از راه های حفظ حریم در سازمان فضایی خانه های تاریخی مشهد رعایت شده است. این امکان که هر فضا بتواند ضمن برخورداری از استقلال، با فضای دیگری ترکیب شود و مجموعه ایجاد شده نیز از تعریف برخوردار باشد، موجب انعطاف پذیری فضاها می شود. در این حالت، فضایی که توانسته از طریق تعریف شدن،

قلمرو خصوصی را تأمین کند، در حالی دیگر، از طریق ترکیب شدن می تواند قلمرو گسترده تری را ایجاد نماید. (حائری، ۱۳۸۸، ۱۰۲) چگونگی تحقق این امر در خانه های تاریخی در گرو خلق فضاهای بینابینی است. این فضاها که نقش تفکیک کننده دارند، در صورت نیاز به فضای بزرگتر به عنوان عنصر بسط فضایی ایفای نقش کرده و به توان فضاها می افزایند. این الگوی بسط فضایی شامل بسط نوری و بسط چشم اندازی نیز هست. نور و چشم انداز، فضا را منبسط می کنند و به کیفیت فضاهای خانه می افزایند (حائری، ۱۳۸۸، ۱۰۲).

(تصاویر ۱۵-۴ و ۱۶-۴)



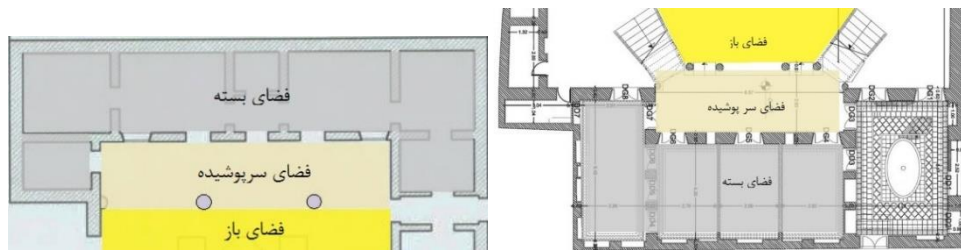
تصویر ۱۵-۴ - فضاهای بینابینی و نحوه بسط فضایی در خانه های داروغه (راست) و امیری (چپ)



تصویر ۱۶-۴ - بسط چشم اندازی و نوری در خانه های داروغه (راست) و امیری (چپ)

یکی دیگر از نکاتی که در راستای تأمین حریم، امنیت و آسایش ساکنین در خانه های قدیم این شهر قابل توجه است، رعایت کلان الگوی سلسله مراتب فضای باز- پوشیده- بسته است. این کلان الگو در اکثر این آثار، از طریق ترکیب اتاق، فضای سرپوشیده و حیاط رعایت شده است. البته لازم به ذکر است که نسبت فضاهای پوشیده در خانه های مشهد، در مقایسه با بناهای مناطق مرکزی یا شمال ایران کمتر است. الگوی فضای پوشیده به اشکال مختلفی در این خانه ها مشاهده می شود. از کوچکترین شکل آن که تحت عنوان ایوانچه یا

طاق نما از آن یاد می شود و در پایین خانه قرار گرفته شروع می شود و تا ایوان، که معروف ترین فضای پوشیده است، ادامه پیدا می کند. (تصویر ۴-۱۷)



تصویر ۴-۱۷- توالی فضایی باز، سرپوشیده و بسته در خانه های داروغه (راست) و براتی (چپ)

۳-۱-۴- نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی فوق حاکی از آن است که جهت گیری خانه های سنتی در مشهد به طور غالب بر اساس رون اصفهانی می باشد. این رون با اصول اقلیمی این بافت به طور کامل مطابقت دارد. از طرفی، کنکاش بیشتر در بافت سنتی این منطقه نشان می دهد که جهت گیری به سمت قبله (رون راسته) و جهت گیری به سمت حرم حضرت رضا (ع) (رون رو به حضرت) نیز متداول است. هر دو این جهت گیری ها از خصوصیت مذهبی- فرهنگی خاص این بافت نشأت گرفته است. به این ترتیب علاوه بر عامل اقلیم، عوامل مذهبی- فرهنگی نیز در جهت گیری خانه های بافت سنتی این شهر نقش دارند. بررسی ساختار خانه های تاریخی این منطقه نشان می دهد که نظام طراحی موجود در این خانه ها برای هر جزء فضای تعریف شده، ضمن حفظ استقلال می بایست شیوه های ترکیب آن با سایر جزء فضاها را در نظر بگیرد. به کارگیری این شیوه در ترکیب فضاها همراه با رعایت فضاهای بینابینی، امکان ایجاد فضاهایی انعطاف پذیر را میسر می سازد.

۱-۲-۴- تحلیل و شناخت محدوده طرح

شناخت بستر طراحی و ارزیابی وضع موجود، از جمله مقدماتی است که پرداختن به آن در استفاده بهینه از امکانات محیط، ایده پردازی و طراحی ضروری می باشد. به این منظور در این قسمت هم جواری ها و تراکم ساختمان های اطراف، دسترسی ها و وضعیت معابر مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲-۲-۴- معرفی محدوده طرح

زمین مورد نظر به مساحت ۴۷۰۰۰ متر مربع در بخش توسعه شهر مشهد و محدوده منطقه ۱۱ شهرداری واقع شده است. منطقه یازده شهرداری مشهد، در حال حاضر وسعتی معادل ۱۸۰۰ هکتار دارد که ۶.۱۶ درصد کل شهر را به خود اختصاص داده است. حدود ۲۲۲ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده که ۷.۹ درصد کل جمعیت شهر می باشد و تراکم جمعیتی آن ۱۲۳ نفر در هر هکتار است. این منطقه از شمال به میدان قائم، بزرگراه امام علی (ع) و نمایشگاه بین المللی، از شرق به میدان قائم، بزرگراه آزادی و میدان آزادی، از جنوب به میدان آزادی، بلوار وکیل آباد و انتهای بلوار وکیل آباد و از غرب به وکیل آباد و جاده شهرک جاهد محدود می شود و محلات زیباشهر، آزادشهر، هاشمی نژاد، سیدرضی، فرهنگ، دانشجو، تربیت، شریف و فارغ التحصیلان را در خود جای داده است. عمده کاربری های این منطقه، مسکونی، تجاری، اداری و آموزشی می باشد و مساحت کل معابر آن ۴۱۵ هکتار است که حدود ۲۳ درصد منطقه را شامل می شود. در ضمن کل فضای سبز منطقه ۱,۷۱۵,۹۸۳ مترمربع می باشد و سرانه هر نفر حدود ۷.۷۳ مترمربع برآورد شده است. (تصویر ۴-۱۸)



تصویر ۴-۱۸- محدوده زمین انتخابی در محله دانشجو، مشهد

۳-۲-۴- دسترسی های اطراف زمین

معبر شرقی (بلوار دانشجو)، بزرگراه امام علی را که یکی از شریان های اصلی شهر محسوب می شود، به بافت مسکونی جبهه جنوبی زمین مرتبط می کند. این معبر بعد از بزرگراه امام علی که دسترسی درجه اول می باشد، به عنوان دسترسی درجه دوم محسوب می گردد. (تصویر ۴-۲۰) معبر شمالی زمین که در هم جواری پارک قرار گرفته دارای عرض کمتری می باشد. این معبر که نسبت به معابر بلوار دانشجو و بلوار آموزگار، دسترسی فرعی محسوب می شود، می تواند به عنوان یکی از ورودی های مجموعه برای خدمت رسانی به واحدهای بخش شمالی زمین، مورد استفاده قرار گیرد. معبر جنوبی (بلوار آموزگار) که یکی از معابر اصلی و در مجاورت بلافاصل زمین قرار دارد، دسترسی بخش جنوبی مجموعه را تأمین می کند. این معبر به عنوان دسترسی درجه سوم محدوده طرح به حساب می آید. (تصویر ۴-۲۱) در نهایت در جبهه غربی، معبر فرعی وجود دارد که می تواند دسترسی تعدادی از واحدهای مسکونی مجموعه را تأمین نماید. (تصویر ۴-۱۹)



تصویر ۴-۱۹- محدوده طرح و دسترسی های اطراف آن



تصویر ۴-۲۱- دسترسی جنوبی زمین (بلوار آموزگار)



تصویر ۴-۲۰- دسترسی شرقی زمین (بلوار دانشجو)

۴-۲-۴- کاربری های هم جوار طرح

زمین طرح با دو دسترسی اصلی احاطه شده و کاربری های اطراف آن به طور عمده، ساختمان های مسکونی می باشند. (تصویر ۴-۲۲) در جبهه شمالی، یک پارک محلی و کانال آب واقع شده است. (تصاویر ۴-۲۳ و ۴-۲۴) در جبهه شرقی و غربی آن زمین های خالی قرار گرفته اند که کاربری آنها در طرح تفصیلی به ترتیب کاربری تجاری و فضای سبز تعریف شده است. سایر کاربری های اطراف طرح در جبهه جنوبی قرار گرفته اند و به طور عمده واحدهای مسکونی آپارتمانی می باشند.



تصویر ۴-۲۲- کاربری های موجود در اطراف طرح (۱) زمین خالی (۲) کانال آب (۳) فضای سبز (۴) صنعتی (۵) مسکونی (۶) میدان میوه و تره بار (۷) ورزشی



تصویر ۴-۲۴- کانال آب واقع در جبهه شمالی طرح



تصویر ۴-۲۳- فضای سبز واقع در جبهه شمالی طرح

۵-۲-۴- نظام ارتفاعی موجود در اطراف طرح

به دلیل قرار گیری آپارتمان های مسکونی در مجاورت دسترسی جنوبی زمین، این جبهه از ارتفاع بیشتری نسبت به سایر جبهه ها برخوردار است. این ساختمان ها به طور عمده ۳ تا ۴ طبقه می باشند. احاطه شدن طرح با فضاهای سبز و وجود فاصله عرضی مناسب با ساختمان های مسکونی جنوبی باعث شده تا مشکلی از لحاظ تأمین حریمیت و اشراف به واحدهای مسکونی مجموعه وجود نداشته باشد. (تصویر ۴-۲۵)



تصویر ۴-۲۵- نظام ارتفاعی موجود در اطراف طرح (۱ زمین خالی ۲) چهار طبقه ۳ و ۴) یک طبقه

۱-۳-۴- مبانی برنامه ریزی

۲-۳-۴- ضوابط و مقررات طراحی در منطقه

طرح مورد نظر در زمینی به مساحت حدود ۵ هکتار به صورت یک جزء محله یا کوی مسکونی در بخش توسعه طرح جامع شهر مشهد در نظر گرفته شده است. طبق تقسیم بندی که در طرح تفصیلی آمده، این قطعه زمین دارای کاربری مسکونی با تراکم متوسط می باشد. (تصویر ۴-۲۶) تراکم مربوط به این قطعه زمین، حداکثر ۳۰۰ درصد و حداکثر سطح اشغال اراضی مسکونی ۵۰ درصد می باشد



تصویر ۴-۲۶- نقشه حوزه تفکیکی تراکم مناطق منطقه ۱۱ مشهد (طرح تفصیلی مشهد)

طبق ضوابط مربوطه، طرح این مجموعه با نظام ارتفاعی دو تا سه طبقه و رعایت سطح اشغال ۵۰ درصد شکل می گیرد. مساحت باقیمانده دربرگیرنده فضاهای سبز و مسیرهای ارتباطی مجموعه و فضاهای خدماتی نظیر سالن اجتماعات، تاسیسات و مدیریت می باشد. چگونگی استفاده از اراضی برای این قطعه محاسبه شده و در جدول ۴-۳ نشان داده شده است.

جدول ۴-۳- برنامه فیزیکی

فضاها	مساحت محاسبه شده در قطعه مورد نظر
اراضی مسکونی	۲۳۵۰۰ متر مربع
فضاهای سبز و راه ها	۲۲۳۰۰ متر مربع
فضاهای خدماتی	۱۲۰۰ متر مربع
مساحت کل قطعه	۴۷۰۰۰ متر مربع

فصل پنجم

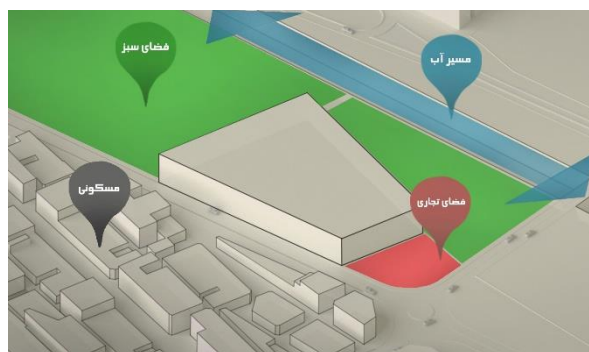
طراحی

۱-۵- مقدمه

این فصل به معرفی روند مراحل مختلف طراحی کوی مسکونی و ارزیابی مدارک طرح نهایی آن اختصاص داده شده است. در هر یک از این مراحل با توجه به اصول و الگوهای ارزیابی شده در فصل دوم و هم چنین بر اساس عوامل موثر بر شکل گیری مسکن در شهر مشهد، راهکارهای مختلفی بررسی شده اند. هر یک از این راهکارها با توجه به ویژگی های زمین به روشی برای طراحی این مجموعه تبدیل شده و از میان گزینه های به دست آمده، گزینه ای که بیشترین امتیاز را داشته به عنوان گزینه نهایی طرح مورد استفاده قرار گرفته است.

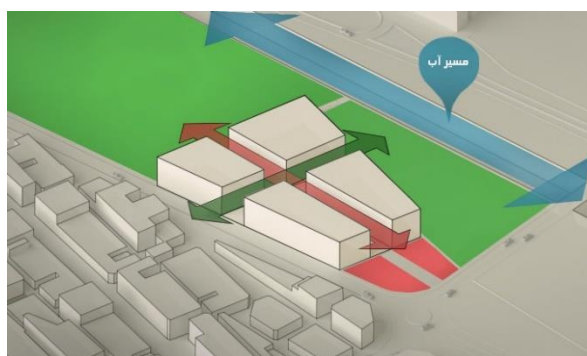
۲-۵- روند طراحی

اولین مرحله طراحی پس از انتخاب زمین، شناسایی قابلیت های آن، دسترسی ها و عناصر شاخص اطراف آن می باشد. با توجه به اهداف این تحقیق، قرارگیری زمین در بخش توسعه شهر با کاربری مسکونی و تراکم متوسط، از جمله ملاک های انتخاب زمین بوده اند. از عناصر شاخص اثرگذار بر این مجموعه می توان به وجود عناصری نظیر دو فضای سبز در شمال و غرب زمین، دو قطعه زمین با کاربری تجاری در جبهه شرقی آن و کانال آب واقع در جبهه شمالی آن اشاره کرد. این عناصر به همراه معابری که در پیرامون این زمین واقع شده اند، نقش مهمی در نحوه سازماندهی فضایی این مجموعه ایفا می کنند. (تصویر ۵-۱)



تصویر ۵-۱- عناصر شاخص پیرامون زمین

ایده ای که موجب شکل گیری ساختار کلی این مجموعه شد، برگرفته از مطالعات و نیروهای اطراف زمین می باشد. کشیدگی زمین در راستای کانال آب و فضای سبز واقع در شمال آن و وجود دو عنصر شاخص در دو جبهه شرقی و غربی زمین، از جمله این نیروها می باشند. بنابراین وجود یک محور با راستای شرقی- غربی و در جهت طول زمین برای پاسخگویی به این نیروها ضروری به نظر می رسد. از طرفی این محور با تقسیم زمین به دو بخش شمالی و جنوبی، می تواند به بهره گیری بیشتر از چشم انداز شمالی سایت و نورگیری بهتر واحدهای مسکونی واقع در این مجموعه کمک کند. محور شاخص دیگری که در این زمین به چشم میخورد، به موازات عرض زمین و در امتداد دسترسی فضای سبز شمالی به آن می باشد. (تصویر ۵-۲)

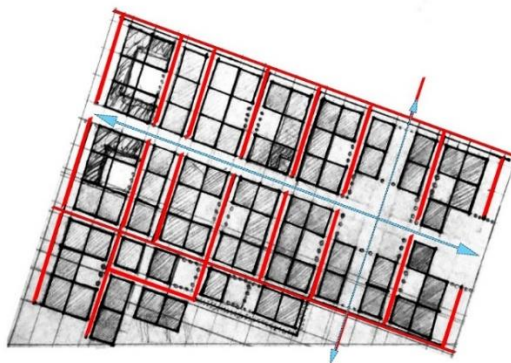


تصویر ۵-۲- نیروهای موثر بر طراحی

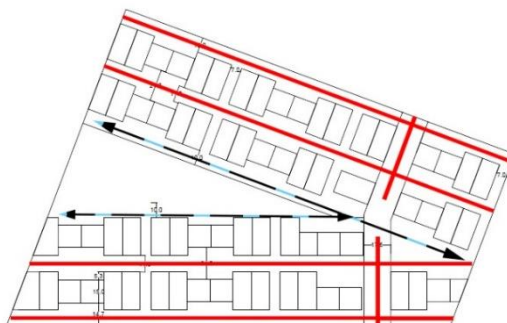
پس از شناسایی محورهای اصلی و نیروهای موجود در اطراف زمین، مرحله بعد به بررسی راهکارهای مختلف سازماندهی فضاها و دسترسی های داخلی مجموعه بر اساس این موارد اختصاص می یابد. بر اساس اصول آرایه شده در فصل دوم و نتایجی که از آن حاصل شد، هدف، اختصاص دادن یک فضای عمومی مرکزی برای کل مجموعه و ترکیب هر چند واحد مسکونی به صورت یک مجموعه همسایگی می باشد. هر یک از این واحدهای همسایگی دارای فضای نیمه عمومی مختص به خود هستند. واحدهای مسکونی نیز دارای فضای باز خصوصی می باشند. لزوم دسترسی هر واحد مسکونی به ماشین در این طرح به عنوان یک محدودیت در نظر گرفته شده است. راهکارهایی که در روند طراحی آرایه شده اند نیز در راستای رسیدن به این اهداف شکل گرفته اند. در

این فرآیند سعی شده تا حد ممکن از تداخل مسیر حرکت پیاده و سواره پرهیز شود. به این منظور حالت های مختلف سازماندهی دسترسی پیاده و سواره در این مجموعه در نظر گرفته شد.

یکی از راهکارهای ارایه شده، استفاده از محور عرضی برای ورود سواره و سپس منشعب شدن شاخه هایی از این مسیر در مجموعه می باشد. در این حالت می توان از ورود اتومبیل به محور طولی میانه زمین جلوگیری کرد و آن را مختص به حرکت پیاده دانست. در گزینه های اولیه به اشکال مختلف این نوع از سازماندهی پرداخته شد. (تصاویر ۳-۵ و ۴-۵)

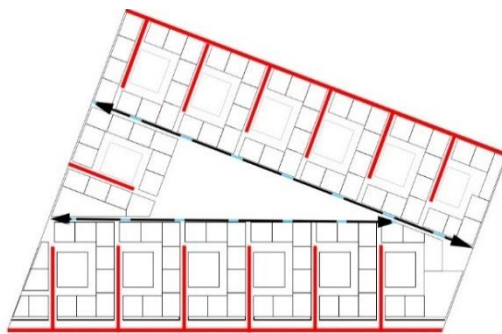


تصویر ۳-۵- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه ۱)

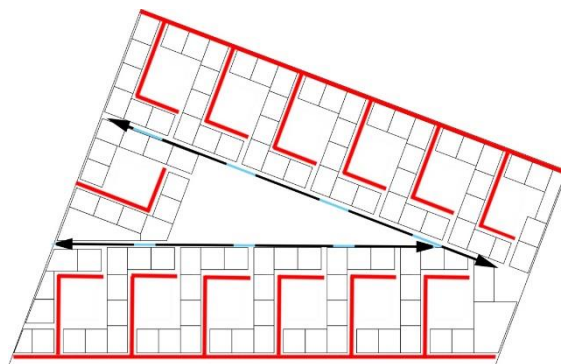


تصویر ۴-۵- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه ۲)

اشکال عمده ای که در این حالت وجود دارد، متمرکز شدن مسیر حرکت سواره در یک نقطه از زمین و تحت تأثیر قرار دادن محور طولی پیاده می باشد. در مراحل بعدی برای رفع این مشکل، محور عرضی سواره رو حذف شد. به این ترتیب، با عقب نشینی از حاشیه خیابان های مجاور سایت و ایجاد یک مسیر کندرو، حرکت سواره در کل مجموعه توزیع شد. در این حالت، در هر یک از مجموعه های همسایگی علاوه بر دسترسی مستقیم ماشین به واحدهای مسکونی، امکان دسترسی مستقیم پیاده به مرکز محله نیز وجود دارد. (تصویر ۵-۵) در مرحله نهایی جهت حفظ قلمرو هر یک از این مجموعه های همسایگی در مسیر دسترسی از خیابان به فضای باز داخلی مجموعه شکستی ایجاد شده است. این شکست در تعریف قلمرو فضایی مرکز محله و افزایش محصوریت آن نیز نقش دارد. (تصویر ۵-۶)

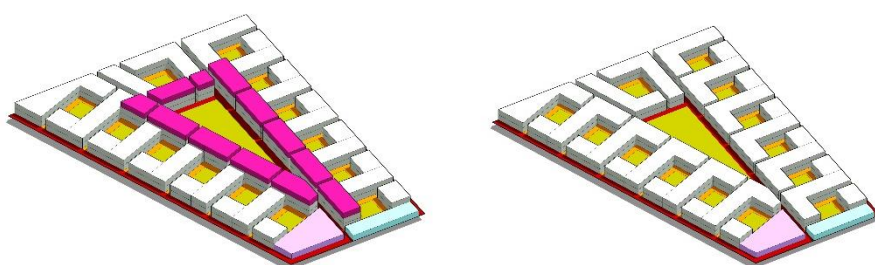


تصویر ۵-۵- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه ۳)



تصویر ۵-۶- سازمان دهی دسترسی سواره و پیاده (گزینه نهایی)

یکی دیگر از عواملی که در راستای افزایش محصوریت فضای مرکز محله می تواند موثر باشد، افزایش ارتفاع ساختمان های حاشیه این فضا است. با این روش می توان به نسبت مناسبی از ارتفاع به عرض در تعریف قلمرو فضای مورد نظر دست یافت. (تصویر ۵-۷)

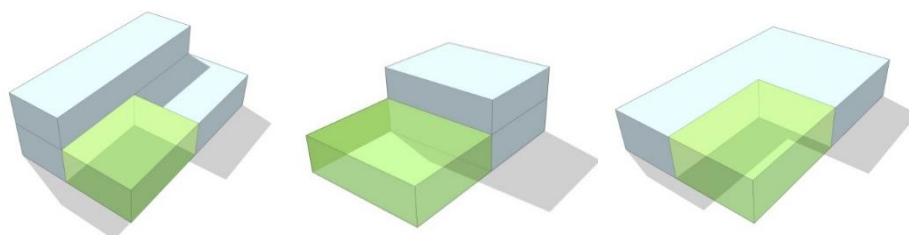


تصویر ۵-۷- افزایش ارتفاع خانه های مجاور میدان مرکزی

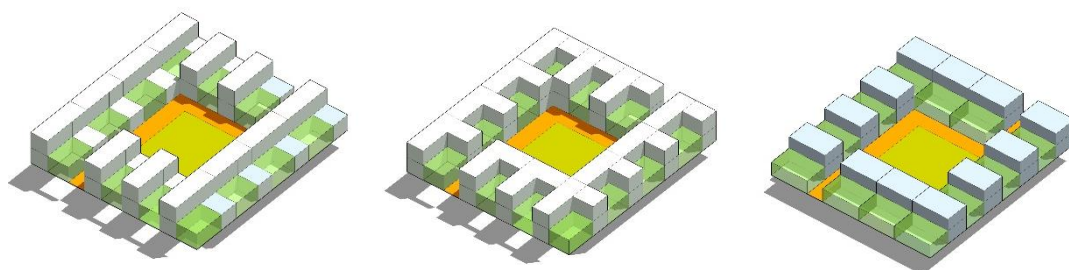
روند طراحی واحد های مسکونی این مجموعه نیز بر اساس مطالعات بستر طراحی و شناختی که از ویژگی های خانه های تاریخی مشهد بدست آمده صورت گرفت. در ابتدا نحوه قرارگیری توده و فضا در این خانه ها به صورت یک طرف ساخت در نظر گرفته شد؛ به گونه ای که فضاهای داخلی آنها نور جنوب را دریافت کنند. اما در مراحل بعدی به منظور رعایت جهت گیری اقلیمی و آیینی مرسوم در معماری گذشته این شهر، سازماندهی خانه ها به صورت دو توده عمود بر هم صورت گرفت. با قرارگیری این توده ها در جبهه غربی و شمالی هر یک از قطعه ها، بهره گیری فضاهای داخلی از نور شرق و جنوب امکان پذیر می گردد. از طرفی به دلیل نورگیری این واحدها از حیاط شخصی خود و هم چنین ارتفاع بیشتر توده غربی آنها، مشکلی از لحاظ اشراف خانه ها به یکدیگر وجود نخواهد داشت و در عین حال از ورود نور نامطلوب غرب به داخل حیاط ها نیز جلوگیری می شود. رعایت الگوی بسط فضایی و بهره گیری از مصالح آجر در طراحی نما، ایجاد فضاهای نیمه باز خصوصی بدون اشراف، اختصاص دادن فضای باز شخصی به هر یک از خانه ها و ارتباط این خانه ها از

طریق فضای باز نیمه عمومی مجموعه های همسایگی جهت برقراری تعاملات اجتماعی نیز از مواردی هستند که در روند طراحی این کوی مسکونی و با توجه به خانه های گذشته این شهر در نظر گرفته شده اند. (تصویر

۵-۸)



تصویر ۵-۸- روند حجمی واحدهای مسکونی



تصویر ۵-۹- روند سازمان دهی واحدهای مسکونی در یک مجموعه همسایگی

۳-۵- مدارک و نقشه ها



تصویر ۵-۱۰- نمایی از طراحی کلی مجموعه



تصویر ۵-۱۱- نمایی از مرکز محله مجموعه



تصویر ۵-۱۲- نمای از یکی از واحدهای همسایگی مجموعه



تصویر ۵-۱۳- نمای کلی از واحدهای همسایگی مجموع

منابع

- استقلال الف، بهادری م، ۱۳۹۱، "شوشتر نو"، مجله هنر و معماری، ش ۲۵
- افشار نادری ک، ۱۳۷۹، "یادگارهای آشنا کامران دیبا"، مجله معمار، ش ۱۰
- آلیاگونولو، آدریانو، ۱۳۸۴، "معماری بومی"، ترجمه علی محمد سادات افسری، چاپ دوم، نشر فضا، تهران، ص ۲۵
- اهری ز، ۱۳۶۷، "مسکن حداقل"، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن
- بایزیدی ق، حبیب ف، ۱۳۹۲، "جستاری بر تبیین دیدگاه های منطقه گرایی و سیر تحول آنها در معماری معاصر"، مجله نقش جهان، ش ۱، دوره سوم
- پیرنیا م، معماریان غ، ۱۳۸۷، "سبک شناسی معماری ایرانی"، چاپ اول، نشر سروش دانش، تهران
- توسلی م، ۱۳۷۶، "اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران"، جلد اول، چاپ چهارم، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ثقه الاسلامی ع، ۱۳۸۹، "بررسی رشد و گسترش شهر مشهد در دوره معاصر"، مجله طاق، ش ۳۹ و ۴۰
- جولایی س، ۱۳۸۵، "مجتمع مسکونی شوشتر نو- دزفول- اثر کامران دیبا"، مجله معمار، ش ۱۰
- حائری مازندرانی م، ۱۳۸۸، "خانه، فرهنگ، طبیعت"، چاپ اول، نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- حائری مازندرانی م، ۱۳۸۸، "خانه، فرهنگ، طبیعت، بررسی معماری خانه های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه"، چاپ اول، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۹۳، "از شار تا شهر"، چاپ چهاردهم، دانشگاه تهران، تهران

- داوودی م، محمدی ح، ۱۳۸۹، "تجزیه و تحلیل و پیش بینی برخی عناصر اقلیمی مشهد، مجله علمی و فنی نیوار، ش ۷۰ و ۷۱
- دیبا ک، ۱۳۹۲، "کامران دیبا: ساختمان ها و پروژه ها"، چاپ اول، موسسه علم معمار، تهران
- رضایی ط، ۱۳۹۱، "شکست شوستر نو، تجربه ای آموزنده"، مجله هنر و معماری، ش ۲۵
- رضوانی ع، ۱۳۹۴، "در جستجوی هویت شهری مشهد"، چاپ اول، نشر وزارت مسکن و شهرسازی، تهران
- سراج الدین الف، ۱۳۷۶، "مقدمه ای بر منطقه گرایی در معماری مساجد"، ترجمه سعید نوری نژاد
- سفلیایی ف، ۱۳۸۵، "تعامل سنت و مدرنیته در آثار بالکریشنا دوشی در معماری معاصر هند"، مجله معماری و فرهنگ، ش ۲۶
- شایان ح، عینی فر ع، دیبا د، ۱۳۸۸، "مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه"، مجله هنرهای زیبا، ش ۳۸
- شوئنوئر ن، ۱۳۸۰، "مسکن، حومه و شهر"، ترجمه شهرام پوردیهیمی، چاپ اول، نشر روزنه، تهران
- علی الحسابی م، کرانی ن، ۱۳۹۲، "عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده"، مجله مسکن و محیط روستا، ش ۱۴۱
- علیجانی ب، ۱۳۷۵، "آب و هوای ایران"، چاپ اول، نشر دانشگاه پیام نور، تهران.
- فتحی ح، ۱۳۸۲، "ساختمان سازی با مردم"، چاپ دوم، نشر دانشگاه هنر، تهران.
- کسمایی م، ۱۳۹۴، "اقلیم و معماری"، چاپ هفتم، نشر خاک، تهران
- محمدی الف، ۱۳۸۸، پایان نامه ارشد: "طراحی کوی مسکونی با رویکرد گونه شناسانه"، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

- محمودی م، (۱۳۸۸)، پایان نامه ارشد: "گونه شناسی خانه های مشهد در اواخر دوره فاجار و پهلوی اول"، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- مدرس رضوی م، ۱۳۸۶، "مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی"، چاپ اول، نشر آهنگ قلم، مشهد
- مهدوی نژاد م، بمانیان م، خاکسار ن، ۱۳۸۹، "هویت معماری: تبیین معنای هویت در دوره های پیشا مدرن، مدرن و فرا مدرن"، مجله هویت شهر، ش ۷، سال پنجم
- میری نژاد س، ۱۳۹۲، "رمانتیسم در معماری معاصر ایران با تاکید بر معماری دوره پلوی دوم پس از سال ۱۳۳۲ شمسی، مجله هنرهای زیبا، ش ۱، دوره ۱۸
- نورمحمدی س، ۱۳۸۷، "تجزیه و تحلیل مبانی فکری و آثار راج روال در بستر فرهنگی هند"، مجله آبادی، ش ۵۸

- هاشم زاده همایونی م، ۱۳۷۴، "محله و خیابان"، مجله آبادی، ش ۱۷
- هاشم نژاد ه، آقایان ش، ۱۳۸۸، "پیوند گذشته و حال در طرح های مسکونی راج روال"، مجله معماری و فرهنگ، ش ۳۶، سال یازدهم
- بینگ ک، ۱۳۸۳، "طراحی اکولوژیک در معماری با طراحی سبز"، ترجمه سیما زنگنه، مجله آبادی، ش ۴۲

Canizaro, V, (2007), "Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition", Princeton Architectural Press

Colquhoun, A, (1997), "The concept of regionalism", Princeton Architectural Press

Diba, K. (1986), "Technical Review Summary", Aga Khan Award For Architecture

Doshi B. (1989), "Aranya Community Housing, Indore, India", Vastu Shilpa Foundation

Heath, K, "Vernacular Architecture and Regional Design", Elsevier Ltd, London, 2009, P: xi

Ozkan. S. (1985), "Introduction - Regionalism within Modernism", The Agha Khan Award for Architecture

Rapaport. A. (1969), "House Form and Culture", Prentice- Hall Inc, London

Serageldin, I. (2007), "Hassan Fathi", Bibliotheca Alexandrina

Shiraz, M. (2012), New Towns_ Promises Towards Sustainable Urban Form, From "Shushtar_ No" to "Shahre Javan Community", Vol. 07, Young Cities Research Paper Series, Berlin

Steele, J. (1989), The Hassan Fathy Collection, A Catalogue of Visual Documents at the Agha Khan Award for Architecture, Switzerland

Abstract

In recent years, following the consequences of the growing population growth and the construction of residential complexes that are not related to the environment, the issue of how to adapt residential designs to their context, taking into account all aspects of human needs, is the focus of attention of experts. . Therefore, it is important to identify the principles and patterns deriving from the context and to use them logically to communicate between residential space and human beings. This research seeks to apply these principles in the design of residential complexes. On this basis, after identifying the housing, residential complexes and the principles governing their design, they are concerned with studies of regionalism and how to use this theory. Based on this approach, buildings are recognized when they meet the criteria that arise As well as territorial and human characteristics, and with the passage of time, they can maintain their accountability. Since past Iranian architecture has developed based on certain criteria and principles and models that fit the lives of people, the recognition and analysis of the structure and The patterns used in this area of planning and designing residential areas have provided the subject of this project. Also, in order to use similar experiences, the comparative study of two residential complexes with a regionalization approach in Iran and India and the extraction of their design principles has been discussed. Finally, based on the obtained principles and the identification of factors affecting the formation of housing Residential housing has been designed in Mashhad.

Key words: housing, residential complex, regionalism, design patterns



School of Architecture and Urban Engineering

Architecture

Master of Architecture

Residential neighborhood design approach to regionalism

Faezeh Semsar Izadi

supervisors

Dr. Taheri Shahræeni

Dr. Atlasbaf

September/ 13/ 2017